

شکاف طبقاتی

به آسیب‌های اجتماعی می‌رسد



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۵۷ | دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۹ | ۱۴ ذی‌القعدة ۱۴۲۱ | ۶ جولای ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

۲
سرمقاله

علی حیدری



اعترافات زم را پخش کنید!

۵
جهان

احمد کریمخانی



پاسخ قاطع مقاومت

۱۴
نواور

نوید کمالی



سکولاریزاسیون آنلاین!

فرمانده نیروی دریایی سپاه با حضور در هفته‌نامه صبح صادق

کابوس آمریکا در خلیج فارس هستیم

۳ ما شهرهای زیرزمینی شناوری و موشکی ساحل به دریا داریم

برده‌برداری از زوایای پنهان جلسه اخیر شورای امنیت

مراقب پاتک

تسلیماتی اروپا

باشیم!

۴
راهبرد

معاون تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه

پاسداران

معلمان قرآن

می‌شوند

۱۵
پاسدار



۳ موشک‌ها، سلاح‌ها، توانایی پوشش هوایی و...

روز به روز افزایش پیدا می‌کند

۳ در مبارزه با قاچاق حتی به سمت

یک ایرانی هم شلیک نکردیم

۳ اگر دختر پاسداری با پسر پاسداری

ازدواج کند، جهیزیه‌شان را می‌دهیم

۸
گفت‌وگو

تحلیل کتاب جدید جان بولتون را
هر هفته در ستون انعکاس بخوانید

۴
راهبرد



نسخه صوتی صبح صادق
بشنوید Beshnavidd.ir

اعترافات زم را پخش کنید!

علی حدیری

سردبیر

نام کانال «آمدنیوز» و گرداننده آن، یعنی «روح‌الله زم» اگر چه در میان اهالی سیاست و رسانه از سال ۱۳۹۵ مطرح بود، اما از حوادث دی‌ماه سال ۱۳۹۶ بیشتر بر سر زبان‌ها افتاد و از آنجا بود که دیگر نه تنها به عنوان یک کانال معاند و ضد انقلاب، بلکه به عنوان یکی از اتاق‌های طرح‌ریزی برای ناامن‌سازی و ایجاد اغتشاش در کشور کارکرد خود را به طور رسمی و علنی آشکار کرد. در غانله در اویش گنابادی در خیابان پاسداران تهران، آتش‌پار معرکه بود و حوادث تلخی را رقم زد که به شهادت یک بسیجی و چند نفر از پاسداران امنیت در نیروی انتظامی منجر شد.

به تور انداختن و دستگیری گرداننده این کانال که تحت تدابیر ویژه امنیتی و سپرهای حفاظتی سرویس‌های ویژه جاسوسی در پاریس به سر می‌برد، به دست سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در سپاه با طراحی چندلایه اطلاعاتی و بهره‌گیری از روش‌های نرم، اوج اقتدار امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشت و از چند ماه قبل محاکمه وی آغاز شد. در روزهای گذشته، حکم دستگاه قضائی درباره زم صادر و اعلام شد که وی به علت ۱۳ مورد از عناوین اتهامات وارده که از مصادیق افساد فی‌الارض بوده، به اعدام محکوم شده است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب به طور گسترده، معاونت در ایجاد اخلاق در نظام اقتصادی کشور، جاسوسی به نفع سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، فرانسه و یک کشور منطقه‌ای، مشارکت در اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار در دی‌ماه سال ۱۳۹۶، توهین به مقدسات اسلام، تحصیل مال از طریق نامشروع و شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی.

با این حال، اگر چه این حکم کمترین چیزی است که می‌تواند دل‌های مردم و آسیب‌دیدگان در حوادث و آشوب‌هایی را که یکی از مسببان آن کانال «آمدنیوز» بود، التیام ببخشد، اما افکار عمومی بیشتر از آن در انتظار اعترافات این عنصر خائن به ملت و کشور است؛ چرا که زم زمانی مُرد که به دست توانمند پاسداران انقلاب اسلامی، دستگیر و به کشور بازگردانده شد.

اما پس از صدور حکم گرداننده آمدنیوز، رسانه‌های بیگانه و برخی عناصر ضد انقلاب فراری به تکاپو افتادند تا با زیر سؤال بردن حکم صادره، جرائم او را ساده‌سازی کنند. آنها با طرح مطالبی از قبیل اینکه زم یک خبرنگار صرف بوده است، تلاش کردند دروغ‌پردازی‌ها و اقدامات او با حمایت سرویس‌های بیگانه علیه امنیت ملی را یک کار رسانه‌ای عادی جلوه دهند؛ در حالی که این کانال به طور علنی تمام تلاش خود را برای ایجاد اغتشاش و ناامنی به کار می‌برد و در این موضوع تا حد آموزش‌های جزئی خرابکارانه نیز مبادرت می‌ورزید. زم با استفاده از عناصر نفوذی در موضوع جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، همان کاری را انجام می‌داد که جاسوس‌ها در سراسر جهان انجام می‌دهند؛ البته بسیاری از آنها هم در کسوت خبرنگار و روزنامه‌نگار به این کار مشغول هستند.

نکته پایانی اینکه اگر چه مردم هوشیار ایران اسلامی به این تکنیک‌های رسانه‌های بیگانه آشنایی کامل دارند، اما آگاه‌سازی و تبیین آنچه در این ماجرا رخ داده است از سوی مسئولان امر و انتشار مستندات، می‌تواند جلوی انحراف افکار عمومی نسبت به واقعیت اتفاق افتاده را بگیرد.



سیدحسین خاتمی خوانساری

کارشناس سیاسی

سخنران رهبر معظم انقلاب در روز ۷ تیرماه سال ۱۳۹۹ مهر تأیید بر حرکت فسادزدای قوه قضائیه و توانسی مضاعف برای مبارزان این عرصه بود؛ اما در لایه‌های زیرین این سخنان، منظومه فکری رهبر معظم انقلاب چشم‌نوازی می‌کرد که باید به آن توجه لازم را داشته باشیم؛ اول اینکه، رهبر انقلاب تاکنون به‌کرات ما را به کارهای ریشه‌ای و مبنایی توصیه کردند که نمونه آن، سخنان ایشان در سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) بود. سخنانی که ما را به تحول در خود سپس در جامعه اطراف‌مان ترغیب می‌کرد. در این زمینه باید گفت کاری ریشه‌ای همانند تحول‌خواهی، باید از خودمان شروع شود. آنچه نیازمندش هستیم تقوای الهی است که اگر این مهم صورت بپذیرد، ریشه بسیاری از مشکلات در جامعه خشکیده می‌شود. هنگامی که خود را ملزم به رعایت تقوا کنیم، می‌شویم جامعه‌ای متقی و متدین که هر کاری انجام نمی‌دهد و هر حرفی نمی‌زند. بسیاری از ظن و گمان‌های اشتباه از بین می‌رود و واقعیات محسوس و ملموس، و قدرتی روزافزون برای حل مشکلات واقعی، و نه دروغین و غیرآشکار باقی می‌ماند؛ در این حالت برای مبارزه با فساد متحد می‌شویم و یک‌کلام می‌شویم، به آسانی آن را ریشه‌کن می‌کنیم و در کوتاه‌مدت خود را کشوری توسعه‌یافته، هم در معنویات و هم در مادیات می‌یابیم.

دوم اینکه، آنچه قبل از هر چیزی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب می‌یابیم، التزام به

اخلاق در مواجهه با فساد است. ایشان درسی به ما آموختند و آن این بود که در هر حال و در هر شرایطی اخلاق را رعایت کنیم و خود را به تهمت، غیبت و... آلوده نکنیم. بی‌محایا به افراد و آبروی آنها حمله نکنیم و خود را حق مطلق ندانیم. ایشان در سال‌های قبل و در سخنرانی‌های متعدد فرمودند: «وقتی جرم کسی ثابت نشده و حکمی برای او صادر نشده، نباید نام او را ببرید و هر چه می‌خواهید در مورد متهم بگویید.» اما باز هم متوجه عمق این سخن نشدیم، ظاهر آن را گرفتیم و توصیه الهی اخلاقی ایشان را در حد تلخیص کردن اسم و فامیل افراد تنزل دادیم و به جای نام و شهرت افراد، بازی حروف راه انداختیم؛ تا جایی که ب.ز، ح.ن، م.ه.ب.ق. و... تبدیل شد به سوژه فیلم‌های طنز و کمدی و از آن‌ن.خ.درآمد. در حالی که توصیه پیر انقلاب‌مان رعایت اخلاق و آداب شرع مقدس اسلام بود. چقدر ایشان با تفهیم‌دهی‌های ما راه آمده‌اند و تاکنون ما را تحمل کرده‌اند.

آنچه در بیانات ایشان در روز ۷ تیر ماه آمد، یک نمای کلی و زیبا از ادب و اخلاق بود. در حالی که ما بر سر مصادیق آن که بالاخره فلان فرد باید محاکمه شود یا نه، دعوایی جدید راه انداختیم. بحث‌ها درباره اینکه رهبر معظم انقلاب خود را خرج فلان فرد یا افراد کردند، بیشتر بود تا فحوائ کلام ایشان! چقدر تأسف بر انگیز! اصلاً چه چیزی عاید رهبر معظم انقلاب می‌شود که از فلان فرد دفاع کنند یا نکنند؟ آیا رهبری معظم انقلاب می‌خواهد خود را افدا کنند تا فردی بیشتر در مسئولیتش بماند و به مردم ظلم کند و آبروی بیشتری از انقلاب ببرد؟ اصلاً آیا فرد موضوعیت دارد؟ اگر بنا باشد ایشان خود را خرج کسی یا چیزی کنند، ارزشمندتر از اسلام و انقلاب چه چیزی وجود دارد؟ سال‌هاست که ایشان خود را

خرج انقلاب و مکتب کرده‌اند تا این دو بمانند، تاروکی بیدار شویم و هدف اصلی ایشان را بشناسیم و در مسیر صحیح حرکت کنیم. ماندن اسلام و انقلاب هم اصلاً ربطی به ماندن فرد یا افرادی ندارد که بگوییم فلانی را حفظ کنیم تا انقلاب صدمه نبیند. ایشان خود را خرج همه مردم کرده‌اند تا اخلاقی عمل کنند و زندگی مادی صرف نداشته باشند و بیش از پیش به فکر اسلام و انقلاب باشند و آن را فدای دعوای سیاسی و جدال‌های بیبوهه نکنند. این همان منظومه است که ظاهره‌بینی ما اجازه شناختن را نداده است. سخنانی که یک کیهکشان درست کردند و صدها سال دستگیری می‌کنند. سخنانی که ما دانما در آن، دنبال مقصری جز خودمان بودیم؛ بدون اینکه خود را مخاطب اصلی سخنان ایشان ببینیم، انگشت اشاره را سمت دیگران دراز کردیم و بودند کسانی که در تمام این سال‌ها سخنانشان را شنیدند تا مستمسکی بیابند و خود را تبرئه کنند. به جای اینکه نام‌نگاری کنیم و بر پاک بودن و صالح بودن مان اصرار کنیم، بهتر بود برسیم کجای کار ما اشتباه بود؟ به پرسش‌ها و ابهامات جواب بدهیم و از ایشان راهنمایی بخواهیم. به جای آنکه بگوییم رهبر معظم انقلاب خود را خرج فلان فرد کردند، بگوییم چطور می‌شود هم با فساد مبارزه کرد و هم مرتکب فسادی دیگر نشد؟ به جای اینکه بگوییم رهبر معظم انقلاب هم حرف ما را زدند، فاصله خود و رهبرمان را بشناسیم و به رفع آن اقدام کنیم. به جای اینکه بگوییم ایشان نمی‌توانند آشکارا مبارزه کنند و شخصاً وارد مصادیق شوند؛ پس ما باید حمله کنیم، افشاکاری کنیم، فریاد بزیم و در خلال آن آبروی افراد و آبروی نظام و دین را زیر پا له کنیم، کمی فکر کنیم و از خود برسیم ایشان چه مغذوری دارند؟ آیا می‌ترسند، آیا خجالت می‌کشند؟ آیا غسرق در مصلحت‌ها

فاصله‌مان را کم کنیم!

حاشیه‌ای بر سخنان امام خامنه‌ای خطاب به همایش سراسری قوه قضائیه

شده‌اند؟ واقعا چه چیزی دست ایشان را بسته است؟ که اگر کمی فکر کنیم، می‌بینیم ایشان فقط نمی‌توانند مانند ما بی‌اخلاقی کنند و فرق اساسی ما با ایشان همین است. ایشان نمی‌توانند حرفی بزنند و چندی بعد که خطای آن مشخص شد، خود را به آن راه بزنند که انکار اتفاقی نبفتاده است و من مرتکب اشتباهی نشدم و زمان به‌خرم تا مردم فراموش کنند. اصلاً این چه ادبیاتی است که وارد گفتمان سیاسی ما شده است؟ صلاح‌دیدها، مصلحت‌اندیشی‌ها، سازش با ظلم و فساد به سبب بقای فلان آرمان؟! مگر می‌شود که با ظلم و فساد سازش کرد؟ مگر می‌شود آن را دید و حرفی نزد؟ شاید این کار برای ما آسان باشد، اما برای رهبر فرزانه انقلاب هرگز آسان نیست. در این حالت هیچ چیز جز فقدان شرایط مبارزه در وجود تک‌تک ما دوستداران انقلاب دست مصلحان را نبسته است؛ مگر می‌شود مصلحی باشد، یابوری داشته باشد، تمام امکانات مهیا باشد و اقدامی صورت نگیرد؟ با کمی جست‌وجو در خودمان مانعی جز افکارمان، باورهای اشتباه‌مان و آرای سست‌مان نمی‌یابیم. استدلال‌های خالی از تقوا و اندیشه الهی ما را گرفتار چاه ویل کرده است. ادله‌هایی که تا به حال آن را با آموزه‌های دین سنجیدیم و شخصیت ما را شکل داده است و رهای مان نمی‌کند. ما متعبد باورهای غلط‌مان هستیم تا دستورهای دین‌مان و فرامین رهبرمان؛ پس باید به جای تفسیر به رای سخنان رهبر معظم انقلاب و کوچک کردن آن، ابعاد اخلاقی آن را بررسی کنیم و شواهد و نظایر آن را پیدا کنیم و تکلیف خود را بشناسیم؛ سپس منظومه فکری ایشان را بشناسیم و در راهش حرکت کنیم. آن وقت می‌بینیم قدرت مبارزه با فساد در ما عینی و عملی می‌شود و کشور با سرعت به سمت آرامش و توسعه معنوی و مادی حرکت می‌کند.

هدف حل مشکلات نیست!

نکات قابل ملاحظه در فهم ابعاد نامه سرگشاده موسوی خوئینی‌ها

مختلف اداره کشور، از جمله قوه مجریه و جایگاه رهبری مشخص شود. نقش رهبری در مواجهه با دولت، نقش هدایت‌گری کلی و سپردن اختیارات به ایشان است، به ویژه در حوزه اقتصادی که مجلس و دستگاه قضائی نیز هم‌سوا با اراده دولت پیش می‌روند و کمک‌حال آن به حساب می‌آیند. رهبری در این عرصه با هدایت‌گری‌های کلان خود به کمک دولت آمده است که بخشی از این کمک‌رسانی را می‌توان در نام‌گذاری‌های سال‌های مختلف برای هماهنگ‌سازی کل نظام به منظور کمک به دولت مشاهده کرد.

موسوی خوئینی‌ها برای فرار از پاسخگویی است که با آدرس دهی غلط اذهان عمومی را به جای دیگری ارجاع می‌دهد. کسی نیست که نداند آنچه در بهار ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ رقم خورد، بدون فعالیت سیاسی گسترده دوستان آقای خوئینی‌ها ممکن نبود. هشت سال از شکل‌گیری دولت مدنظر اصلاح‌طلبان گذشته است و بخش عمده‌ای از وضعیت کنونی کشور محصول اراده و تصمیماتی است که دولت مردان مورد علاقه ایشان رقم زده‌اند. اکنون زمان فرار به جلو و فرافکتی نیست؛ زمان آن است که مشخص شود تدابیر دولت برای حل مشکلات کشور از طریق حل مشکلات دیپلماسی، تصویب برجام و... چرا کم‌فروغ بوده و وضع کنونی را حاصل کرده است! جالب آنجاست که «صادق زیباکلام» فعال سیاسی اصلاح‌طلب در مواجهه با

این نامه می‌گوید: «قبل از آنکه به سراغ «چه باید کرد؟» برویم، موسوی خوئینی‌ها و هم‌فکرانش باید پاسخ دهند که چه کرده‌اند... امثال من و موسوی خوئینی‌ها به جای اینکه پاسخگو باشیم، بیاییم و از خودمان سلب مسئولیت کنیم و انگشت اتهام را به سمت یک فرد یا جریان بگیریم و او را مقصر جلوه دهیم، به هیچ وجه درست نیست.»

نتایج انتخابات اسفندماه ۱۳۹۸ به مذاق موسوی خوئینی‌ها و دوستانش خوش نیامده است و نگرانی نسبت به ۱۴۰۰ نیز رو به افزایش است. اگر وضعیت کشور به همین نحو به پیش رود، آینده خوشی برای اصلاح‌طلبان قابل تصور نیست و بدون شک اقبالی از آنان در عرصه واگذاری امور کشور به ایشان نخواهد شد؛ از این رو مشاوران و اتاق فکر نویسنده نامه ترجیح داده است تا باز هم با نزدیک شدن به انتخابات، افکار عمومی را دچار خطای محاسباتی کنند و با تشویش اذهان عمومی، مقاصد سیاسی‌شان را دنبال کنند.

سیاه‌نمایی، ندیدن نقاط قوت نظام، ناامیدسازی و تیره و تار نشان دادن اوضاع کشور، خطای دیگری است که نویسنده نامه عمداً یا سهواً دچار آن شده است. با وجود ادعاهای نویسنده باید توجه کرد که کشور در وضعیت آن‌چنان بحرانی و سیاهی قرار ندارد که هیچ امیدی به آینده آن وجود نداشته باشد. کشور توانسته است در عرصه‌های مختلفی به دستاوردهای ارزشمندی دست یابد؛ به

نحوی که امروز ایران اسلامی به قدرتمندترین کشور منطقه غرب آسیا بدل شده است و حتی می‌رود که به یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل شود. دستاوردهای جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف علمی، بهداشت و سلامت، نظامی، امنیتی و... حقیقت‌های آشکاری است که در نگاه به مشکلات کشور باید به آنها نیز توجه شود.

نکته پایانی توجه به این حقیقت است که اتفاقاً دستاوردهای عرصه‌های مختلف کشور، محصول توجه و عملیاتی کردن تدابیر حکیم انقلاب اسلامی است که در طول سه دهه زعامت ایشان طراحی و گفتمان‌سازی شده است. آیا غیر از این است که تأکید بر اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی، جنبش نرم‌افزاری، تقویت ساختار درونی کشور، تلاش برای تقویت و جهش تولید، توجه به ضرورت مصرف کالای ایرانی، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، توجه توأمان به عدالت و پیشرفت، تقویت روحیه انقلابی‌گری، جوان‌گرایی و سپردن امور به جوانان مؤمن انقلابی، تأکید بر سبک زندگی اسلامی-ایرانی و... جنگلی کلیدواژه‌هایی بوده‌اند که در طول سال‌های اخیر از سوی معظم‌له به جامعه تزریق شده‌اند و تلاش شده است تا به گفتمانی فراگیر بدل شوند؟

فراموش نکنیم عبور از مشکلات موجود در دهه پنجم انقلاب اسلامی، جز با عمل به همین توصیه‌ها ممکن نخواهد بود!

حتی یک کیلومتر!

محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران با انتقاد از عملکرد اصلاح طلبان در شورای شهر تهران گفت: شما مسئله توسعه مترو را در نظر بگیرید. دستگاه‌های حفار مدرنی که برای کنند تونل‌های مترو و ساخت سازه تونل در دوره گذشته از سوی خود تأمین و به کشور وارد شده بود، الان سه سال است که بی‌کار افتاده و در این سه سال حتی یک کیلومتر مترو در تهران ساخته نشده است؛ در حالی که اصولاً ساخت تونل مترو بسیار کم‌هزینه است و مشکل مالی یا اجرایی ندارد و می‌توان اعتبار آن را از طریق بودجه غیرنقد تأمین کرد. اگر این دستگاه‌ها در سه سال گذشته فعالیت می‌کردند، الان سه خط جدید مترو داشتیم.

برجام بی اثر

رئیس کل اسبق بانک مرکزی معتقد است برجام نتوانست در نهایت مشکلات روابط بانکی کشور با بانک‌های خارجی را حل کند. سیف در این باره افزود مسیرهایی که ناشی از برجام باز شده بود و سال ۹۵ قابل استفاده بود در سال ۹۶ کار نمی‌کرد. بنابراین یک دلیل افزایش نرخ ارز که همان فتر فشرده شده بود سر جای خود وجود داشت و در سال ۹۶ شدت گرفت و مبادلات ارزی هم به شدت محدود شد. وی همچنین با انتقاد از ابعاد اقتصادی برجام مدعی شد که در زمان مذاکرات هسته‌ای فرد متخصصی را برای حضور در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای پیشنهاد کرده که مورد پذیرش قرار نرفته است.

سوال از رئیس جمهور

حجت‌الاسلام سیدناصر موسوی لارگانی از تدوین طرح سؤال از رئیس جمهور به دلیل مشکلات موجود اقتصادی کشور خبر داد و اظهار داشت: موضوع از هم‌گسیختگی اوضاع بازار مسکن، خودرو و تورم عجیب و غریب و همچنین افزایش قیمت روزانه طلا و مشکلات ارزی در کشور باعث شد تا ما طرح سؤال از رئیس جمهور را در مجلس کلید بزنیم. وی افزود: متأسفانه دولت برنامه مدونی برای حل مشکلات موجود اقتصادی ندارد و باید به خاطر این سوءتدبیر، به‌وکلاهی ملت پاسخگو باشد. عضو هیأت رئیسه مجلس افزود: رئیس جمهور باید به مجلس و نمایندگان مردم پاسخ دهد که چه برنامه‌هایی برای حل مشکلات اساسی کشور داشته و دارد.

در کنار هم علیه کرونا

زهره اظهوروند

خبرنگار



در روزهای اخیر کرونا در کشور اوج گرفته و باعث ترس و نگرانی مجدد بسیاری از مردم شده است. روزهای ابتدایی که بیماری کرونا در کشور شیوع پیدا کرده بود، همه با کمک همدیگر و زحمات‌های شبانه روزی کادر درمان، نیروهای جهادی و مسئولان بهداشت و درمان توانستیم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، این بیماری منحوس قرن را کنترل کنیم؛ اما با عادی شدن روابط اجتماعی و نبود احساس خطر از سوی جامعه و همچنین برداشته شدن محدودیت‌ها از سوی مسئولان دولتی، این بیماری مرموز دوباره به روزهای اوج خود بازگشت. ابتدای خردادماه بود که وزیر بهداشت و درمان گفته بود: «عادی شدن وضعیت خطرناک است. کرونا تمام نشده و هر لحظه ممکن است با یک خطر جدید و یک اوج جدید این بیماری مواجه شویم و کوچک‌ترین غفلت می‌تواند موفقیت را از بین ببرد و اگر غفلت کنیم، دقیقه ۹۰ از ویروس کرونا گل می‌خوریم.»

رئیس معظم انقلاب روز ۷ تیرماه در ارتباط تصویری که با رؤسای عالی قضائی داشتند، با تأکید بر اینکه ماجرای کرونا تمام نشده است و همچنان ادامه دارد، همه مردم و مسئولان را به جدی گرفتن رعایت

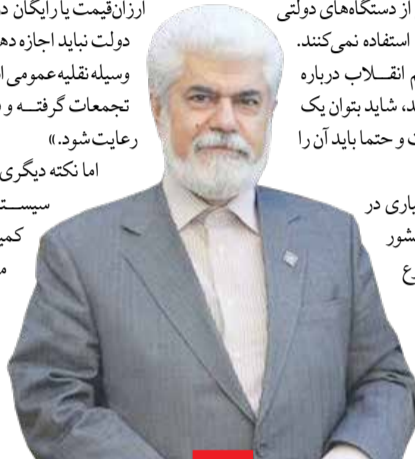
دستورالعمل‌های بهداشتی و جلوگیری از شیوع مجدد ویروس کرونا فراخواندند و فرمودند: «وقتی شما که مسئول دولتی هستید، در یک اجتماع ماسک نمی‌زنید، این جوانی هم که در خیابان دارد راه می‌رود و حوصله ماسک ندارد، تشویق می‌شود که ماسک نزند.» پس از این تأکید رهبری بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی و استفاده از ماسک در مجامع عمومی، تصویری از ماسک‌زدن ایشان در جلسات کاری منتشر شد که بازخوردهای فراوان و مثبتی داشت.

«حسینعلی شهریاری» رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در گفت‌وگو با ما گفت: «رئیس معظم انقلاب اشاره داشتند مسئولان دولتی باید از ماسک استفاده کنند؛ اما در خیلی از دستگاه‌های دولتی متأسفانه کارمندان ماسک استفاده نمی‌کنند. دستوری را که رهبر معظم انقلاب درباره ماسک زدن در اجتماع داده‌اند، شاید بتوان یک حکم حکومتی در نظر گرفت و حتماً باید آن را اجرا کرد.»

وی گفت: «اقدامات بسیاری در پیشگیری از این بیماری در کشور انجام شده است. زمان شروع این بیماری متأسفانه آقای رئیس‌جمهور با دو هفته تأخیر، قرنطینه‌ها را شروع کرد که به موقع نبود و یکسری از مشکلات را

از آن زمان داشتیم. بعد از مدتی رعایت پروتکل‌های بهداشتی و محدودیت‌ها، یک باره همه چیز رها شد و کارها طبق روال قبل ادامه پیدا کرد و تقریباً وضعیتی شد که مردم احساس کردند خطر بیماری برطرف شده است.» شهریاری معتقد است که این مشکلات دوطرفه هستند و مردم و مسئولان هر دو باید برای حل مشکل مانند گذشته پای کار باشند؛ وی می‌گوید: «هم مردم و هم مسئولان باید رعایت کنند. وقتی دولت پروتکل‌ها را اعلام کرد، باید یکسری ضمانت‌هایی نیز برای انجام آن در نظر می‌گرفت. همه مردم باید ماسک بزنند، در حالی که بسیاری از مردم توان خرید ماسک را با این قیمت‌ها ندارند. دولت باید ماسک ارزان قیمت یا رایگان در اختیار مردم قرار دهد. دولت نباید اجازه دهد کسی بدون ماسک از وسیله نقلیه عمومی استفاده کند و باید جلوی تجمعات گرفته و فاصله‌گذاری اجتماعی رعایت شود.»

اما نکته دیگری که این نماینده استان سیستان و بلوچستان و رئیس کمیسیون بهداشت مجلس به آن اشاره می‌کند، موضوع ضعف ساختارهای دولت الکترونیک است. اعلام وضعیت مناطق مختلف کشور،



موضوع دیگری است که شهریاری در این زمینه معتقد است: «وقتی مسئولان دولتی یا همکاران ما در وزارت بهداشت و درمان می‌گویند فلان منطقه از نظر بیماری کرونا، سفید یا زرد است، وقتی اعلام وضعیت سفید می‌کنند، مردم احساس می‌کنند دیگر اینجا خبری از بیماری نیست؛ در حالی که با توجه به تردهایی که انجام می‌شود، مشخص نیست تا چه زمانی منطقه مورد نظر سفید می‌ماند؛ چرا که ممکن است عده‌ای از مردم ناقل بیماری باشند و در این شرایط مردم ایمنی را رها می‌کنند و فکر می‌کنند دیگر خطری آنها را تهدید نمی‌کند.» خستگی و فشار زیاد به کادر درمانی کشور یکی از معضلاتی است که در این بیش از صد روز درگیری با کرونا ممکن است مشکلاتی را در این حوزه ایجاد کند. این مسئله از نظر رهبر معظم انقلاب هم دور نبود و اشاره‌ای به آن داشتند که مردم با رعایت مسائل بهداشتی مشکلات و زحمات‌های کادر درمان را بیشتر نکنند. شهریاری در این باره می‌گوید: «کادر بهداشت و درمان خسته شده‌اند و در بیمارستان‌های برخی شهرها دچار مشکل تخت و آبی‌یو شده‌ایم و اگر مردم موارد بهداشتی را رعایت نکنند، گرفتار می‌شویم. تعداد فوتی‌ها سررغمی شده و تعداد بستری‌ها بیشتر از ترخیصی‌ها شده است که جای نگرانی دارد و باید مراقبت‌های بهداشتی را جدی بگیریم. کرونا تمام نشده است و باید از جان خود و هم‌وطنان مراقبت کنیم.»

دریچه

بامداد پنج‌شنبه چه اتفاقی افتاد؟

صبح روز پنج‌شنبه بود که برخی خبرها از وقوع حادثه‌ای در سایت غنی‌سازی نطنز، موسوم به مجتمع غنی‌سازی شهید بزرگوار، احمدی‌روشن در فضای مجازی منتشر شد.

رسانه‌های بیگانه دست به کار شدند تا صهیونیست‌ها را عامل این حادثه اعلام کنند اما پس از ساعاتی صحبت‌های سخنگوی شورای عالی امنیت ملی وضعیت را تغییر داد. «کیوان خسروی» با بیان اینکه «علت حادثه نطنز را می‌دانیم، اما به دلایل امنیتی الان اعلام نمی‌کنیم». سخنگوی شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در توضیح علت حادثه بامداد پنج‌شنبه در سایت هسته‌ای نطنز اعلام کرد: بررسی‌های فنی و امنیتی انجام‌شده از سوی

دستگاه‌های ذی‌ربط، علت وقوع حادثه در مجتمع هسته‌ای شهید احمدی‌روشن در نطنز را که بامداد پنج‌شنبه ۱۲ تیرماه به وقوع پیوست، به صورت دقیق مشخص کرده است.

وی با اشاره به حضور و فعالیت کارشناسان بخش‌های مختلف مسئول ارزیابی و رسیدگی به حادثه در سایت نطنز که از اولین ساعات وقوع این رخداد انجام شد، خاطر نشان کرد: فرضیه‌های مختلف در مورد علت وقوع این رخداد مطرح شده است که با بررسی دقیق آثار، نحوه و میزان تخریب ایجادشده، علت اصلی حادثه مشخص شده است. خسروی افزود: به دلیل برخی ملاحظات امنیتی، علت و چگونگی بروز این حادثه در زمان مناسب اعلام خواهد

شد. وی در پایان با تأکید بر محدود بودن خسارت وارده شده به سوله در دست احداث در مجتمع هسته‌ای نطنز اضافه کرد: در محل وقوع حادثه هیچ‌گونه مواد هسته‌ای وجود نداشته و موضوع شت مواد رادیواکتیو در وقوع این رخداد کاملاً منتفی است.

به نظر می‌رسد رسانه‌های ضد انقلاب مشخصاً پیرزن و پیرمردهای هشتگ‌زن کمپ آلبانی در پشت صحنه این فضا سازی‌ها هستند. با توجه به سخنان سخنگوی شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در موقع مقتضی علت دقیق حادثه اعلام خواهد شد.



عکس و مکت



گل‌آرایی حرم امام رضا (ع) هم‌زمان با ایام ولادت ایشان، طبق نذر هریساله، گل‌آرایی حرم مطهر رضوی از سوی وافقان انجام شد که امسال با توجه به محدودیت زیارت در رواق‌های مطهر، جلوه‌های متفاوت به خود گرفته است. این گل‌ها در مزرعه‌های وقف‌شده سبز می‌شوند و برای همین کار نذر شده‌اند. در روزهای گذشته، عده‌ای اعتراض‌هایی به این گل‌آرایی‌ها کرده بودند!



شاید تعداد انسان کمی در این تصویر باشد، اما همین تعداد، خون میلیون‌ها انسان بی‌گناه را ریخته‌اند، میلیون‌ها بمب بر سرسردمندان ریخته‌اند، نسل‌هایی را به خاک و خون کشیده‌اند و حال، این‌گونه لیخن‌زنان زشت انسان بودن گرفته‌اند! شاید تا به حال این تعداد تروریست شماره یک در قاب تصویر نبوده‌اند! این تروریست‌ترین تصویر دنیا نیست... حدس بزنید عکاس آن کیست؟



رعایت قواعد بهداشتی مقابل به کرونا در جلسات کاری از سوی رهبر انقلاب، حساب‌های منتسب به دفتر رهبر معظم انقلاب با انتشار این عکس در فضای مجازی نسبت به استفاده نکردن ماسک از سوی برخی مسئولان کشور در جلسات عمومی واکنش نشان دادند. رهبر انقلاب در این باره گفتند: «خب وقتی که شما که مسئول دولتی هستید، در یک اجتماع مردمی ماسک نمی‌زنید، این جوانی هم که در خیابان دارد راه می‌رود و حوصله ماسک ندارد، تشویق می‌شود که نزند.»



کاربران لبنانی با انتشار تصاویری از نیروی دریایی ایران، کشتی‌های ایرانی و پرچم ایران گفتند: در آینده نزدیک ایران تحریم آمریکا علیه لبنان را هم خواهد شکست. آنها با هشتگ #خیلی_ممنون_ایران از ما پیشاپیش تشکر کرده‌اند. لبنان در روزهای گذشته با افزایش نرخ‌ها و آشفته‌گی در بازار ارز روبه‌رو بوده است و کالاهای بسیاری در این کشور نایاب شده‌اند.

نقشه راه

بازنگاهی به بیانیه گام دوم-۷

حراست از بیت‌المال

حجت‌الاسلام علی معبودی



مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه قزوین

از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب، جلوگیری از غارت بیت‌المال و صیانت از ذخایر، معادن و منابع کشور از سوی بیگانگان و افراد فاسد و صیانت از ذخایر و معادن و منابع بوده است، انقلاب در همان ابتدا، دست بیگانگان را کوتاه و قطع کرد و با ایادی آنها برخورد جدی کرد و تاکنون، مبارزه استمرار دارد؛ هرچند ایادی دشمنان ملت دست‌بردار نیستند و از هر راهی که می‌توانند در صدد چپاول ثروت ملت هستند؛ با کمال تأسف و تأسف نمونه‌اش همین مفاسد اقتصادی و حقوقی‌های نجومی است که کام مردم را تلخ کرده است و شاهد دادگاه‌هایی هستیم که با این موجودات خبیث برخورد می‌کنند؛ اما هر روز شجره خبیثه از یک‌جایی سر برمی‌آورد و این مبارزه نفس‌گیر همچنان ادامه دارد. حضرت آقا در بیانیه گام دوم، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردها را عدالت اجتماعی می‌دانند، اما از اجرایی نشدن کامل آن و تبعیض‌ها گلایه‌مند هستند؛ آنجا که می‌فرمایند: «[باید] کفه عدالت را در تقسیم امکانات عملی کشور کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهری بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست.» در استمرار ریشه‌کنی شجره ملعونه، چشم امید به جوانان دارند و می‌فرمایند: «با این همه، اینجانب به جوانان عزیز که آینده کشور، چشم انتظار آنهاست صریحاً می‌گویم، آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله ژرف است.» باید گفت دشمنان در غارت بیت‌المال و عدم صیانت از ثروت، چند کار را هم‌زمان انجام می‌دهند: ۱- ترویج فساد همه‌جانبه در نظام از طریق جنگ روانی و رسانه؛ ۲- القای عدم برخورد نظام اسلامی با مفسدان و تبعیض‌گران؛ ۳- فعال کردن دست‌های ناپاک و آلوده و وابسته برای ایجاد فساد در حوزه‌های گوناگون در کشور. در مقابل، قوای سه‌گانه و نهادهای مربوطه مسئولیت‌سنگینی به عهده دارند تا دشمن را در طراحی و اجرا ناکام بگذارند و هر جا غده چرکین دیدند، بدون ملاحظه برخورد کنند؛ معیار جناح و حزب قرار ندهند، بلکه کفه عدالت سنگینی کند و آدم‌های فاسد احساس ناامنی کنند؛ از سویی مردم هم به عنوان پشتوانه اصلی نظام، برخورد با مفسدان را به عنوان مطالبه جدی خود از مسئولان قرار دهند و هر کس ریشه‌های شجره خبیثه را زد تشویق و هر کس ریشه نامبارک فاسد را تقویت کرد، ملامت و مذمت کنند؛ چنانکه حضرت امام(ره)، بیان‌گذار جمهوری اسلامی گفتند: «آنکه فاسد می‌کند جامعه را، و دست از فسادش برنخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد، او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند.» در نتیجه اکنون، در آرایش جنگی وقتی از ارکان اصلی جنگ، جنگ اقتصادی با هدف القایی است، وقتی این نکته بر مردم آشکار می‌شود که ثروت کشور غارت می‌شود و مسئولان یا در پی حیف و میل هستند یا با غارت‌کنندگان برخورد نمی‌کنند، مردم هم در سایه تبلیغات به بیماری بی‌تفاوتی گرفتار می‌شوند و ما از آرمان انقلاب دور می‌شویم و همین، خواست دشمنان ملت ایران است؛ از این رو تلاش و مجاهدت تمام عیار مسئولان و مردم در ایجاد جامعه سالم و اقتصاد پویا و بدون رانت و فساد، یعنی حفظ بیت‌المال و صیانت از منابع و منافع کشور، وظیفه‌ای دینی، انقلابی و انسانی می‌شود.

انعکاس

مروری تحلیلی بر کتاب جان بولتون-۲

سگ‌های وحشی در انتظار

جنگی بی‌پایان!

ثمانه اکوان

کارشناس بین‌الملل



مروری بر کتاب خاطرات بولتون و فصل دوم آن‌که درباره تلاش‌ها برای حمله به سوریه بعد از حملات شیمیایی مشکوک به «دوما» است، نشان می‌دهد کشورهای اروپایی با تماس‌های مکرر خود به کاخ سفید خواهان ایجاد ائتلاف غربی برای حمله گسترده به این کشور بوده‌اند. در این کتاب آمده است که بعد از حمله شیمیایی به دوما، کاخ سفید و «جان بولتون» مشاور امنیت ملی ترامپ، درحالی‌که هنوز رسانه‌های آمریکایی دلیلی برای اثبات اینکه این حمله از سوی ارتش سوریه انجام شده است، نداشتند، در حال زمینه‌چینی برای حمله به سوریه به این بهانه بوده‌اند؛ در همین حال، اما، تماس‌های تلفنی «ترزا می» و «امانوئل مکران» به کاخ سفید برای تشویق ایالات متحده به منظور ایجاد ائتلافی نظامی برای حمله به سوریه به‌شدت افزایش پیدا کرده و این تماس‌های تلفنی و مواضع مضحک اروپایی موجب شگفت‌زدگی مقامات کاخ سفید شده بود. جان بولتون در این باره می‌گوید: «تأکید کردم که هدف اصلی ما این است که اسد هزینه گزافی برای استفاده از تسلیحات شیمیایی بپردازد و به نحوی ساختار بازدارندگی را ایجاد کنیم که این اتفاق دیگر تکرار نشود. ما به گام‌های سیاسی و اقتصادی نیاز داریم و همین‌طور گام‌های نظامی نشان دهم که رویکرد جامعی داریم و احتمالاً ائتلافی را نیز با انگلیس و فرانسه تشکیل دهیم.» او همچنین در ادامه از اصرار مشاور امنیت ملی انگلستان برای اقدام نظامی سریع و اضافه می‌کند: «اسدولید دوباره دربارۀ مسئله زمان‌بندی تأکید کرد و من فکر می‌کردم که شاید فشارهای سیاسی داخلی در بریتانیا با توجه به بازگشت جلسات پارلمان در روز ۱۶ آوریل، روی طرز تفکر «می» تأثیر گذاشته است. شکست دیوید کامرون در گرفتن تأیید مجلس عوام برای حمله به سوریه، بعد از اینکه رژیم اسد «خط قرمزهای» اواما برای استفاده از تسلیحات شیمیایی را رد کرد، من را هم به همین ترتیب نگران می‌کرد. بدیهی است اگر ما قبل از شروع جلسات پارلمان کار خود را آغاز می‌کردیم، این خطر هم رفع می‌شد. سدولید همچنین از اینکه شنید پنتاگون به‌جای گزینه‌های سبک‌تر، به حملات سنگین‌تر فکر می‌کند، خوشحال شد؛ چراکه

این مسئله با ترجیحات انگلیس هم‌خوانی بیشتری داشت و چارچوب مفهومی گسترده‌تری را برای سوریه بیاز می‌کرد. زمانی که می و ترامپ صحبت کردند، او هم صحبت‌های سدولید در تأکید به اقدام سریع را تکرار کرد. در طول مکالمه، به نظر می‌رسید ترامپ مقصم شده است، گرچه مانند من از ترزا می خوشش نمی‌آمد. بولتون درباره واکنش مکران و تلاش او برای حمله سریع به سوریه نیز می‌گوید: «تماس تلفنی دیگری بین ترامپ و مکران در ساعت ۳ و ۴۵ دقیقه برقرار شد و مکران برای انجام اقدام مشترک پافشاری و تهدید کرد که اگر آمریکا کاری انجام ندهد، فرانسه به‌صورت یک‌جانبه وارد عمل می‌شود؛ کاری که قبل از این هم به‌صورت عمومی به آن اشاره کرده بود. این کار مضحک و احتمالاً خطرناک بود؛ این کار نمایشی بود و ترامپ در نهایت افسار فرانسه را کشید.» او معتقد است مکران و ترزا می به دلیل شرایط داخلی کشور و موقعیت‌شان، می‌خواستند آمریکا در این زمینه پیش‌قدم شود و به‌خصوص از صحبت‌های مکران «معلوم نبود که او واقعاً به دنبال حمله به سوریه است یا اینکه فقط ادایش را در می‌آورد!»

پرده‌برداری از زوایای پنهان جلسه اخیر شورای امنیت

مراقب پاتک تسلیحاتی اروپا باشیم!

باید به‌گونه‌ای تعریف شود که «هزینه تمدید موقت تحریم تسلیحاتی» کشورمان را برای طرف اروپایی به شدت بالا ببرد. نخستین گامی که وزارت امور خارجه باید در این زمینه بردارد، پرده‌برداری از بازی مشترک واشنگتن و ترونی‌کای اروپایی در قبال «تمدید تحریم تسلیحاتی» کشورمان است. این بازی مشترک، باید به‌گونه‌ای شفاف و کامل از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان (خطاب به ملت ایران و سایر ملت‌های دنیا) تشریح شود. تا زمانی که کلیت این بازی و ابعاد و جزئیات آن از دید افکار عمومی پنهان بماند، قدرت مانور رسمی و غیر رسمی مادر قبال این ماجرا محدود خواهد ماند.

مسئله بعدی، به اعلام موضع صریح و رسمی کشورمان در این خصوص باز می‌گردد. بر اساس این موضع رسمی، هرگونه تمدید تحریم تسلیحاتی ایران، (اعم از نامحدود یا موقت) در تعارض کامل با سند برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد؛ به عبارت بهتر، پس از تاریخ ۱۸ اکتبر امسال (۲۷ مهر ماه)، جمهوری اسلامی ایران، ماه، هفته، روز، ساعت حتی ثانیه‌ای تأخیر در برداشته شدن این تحریم را نخواهد پذیرفت. بدیهی است که در صورت اصرار طرف اروپایی و آمریکا روی موضع خود مبنی بر تمدید تحریم تسلیحاتی ایران، طرف اروپایی نیز به مثابه «طرف متخاصم» تلقی می‌شود و اقدام آنها دقیقاً مترادف با «خروج رسمی از برجام» خواهد بود. در این صورت، هرگونه هزینه و تبعات ماجرا، بر عهده ترونی‌کای اروپایی و دیگر متحدان آمریکا خواهد بود.

بنابراین، موضع‌گیری دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان در قبال عهدشکنی آشکار آمریکا و اروپا، دارای دو مؤلفه «تبيين مسئله برای افکار عمومی»، «هشدار صریح به طرف اروپایی» و در مرحله نهایی (در صورت تصویب قطعنامه پیشنهادی طرف اروپایی) «واکنش عملی نسبت به عهدشکنی مشترک واشنگتن و ترونی‌کای اروپایی» خواهد بود. در این معادله، «اتحادیه اروپا» فعلاً سعی دارد خود را به جای «طرف متعهد در برجام» به عنوان «طرف واسطه‌گر» قلمداد کند و میان‌گزینه «تمدید نامحدود تحریم تسلیحاتی ایران» و «انقضای تحریم تسلیحاتی کشورمان در ۲۷ مهرماه»، گزینه سومی به نام «تمدید موقت تحریم تسلیحاتی ایران» را پیشنهاد کند! بدیهی است که «واسطه‌گری اروپا» در این معادله معنایی ندارد! ترونی‌کای اروپایی باید میان «نابودی مطلق برجام از طریق تمدید تحریم تسلیحاتی ایران» یا «عمل حداقلی به تعهدات برجامی خود و پذیرش انقضای رسمی تحریم‌های تسلیحاتی» کشورمان، یک گزینه را انتخاب کند. انتخاب گزینه نخست از سوی بازیگران اروپایی، قطعاً هزینه‌های بسیار سختی را برای آنها به همراه خواهد داشت.

آمریکا، روسیه یا چین چنین پیش‌نویسی را تأیید و تصویب‌کنند.» از سوی دیگر، برخی منابع خبری نیز از احتمال توزیع پیش‌نویس قطعنامه‌ای از سوی اروپا خبر داده‌اند که در آن، موضوع «تمدید سه‌ساله تحریم تسلیحاتی ایران» مطرح شود؛ به عبارت بهتر، زمان‌های مطرح‌شده درباره تمدید موقت تحریم تسلیحاتی کشورمان، از شش ماه تا سه سال متغیر است؛ با این حال، اصل ماجرا (تلاش مشترک واشنگتن و بازیگران اروپایی برای جلوگیری از انقضای تحریم تسلیحاتی ایران) به قوت خود باقی است.

روایت ناقص و خطرناک

یکی از تفاسیر نادرستی که در قبال نشست اخیر شورای امنیت مطرح می‌شود، مربوط به «ایستادگی اروپا در مقابل آمریکا» در حمایت از برجام است! این تفسیر نادرست که به صورت عامدانه و در مواردی ناخواسته از سوی افراد و مخاطبان مطرح می‌شود، بیانگر عدم درک مناسبات استراتژیک و تاکتیکی دولت آمریکا و ترونی‌کای اروپایی در قبال کشورمان است. بخش مهم این معادله، هنوز مبهم و لاینحل باقی مانده است! اینکه چرا مقامات اروپایی در آستانه برگزاری جلسه اخیر شورای امنیت، قطعنامه پیشنهادی خود در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را علیه کشورمان به تصویب رساندند؟ پاسخ این پرسش مشخص است؛ بازیگران اروپایی به نیابت از آمریکا، قصد دارند زمینه‌ها و ابزارهای لازم را برای تمدید موقت تحریم تسلیحاتی کشورمان فراهم کنند؛ بنابراین، اقدام عجولانه مقامات اروپایی در تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مقدمه‌ای برای ارائه همین طرح در شورای امنیت بوده است.

اگر در رویکردی واقع‌بینانه و به دور از هیاهوی رسانه‌های غربی و رسانه‌های طرفدار فرضیه «تفکیک بازی اروپا از آمریکا»، هم‌افزایی مشترک راهبردی، استراتژیک و تاکتیکی ترونی‌کای اروپایی و واشنگتن در قبال کشورمان را به عنوان «گزاره‌ای قطعی» مدنظر قرار دهیم، به درستی درمی‌یابیم که مخالفت اعضای اروپایی شورای امنیت با تمدید نامحدود تحریم تسلیحاتی ایران، تاکتیکی محاسبه‌شده برای افزایش ریسک و هزینه رد طرح پیشنهادی «تمدید موقت تحریم‌های ایران» در شورای امنیت بوده است؛ بنابراین باید در میان هیاهو و بزرگنمایی اخیر دیپلمات‌ها و منابع رسانه‌ای اروپا، مراقب پاتک آنها طی روزهای آتی بود.

چه باید کرد؟

مسلم است رویکرد دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان در قبال بازی وقیحانه و مشترک آمریکاداروپا در قبال تمدید تحریم تسلیحاتی ایران،

تسلیحاتی یکی از ارکان اصلی توافق هسته‌ای بوده و تمدید این تحریم‌ها به معنای پایان کامل این توافق است.

صریح‌ترین واکنش به درخواست آمریکا مبنی بر تمدید تحریم تسلیحاتی ایران را «واسیلی نینزیا» سفیر روسیه در سازمان ملل متحد مطرح کرد. وی در این نشست مجازی تأکید کرد: «روسیه مخالف فشار حداکثری و تحریم تسلیحاتی ایران است. سیاست آمریکا «خفه‌کردن حداکثری» است؛ دقیقاً همان طور که پلیس آمریکا با گذاشتن زانوی خود بر گلوی جرج فلویید او را خفه کرد. ایالات متحده به این ترتیب عملاً سیاست تغییر رژیم در ایران را در پیش گرفته است.»

«ژانگ جون» سفیر چین در سازمان ملل متحد نیز با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران مخالفت کرد. او تأکید کرد آمریکا پس از خروج از توافق هسته‌ای در موقعیتی نیست که خواستار تغییر آن شود.

بازی هنوز تمام نشده است

آنچه مسلم است این است که جنجال‌سازی اخیر مایک پمپئو و بری‌ان هوک علیه ایران در شورای امنیت، فعلاً نتوانسته است به نتیجه‌ای ختم شود. گزینه «تمدید نامحدود تحریم تسلیحاتی ایران» و «بازگشت تحریم‌های چندجانبه علیه ایران از طریق ارجاع پرونده برجام به شورای امنیت» هر دو از سوی اعضای دائمی و غیردائمی شورای امنیت رد شد. بر همگان مسلح است که واشنگتن به واسطه خروج از توافق هسته‌ای، به دلیل محوریت این توافق در صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، حق استناد به قطعنامه مذکور را نیز نخواهد داشت. با این حال نباید فراموش کرد که ترونی‌کای اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) در صدد اجرای مرحله دوم بازی مشترک خود و واشنگتن در قبال ایران هستند. طبق نقشه مشترکی که از ابتدا واشنگتن و سه کشور اروپایی آن را طراحی کرده‌اند، اروپاییان قرار است گزینه «تمدید موقت تحریم تسلیحاتی ایران» را به مثابه گزینه‌ای «سخت‌نمندان» و «میانمی»، به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کنند و از ایران نیز بخواهند به این خواسته تن دهد!

قطعنامه ضد ایرانی اروپا در راه است

منابع خبری و دیپلمات‌های غربی، از ارائه قطعنامه مشترک کشورهای اروپایی با هدف «تمدید محدود تحریم تسلیحاتی ایران» خبر داده‌اند. خبرگزاری «آسوشیئتدپرس» در این زمینه می‌نویسد: «انتظار می‌رود کشورهای اروپایی پیش‌نویس جدیدی درباره تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران ارائه کنند. احتمال دارد در این پیش‌نویس درخواست تمدید شش‌ماهه تحریم‌ها مطرح شود؛ این در حالی است که معلوم نیست



حنیف غفاری

دکترای روابط بین‌الملل

برگزاری جلسه اخیر شورای امنیت با هدف بررسی آخرین وضعیت برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مولد تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌های متعددی درباره «رفتار فعلی» و «رویکرد آتی» واشنگتن و بازیگران اروپایی در قبال کلیت برجام و نحوه مواجهه با تحریم تسلیحاتی کشورمان بوده است. در اینجا ضمن بررسی آنچه در این نشست گذشته است، نکاتی را درباره آن مطرح خواهیم کرد.

در جلسه شورای امنیت چه گذشت؟

در جلسه اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد، آمریکا پیشنهاد خود مبنی بر «تمدید نامحدود تحریم تسلیحاتی ایران» را خطاب به سایر اعضای دائمی و غیر دائمی شورای امنیت مطرح کرد و از آنها خواست تا در خصوص این تصمیم، با واشنگتن همراهی کنند.

روز سه‌شنبه ۳۰ ژوئن (۱۰ تیرماه) کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی تحریم تسلیحاتی ایران جلسه تشکیل دادند. این نشست به صورت مجازی برگزار شد. «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه آمریکا، در سخنرانی خود از اعضای شورای امنیت سازمان ملل درخواست کرد تحریم‌های تسلیحاتی ایران را تمدید کنند. پمپئو تأکید کرد اولویت آمریکا در ارتباط با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران این است که این کشور در همراهی و همکاری با همه کشورهای عضو شورای امنیت، به توافقی در این زمینه دست یابد. او در عین حال گفت: اگر قطعنامه ناظر بر تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران به علت مخالفت دو کشور چین و روسیه به تصویب نرسد، آنگاه آمریکا با ارجاع به نکات مطرح‌شده در توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ و نشان دادن موارد نقض الزام‌های این توافق از سوی ایران، خواستار بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور خواهد شد.

واکنش ایران و اعضای شورا چه بود؟

چنانکه شبکه آلمانی «دویچه وله» گزارش داده است، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود به «عهدشکنی آمریکا در دوره زمامداری دونالد ترامپ» اشاره کرده و گفته است: این حکومت حقوق داخلی آمریکا را به جای حقوق بین‌الملل نهاده و از این طریق صلح و امنیت جهانی را به مخاطره افکنده است. محمدجواد ظریف خروج آمریکا از توافق هسته‌ای را نقض آشکار این توافق دانسته و تأکید کرده است رفع تحریم

اروپای روباه

«جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در جواب نامه وزیر امور خارجه کشورمان نوشته است: «با نزدیک شدن به پنجمین سالگرد برجام، مایل‌ام از این فرصت استفاده کنم و اهمیت این توافق را یادآور شوم. برجام دستاوردی تاریخی برای نظام منع اشاعه هسته‌ای است و به ثبات منطقه و دنیا کمک می‌کند. من مقصم به ادامه همکاری با طرف‌های برجام و جامعه جهانی برای حفظ این توافق هستم.» اروپایی‌ها در حالی از برجام صحبت می‌کنند و آن را پراهمیت می‌دانند که رفتار پنج سال گذشته آنها نشان می‌دهد سیاستی که سه کشور اروپایی در برجام پیش برده، مجبورسازی ایران به اجرای یک طرفه توافقنامه هسته‌ای است.



خوش خدمتی به غرب!

«میخائیل اولیانوف» نماینده دائم روسیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تونیتی بر عدم پنهان‌کاری تهران در زمینه برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد و دو سوءتعبیر را بیان کرد. اولیانوف نوشت: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کشف نکرده که ایران چیزی را پنهان کرده است. ایران «ان بی پی» (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) را نقض نکرده است. (این دو مورد واضح از سوءتعبیر درباره وضعیت واقعی امور هستند. اولیانوف پیش از این در تونیتی به‌نام «محمدجواد ظریف» نوشته بود: «ایران از کمیسیون مشترک برجام درخواست کرده است نگرانی‌هایش درباره اجرای توافق از سوی فرانسه، آلمان و انگلیس را از طریق «مکانیسم حل اختلاف» رفع کند.»



اعتراف به افول

خبرگزاری آلمانی «دویچه وله» در یادداشتی نوشت: «هم‌زمان که ایالات متحده روز استقلال خود را گرامی داشت، این کشور شاهد افزایش مبتلایان به کرونا بود و میزان محبوبیت «ترامپ» رئیس‌جمهور این کشور نیز رو به افول است. درخشش این ملت (آمریکا) در حال کمرنگ شدن است. به آزادی مطبوعات (در این کشور) ضربه خورده است و دموکراسی نیز تهدید می‌شود. بیماری همه‌گیر (کرونا) که اگر اراده‌ای در کار بود، بهتر می‌توانست مدیریت شود، روزانه هزاران نفر را مبتلا می‌کند. این کشور هفته‌ها درگیر ناآرامی‌های مدنی به دلیل قتل یک سیاه‌پوست به دست یک مأمور پلیس بود که رئیس‌جمهور آن به جای اینکه در جست‌وجوی وحدت و صلح باشد، نفرت (مردم) و خشنونت را برانگیخت.»



از گفت‌وگوهای راهبردی عراق با آمریکا تا حمله به مقر حشدالشعبی
در گفت‌وگوی صبح صادق با کارشناس ارشد غرب آسیا

پاسخ قاطع مقاومت

حمید خوش‌آیند

کارشناس بین‌الملل



قبل از اینکه موضوع گفت‌وگو را شروع کنیم، توضیح مختصری پیرامون شرایط عراق پس از ترور فرماندهان شهید مقاومت و همچنین وضعیت آمریکا پس از این حوادث ارائه بفرمایید؟

اگر بخواهیم در چند جمله کوتاه برآورد دقیقی از اوضاع عراق در این بازه زمانی ارائه دهیم، باید تأکید کنیم فضای عراق پس از ترور فرماندهان شهید مقاومت سپهبد «حاج قاسم سلیمانی» و مجاهد بزرگ «ابومهدی المهندس» برخلاف آنچه در رسانه‌های غربی و معاند منتشر می‌شود، تا حدود زیادی به یک فضای ضدآمریکایی تبدیل شده است. آمریکا با یک خطای راهبردی و در اقدامی تروریستی و جنایتکارانه، فرماندهان مقاومت را ترور کرد؛ این اقدام منجر به انزجار مردمی و مطالبات سیاسی برای خروج آمریکا از عراق شده است. براساس راهبردی که آمریکایی‌ها برای خود ترسیم کرده‌اند در وهله اول، با ترور فرماندهان مقاومت، یک فئودال راهبردی در میان این گروه‌ها ایجاد خواهد کرد. در وهله دوم، براساس فقدان رهبری واحد، ضربات خود را به این گروه‌ها وارد خواهد کرد که حملات محدود آمریکایی‌ها شاهد مثال این امر است و در وهله سوم، با تضعیف این گروه‌ها و استفاده از جنگ روانی و سیاسی، زمینه انحلال آنها فراهم خواهد کرد. این یک سناریوی تعیین شده است و اکنون آمریکایی‌ها، زمینه‌های اجرایی آن را پیاده‌سازی کرده‌اند. در زمینه سیاسی نیز چنین سناریویی بازتعریف شده است؛ یعنی آمریکا با ایجاد هرج و مرج خلق در کشور عراق و راه‌اندازی اعتراض‌ها و اغتشاشات در این کشور، دنبال امتیازخواهی از دولت عراق است. در واقع آمریکایی‌ها این‌گونه وانمود کرده‌اند که حضور نداشتن واشنگتن در عراق به منزله بی‌ثباتی در این کشور خواهد بود، به همین منظور کاخ سفید از ماه‌های گذشته، سعی در ایجاد مذاکرات دوجانبه با دولت عراق داشته است. مذاکراتی که منشأ اصلی آن را باید در دوره نخست‌وزیری «عادل عبدالمهدی» جست‌وجو کرد. در اصل این آمریکایی‌ها بودند که در اواخر دوره نخست‌وزیر عادل عبدالمهدی پیشنهادی را به منظور گفت‌وگوهای دوجانبه برای بررسی آینده حضور خود در عراق، مطرح کردند؛ علت اصلی مطرح کردن چنین پیشنهادی نیز، دور زدن مصوبه پارلمان عراق در زمینه لزوم اخراج نیروهای آمریکایی از خاک این کشور و برچیدن پایگاه‌های نظامی بوده است که پس از ترور فرماندهان مقاومت، یعنی شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس به یک مطالبه جدی و عمومی در جامعه عراق و در بین احزاب و جریانات متعدد سیاسی و اکثریت نمایندگان پارلمان عراق، تبدیل شده است. از این‌رو و در این راستا می‌توان فضای عراق را یک فضای ضدآمریکایی و منزجر از حضور نیروهای آمریکا در این کشور ارزیابی کرد که این فضا و تداوم آن در پرتو پای آمریکایی‌ها را که جز نامانی و بی‌ثباتی، چیز دیگری برای جامعه عراق به ارمان نیابوده‌اند، از این کشور قطع خواهد کرد. کمالاتی تاکنون نیز این فضا، چه از نظر سیاسی و چه امنیتی-نظامی و چه از نقطه نظر روانی اثرگذار بوده و سبب شکل‌دهی به یک فضای شکننده برای آمریکا شده است، به طوری که آمریکا در بی‌ثبات‌ترین شرایط، در عراق قرار دارد.

سؤال بعدی درباره گفت‌وگوهای آمریکا و عراق است. به نظر می‌رسد این گفت‌وگوها در شرایطی آغاز شده که دولت جدید عراق با چالش‌هایی مواجه است. این چالش‌ها عمدتاً شامل چه موضوعاتی هستند؟

به طور دقیق چالش‌های دولت «الکاظمی» را می‌توان در چهار محور اقتصادی، سیاسی، نظامی-امنیتی و روابط خارجی ارزیابی کرد. در حوزه اقتصاد باید از کسری بودجه، کاهش درآمد ملی ناشی از کاهش قیمت نفت، کمبود خدمات آب و



عکس: جواد حسین‌خانی

برق و گاز، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی آمریکا و ویرانی زیرساخت‌های عراقی در دوران جنگ با داعش، به عنوان چالش‌های مهم نام برد. در عرصه‌های سیاسی نیز دولت کاظمی با موضوعات متعددی از جمله، برگزاری انتخابات پیش از موعد رویه‌روست. در محور نظامی و امنیتی هم، اصلی‌ترین چالش‌ها به تحولات جدید داعش و همچنین بحران آفرینی آمریکا با هدف ناامن کردن عراق برای توجیه حضور خود، مربوط می‌شود. در حوزه روابط خارجی نیز روابط با آمریکا در زمینه بحث خروج نیروهای شان از عراق، اقدامات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه گروه‌های مقاومت اسلامی، همچنین مواضع برخی رژیم‌های عربی در امور داخلی جزء چالش‌های مهم عراق به شمار می‌روند.

وجود چنین چالش‌هایی مطمئناً می‌تواند در پیشبرد مذاکرات اثر منفی داشته باشد، مگر اینکه دولت عراق از انگیزه‌های قوی، جدی و مصراانه برای خروج نیروهای آمریکایی برخوردار باشد و اولویت را بر خروج آمریکا از عراق قرار دهد.

اهداف و انگیزه‌های آمریکا از برگزاری گفت‌وگوهای راهبردی چیست؟

در وهله نخست، دولت آمریکا از گفت‌وگو با عراق عمدتاً دنبال نیازهای جناح حاکم بر آمریکا است. دولت ترامپ می‌خواهد توافق جدیدی به اسم خودش و بسا در نظر گرفتن منافع ایالات متحده با عراق امضا کند و در رقابت‌های انتخاباتی از آن بهره‌برداری سیاسی کند. ضمن اینکه رژیم آمریکا دنبال ابقای نیروهای آمریکایی در پی فروپاشی داعش و از بین رفتن بهانه اصلی حضور نیروهای ائتلاف، همچنین ایجاد پوشش و توجیه جدید برای فعال نگه داشتن نیروهای آمریکایی در بغداد است. کمک به پیشبرد منافع رژیم صهیونیستی در منطقه و مقابله با تهدیدهای امنیتی علیه این رژیم، ممانعت از گسترش روابط تهران-بغداد، امتیازگیری از دولت الکاظمی در زمینه‌های اقتصادی و... و همچنین تقویت حضور و نفوذ فرهنگی در عراق، از جمله اهداف دیگر آمریکا در این باره است.

حادثه حمله به یکی از پایگاه‌های حشدالشعبی در عراق، جدیدترین رخداد در عراق است. این حادثه به چه شکلی اتفاق افتاد؟

پنج‌شنبه شب، ۵ تیر حدود ساعت ۹ شب نیروهایی از یگان مبارزه با تروریسم عراق (جهاز مکافحه الارهاب) با یورش به مقر تیپ ۴۵ الحشدالشعبی در منطقه «الدوره» بغداد تعدادی از اعضای حشد را دستگیر و برای بازجویی به «منطقه سبز بغداد» منتقل کردند. پس از انتشار خبر فوق در رسانه‌های عراقی، اعضای حشدالشعبی در اطراف دفتر نخست‌وزیری و مقر نیروهای مکافحه الارهاب

صحنه عراق طی روزهای گذشته شاهد رخدادهای مهمی بوده است. نخستین دور گفت‌وگوهای راهبردی واشنگتن-بغداد و در پی آن حمله نیروهای امنیتی عراق با همراهی تروریست‌های آمریکا به «حشدالشعبی» از جمله مسائلی است که عراق را در کانون توجه محافل رسانه‌ای و سیاسی منطقه قرار داده است. صبح صادق برای بررسی بیشتر تحولات عراق، گفت‌وگویی با «احمد کریم‌خانی» کارشناس ارشد مسائل غرب آسیا، ترتیب داده است که در ادامه می‌خوانید:



به صورت گسترده تجمع کردند. اوضاع بغداد تا ساعتی به شدت ملتهب و آبیست هرگونه درگیری و مقابله به مثل از جانب طرفداران حشدالشعبی شده بود که با اعلام خبر آزادسازی دستگیرشدگان و اعلام دفتر نخست‌وزیری که در دستگیری افراد فوق اشتباهی رخ داده است، تجمعات پراکنده و اوضاع بغداد آرام شد.

کتابت حزب‌الله یک گروه قدرتمند در بدنه حشدالشعبی است. هنوز هم افکار عمومی شناخت کافی نسبت به این گروه ندارند. ممکن است قدری در این باره توضیح دهید؟

«کتابت حزب‌الله» یکی از زیرمجموعه‌های حشدالشعبی است. این گروه در سال‌های پس از سقوط صدام علیه اشغال‌گری آمریکا مبارزه کرد. مبارزه این گروه با اشغال‌گران آمریکایی و انگلیسی سبب شد تنها گروه عراقی باشد که از سال ۲۰۰۹ تاکنون در فهرست سازمان‌های تروریستی که آمریکا درباره آن ادعایی دارد، قرار گرفته است. فرمانده سابق این گروه، شهید ابومهدی المهندس بود که جانشین میدانی حشدالشعبی نیز به شمار می‌رفت. با خروج آمریکایی‌ها از عراق در سال ۲۰۱۱ و شروع بحران سوریه، کتابت حزب‌الله دوشادوش نیروهای مقاومت در سوریه حضور فعال داشتند که پس از اشغال خاک عراق از سوی داعش، علاوه بر سوریه در عراق نیز، نقش فعال ضد تروریسم تکفیری ایفا کرده است.

نقش آمریکا در عملیات دستگیری اعضای کتابت حزب‌الله چه بود؟

در اینکه تروریست‌های ارتش آمریکا، نیروهای امنیتی عراق را در این ماجرا همراهی می‌کردند، شکی نیست. سفیر آمریکا در کویت نیز در نشست مطبوعاتی خود به این موضوع اشاره کرده که آمریکا با عراق در دستگیری افراد فوق مشارکت داشته است و تا خلع سلاح کامل گروه‌های مقاومت با عراق همکاری خواهد کرد. برخی کارشناسان شبکه آمریکایی «الحره» نیز طی گفت‌وگوهایی به این نکته اشاره کرده‌اند که آمریکا در این اقدام دولت به عراق کمک کرده است.

انگیزه دولت عراق از این حمله به یک اقدام خطرناک و بی‌سابقه بود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در باره انگیزه دولت عراق از دستگیری اعضای کتابت حزب‌الله و نقش آمریکا در عملیات فوق نکات قابل توجهی وجود دارد؛ اول اینکه، کاظمی بلافاصله پس از روی کار آمدن، «عبدالوهاب الساعدی» را به مسئولیت سابق خود بازگرداند و این یعنی نفوذ و سلطه آمریکایی‌ها بر یگان مکافحه الارهاب همچون گذشته به قوت خود باقی است

۵

جهان

شماره ۹۵۷ | دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

اشغال مرحله به مرحله

برسام محمدی

کارشناس مسائل سیاسی

پس از اشغال فلسطین از سوی نیروهای صهیونیست، کرانه باختری و نوار غزه با وجود توطئه‌چینی برخی بازیگران غربی و تلاش اشغالگران، کماکان در دست نیروهای فلسطینی باقی مانده است؛ از این‌رو از زمان اشغال فلسطین، صهیونیست‌ها بر اساس طرح‌های مختلف در صدد تسلط بر کرانه باختری و نوار غزه بوده‌اند؛ طرح‌هایی که با عنوان الحاق معروف شده‌اند؛ اما با روی کار آمدن ترامپ این تلاش‌ها ذیل عنوان «معامله قرن» ماهیت جدیدی پیدا کرد. آنچه در روزهای اخیر با عنوان طرح الحاق کرانه باختری در دستور کار صهیونیست‌ها قرار گرفته است، پیش از این از سوی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی «بنیامین نتانیاو» در سال ۱۹۹۷، نیز به شکلی دیگر ارائه شده بود که به عنوان بخشی از طرح معامله قرن نیز مطرح شده است. رژیم صهیونیستی بر این اساس و در راستای الحاق کرانه باختری، سه راهبرد را در مرحله کنونی پیش گرفته است:

۱. زمینه‌سازی برای الحاق کامل کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی که شامل کلیه شهرک‌های صهیونیست‌نشین می‌شود و در این محدوده واقع شده‌اند و پیش از یک‌سوم از کرانه باختری را تشکیل می‌دهد؛ علاوه بر این ۱۵ درصد از دره رود اردن نیز در اختیار صهیونیست‌ها قرار می‌گیرد و فلسطینیان ملزم به ترک این محدوده می‌شوند و به طور رسمی به سرزمین‌های ۱۹۴۸ میلادی اضافه می‌شود؛

۲. ملحق کردن شهرک‌هایی که در محدوده دیوار حائل قرار گرفته‌اند به سرزمین‌های سال ۱۹۴۸، که حدود یک‌دهم کرانه باختری را تشکیل می‌دهند و موجب آواره شدن تعداد زیادی از مردم فلسطین که در این محدوده در حال زندگی هستند، می‌شود؛

۳. الحاق به صورت مرحله به مرحله: بر اساس این راهبرد، الحاق به صورت مرحله به مرحله و پلکانی انجام می‌شود و از برخی شهرک‌های بزرگ صهیونیست‌نشین در محدوده کرانه باختری شروع می‌شود و به جغرافیای مورد نظر تسری می‌یابد.

اما آنچه در برهه کنونی از سوی صهیونیست‌ها و حامیان غربی آنها، به ویژه آمریکایی‌ها مطرح شده است، حکایت از این موضوع دارد که طرح الحاق کرانه باختری و دره رود اردن نباید به فراموشی سپرده شود، بلکه فرایند آن باید آغاز شود، هر چند در آغاز راه امکان اجرای کامل آن وجود نداشته باشد، اما ادامه این فرایند به واکنش مردم فلسطین و جهان اسلام با می‌گردد، چرا که الحاق باقی‌مانده سرزمین‌های فلسطینی به سرزمین‌های اشغال‌شده جز با سکوت آنها تحقق نخواهد یافت.

ارزهایی که مردم نمی بینند

کامران ندری

اقتصاددان



قیمت ارز در بازار به شدت بالا رفته است. قبل از اینکه افزایش قیمت ارز در بازار آزاد و تأثیر آن بر افزایش قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز مردم بررسی شود، لازم است مسئله افزایش نرخ ارز نیمای، نزدیک شدن نرخ ارز نیمایی به ارز آزاد و چرایی کاهش قیمت کالاهایی را که بر اساس ادعای دولت با ارز دولتی به بازار ارائه می شوند، بررسی کنیم. با این که دولت ادعا می کند واردات بسیاری از اقلام ضروری و مورد نیاز خانوارها را با ارز ۴۲۰۰ تومانی و ارز نیمایی تحت پوشش قرار داده است، اما شواهد قیمتی بازار گویای این است که مردم کمترین تأثیری از این ادعا را در خرید کالاهای اساسی خود ندیده اند. به این معنا که مردم هر روز با نوسان نرخ ارز و بالا رفتن قیمت دلار، کالای مورد نیاز خود را گران تر از روز قبل خریداری می کنند؛ این تناقض موجب شده است مردم مدام این سؤال را از دولت داشته باشند که چرا این آنچه دولت می گوید با آنچه عملاً دیده و لمس می شود، تفاوت بالایی وجود دارد؟

واقعیت این است که در این باره آمار و اطلاعاتی به جز آنچه از سوی نهادهای دولتی یا بانک مرکزی اعلام می شود، وجود ندارد یا حداقل در اختیار کارشناسان قرار نگرفته است. هر چند هنگام مراجعه به فروشگاه، احساس ما و استدلال فروشنده به وضوح نشان می دهد قیمت ها نه براساس ارز دولتی، بلکه براساس نرخ ارز بازار آزاد تعیین شده، گویی نرخ ارز بازار تنها یا ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی هرگز به هیچ کالای اساسی اختصاص داده نشده است و هیچ ردی از آن در بازار وجود ندارد.

این مسئله باید از سوی دولت به صورت میدانی بررسی شود تا مشخص شود قیمت ها در اقتصاد تا چه مقداری به نرخ نیمایی و ارز ۴۲۰۰ تومانی وابسته است؟ اگر این مسئله با دقت بیشتر و کارشناسی بالا بررسی نشود، قطعاً تنها کسانی که از منافع این ارز منتفع نمی شوند، مردم هستند و رانت خواران و ویژه خواران به نام مردم، اما به کام خود، ارز دولتی را بهره برداری می کنند.

از لحاظ کارشناسی تاکنون آمار و اطلاعات دقیقی برای این موضوع اعلام نشده است و نمی توان با استناد به حس مشتری، عدم تأثیرگذاری ارز دولتی را در بازار عنوان کرد؛ بنابراین در این گونه موارد ناچار به مراجعه به آمار و اطلاعات منتشر شده از سوی بانک مرکزی هستیم؛ هر چند که آمار و اطلاعات بانک مرکزی موضوعی غیر از واقعیت های ملمسی جامعه را عنوان کند. به هر حال قیمت لحظه ای کالاها و مواد غذایی نشان می دهد رد پایی از تخصیص ارز دولتی در کالاهای ضروری مردم وجود ندارد و با افزایش نرخ ارز نیمایی و ارز آزاد، این مردم طبقات متوسط به پایین هستند که در این فشار شکننده تر می شوند و بسیاری از کالاها و ضروریات زندگی خود را باید به سرعت از سبد معیشتی شان حذف کنند، هر چند دولت مدعی باشد کالاهای اساسی ارز دولتی می گیرند!

حسین راغفر در گفت و گو با صبح صادق

شکاف طبقاتی

به آسیب های اجتماعی می رسد

همواره با افزایش نرخ ارز در اقتصاد ایران، قیمت ها با ربط و بی ربط روند صعودی به خود می گیرند؛ از کالاهای وارداتی که چند ماه قبل وارد کشور شده اند تا کالاهای تولید داخل که تقریباً هیچ ارتباطی با واردات و نرخ ارز ندارند، با افزایش مواجه می شوند. هر چند هم این افزایش نرخ ارز بیشتر باشد، گرانی ها در کف بازار و میان کالاهای بیشتر به چشم می خورد. جدا از تبعات اقتصادی افزایش نرخ ارز، آسیب های اجتماعی حتی فرهنگی این موضوع نیز به یکی از مهم ترین دغدغه های مسئولان و کارشناسان تبدیل شده است. واقعیت این است که تغییرات نرخ ارز در ایران به طور مستقیم بر زندگی و معیشت مردم اثر دارد؛ موضوعی که در میان مدت منجر به ایجاد بسیاری از آسیب های اجتماعی می شود. «حسین راغفر» اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء در گفت و گویی با صبح صادق نقطه نظرات خود در این زمینه را با ما در میان گذاشته است. راغفر در این گفت و گو با اشاره به افزایش شدید قیمت ها، معتقد است: «گرانی ها به قدری سرسام آور شده است که بیم آن می رود این وضعیت از آستانه صبر و تحمل مردم خارج شود.» متن کامل این گفت و گو در ادامه می آید:

حمید رضا جوانبخت

خبرنگار



کارشناسان بر حسب وظیفه خود بر وجود این راه ها تأکید دارند و اذعان می کنند راهکار وجود دارد. دولت به خوبی می داند اقدامی که برای افزایش قیمت ارز صورت داده است موجب اعتراض مردم خواهد شد؛ چرا که افزایش نرخ ارز روی قیمت سایر بازارهای موزی، مانند بازار مسکن، مسکن، خودرو و... تأثیرات بسیار مخربی می گذارد، حتی می توان گفت زندگی طبقات متوسط و پایین جامعه را به نوعی از بین می برد؛ اما دولت اراده ای برای به کارگیری راه حل ها ندارد؛ اگر اراده ای داشت، با یک راه حل منطقی از فعالان بخش مالی کشور که طی چند سال گذشته درآمدهای بزرگی کسب کرده اند، مالیات می گرفت؛ این موضوع یک راهکار منطقی و کاملاً اجرایی برای جبران کسری بودجه است. کسی که چهار سال گذشته در بازار بورس ۳۰۰ میلیون تومان سرمایه گذاری کرده است و الان ۳۰ میلیارد تومان سرمایه دارد، باید مالیات این سود خود را پرداخت کند. این افزایش بی رویه سرمایه برای عده ای، فقط به دلیل باز بودن فضا برای سفته بازی و تزریق سیاست های غلط دولت اتفاق افتاده و موجب تغییر در انتظارات مردم شده که تنها مسئول و مسبب اصلی آن نیز دولت است. ممکن است رفتار مردم به لحاظ ملی غلط باشد، اما تلاش مردم به لحاظ شخصی، برای حفظ قدرت خرید و حفظ منابع مالی خود، منطقی است؛ بنابراین گرانی ارز و گرانی های دنباله دار آن، تصمیم دولت و مراکز تصمیم گیرنده است. روند کاری مجلس یازدهم نیز نشان دهنده این موضوع است؛ در حالی که مهم ترین مسئله و مطالبه مردم گرانی، افزایش نرخ ارز، وضعیت تولید، بیکاری و... است، مهم ترین موضوع و مسئله مجلس در یک ماه گذشته کنترل فضای مجازی بوده است؛ به نوعی تاکنون مسائلی در این مجلس مطرح شده است که سر کار گذاشتن مردم، نه تلاش برای رفع دغدغه های معیشتی مردم، به شمار می رود. باید دانست مسئله نگران کننده در شرایط فعلی، آسیب های اجتماعی ناشی از شکاف طبقاتی در کشور است که اخیراً افزایش پیدا کرده است و بیم آن می رود که این حد از گرانی ها از آستانه تحمل خانوارها و گروه های مختلف جامعه خارج شود.



یعنی الان هم آن شرایط در حال تکرار است؟

بله، سیاست های دولت در دل مردم ترس و نگرانی تورم های بعدی را ایجاد کرده است. وضعیت حال حاضر کشور مانند آن زمان است. مردم به عین می بینند پول ملی به شدت در حال بی ارزش شدن است و دولت و مجلس نیز شاید برای تأمین کسری بودجه تصمیم دارند این روند را ادامه دهند.

یعنی راه حل منطقی دیگری به غیر از افزایش نرخ ارز و فشار بر معیشت مردم برای تأمین کسری بودجه دولت وجود ندارد؟

مگر می شود راه حل های منطقی و عقلانی وجود نداشته باشد؟ متأسفانه، دولت علاقه ای به پیروی از راه ها و مسیرهای عقلانی ندارد؛ به هر حال

بله، اتفاقاً مشابه این موضوع همان سال و وقتی دولت قیمت ارز را با دست کاری ترجیحات مردم به شدت بالا برد، رخ داد؛ در واقع دولت انتظاراتی را در مردم شکل داد؛ یعنی دولت این تغییرات را در کسانی که دارای سپرده های بانکی بودند، دامن زد؛ از این رو افراد حقیقی و حقوقی دارای منابع ریالی در بانک ها به این نتیجه رسیدند که باید هر چه زودتر پول نقد خود را که در معرض تورم ناشی از قیمت ارز است، به کالا تبدیل کنند؛ بنابراین بخش قابل توجهی از این نقدینگی به بازار کالا هجوم آورد و کالاهای متورم شده ای که تا آن زمان خریداری نداشتند، با چند برابر قیمت واقعی به فروش رفتند؛ به تعبیری می توان گفت، مردم به علت نیازشان به این گرانی و ترس ناشی از تورم، ناخودآگاه به این سمت هدایت شدند.

آقای دکتر، به نظر شما قیمت کنونی دلار، تا چه اندازه از واقعیت های اقتصادی ایران فاصله دارد؟ و با توجه به نقش دلار در اقتصاد ایران و تأثیر افزایش نرخ ارز بر قیمت کالاها و خدمات، آیا تولید و مردم ظرفیت پذیرش چنین قیمت هایی را در بازار دارند؟

مردم و مقوله تولید از گروه هایی به شمار می روند که از افزایش نرخ ارز خسارت بسیاری می بینند. مردم و تولید نه تنها نمی توانند قیمت کنونی ارز را تحمل کنند، بلکه با توجه به شرایط اقتصادی موجود، حتی ارز ۳۵۰۰ تومانی برای تولید ملی و معیشت مردم قیمت بالایی به شمار می رود؛ به طوری که بخش تولید با ارز ۳۵۰۰ تومانی قادر به تولید کالا نیست و مردم نیز با این قیمت ارز با کاهش تقاضا مواجه می شوند. به نظر حتی یکی از دلایل ایجاد رکود اقتصادی در سال ۱۳۹۶ همین موضوع افزایش نرخ ارز و دلار ۳۵۰۰ تومانی بود.

مردم به دلیل افزایش نرخ ارز و تورم نمی توانستند تقاضایی داشته باشند، به همین دلیل دولت با طرح کارت های اعتباری با نرخ بهره ترجیحی سعی کرد مردم را برای خرید کالا و خدمات تشویق و ترغیب کند و با این طرح در بازار تقاضا ایجاد شود؛ ضمن اینکه دولت تلاش می کرد برای کالاهای متورم شده بازار که تقاضایی برای آنها وجود نداشت، تقاضا ایجاد کند؛ اما مردم با وجود تلاش های دولت، از این موضوع استقبال نکردند؛ زیرا قدرت خرید چندانی نداشتند؛ در واقع کاهش قدرت خرید مردم به معنای کاهش تقاضا و تعمیق رکود است. افزایش قیمت دلار علاوه بر اینکه تولید را سخت تر می کند، موجب کاهش قدرت خرید مردم نیز می شود.

کاهش نرخ سود بانکی و اتفاقاتی که در ماه های اخیر افتاده است، را می توان به نوعی در راستای تغییر در ترجیحات مردم برای تأمین کسری بودجه دانست؟

افزوده

دو نوع مالیات

مالیات ها به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شوند. مالیات مستقیم به مالیاتی گفته می شود که مستقیماً از افراد یا شرکت ها دریافت می شود. مالیات مستقیم دو ویژگی دارد: پرداخت کننده، و مقدار آن معین است؛ مثلاً در مالیاتی که از حقوق کارمندان دریافت می شود، هم پرداخت کننده و هم مبلغ آن مشخص است؛ اما در مالیات های غیر مستقیم، نه پرداخت کننده معین است و نه افراد می دانند چه مقدار مالیات پرداخت کنند؛ مثلاً در مالیات پرداختی برای نوشابه، این دولت است که تعیین می کند خریداران به ازای هر لیتر نوشابه چه مقداری مالیات بدهند.



شاخص

جایگزین دلار

به گزارش «راشاتودی»، «سمیر گونل» از کارشناسان ارشد دویچه بانک آلمان گفت: «بازار ارز جهانی در شرایط کنونی با چالش های مختلفی، به دلیل افزایش نگرانی ها نسبت به موج دوم کرونا مواجه است.» وی افزود: «سؤال بزرگ برای سرمایه داران این است که آیا باید دوباره به دلار آمریکا به عنوان دارایی ایمن رجوع کرد یا خیر؟» این کارشناس معتقد است یوان چین به شکل نسبی در حال به دست آوردن ثبات و یک محدوده معاملاتی است؛ با این حال مشکلات احتمالی تا زمان برگزاری انتخابات آمریکا و امکان بالا گرفتن تنش بین یکن و واشنگتن می تواند ریسک های یوان را افزایش دهد.



منهای نفت

کاهش تصدی گری

برای کاهش وابستگی کشور به درآمدهای نفتی، باید درآمدهای نفتی به عنوان سرمایه در نظر گرفته شوند و تلاش شود به پول حاصل از فروش نفت کمتر به عنوان محل درآمد توجه شود؛ به عبارت دیگر، باید از پول نفت برای سرمایه گذاری هر چه بیشتر برای توسعه و صنعتی کردن کشور استفاده شود و کمتر از آن به عنوان محلی برای تأمین نیازهای مالی جاری، کم بازده و غیر مولد که بخش قابل توجهی از آن به هزینه های دولت باز می گردد، استفاده کرد. تنها راه تحقق این موضوع، افزایش درآمدهای غیر نفتی دولت یا کاهش هزینه ها و تصدی گری های دولت است.



آرامش همراه با ایمان زینت مومن است

گفتاری از آیت‌الله محمد مهدی شب‌زنده‌دار

امام صادق (ع) نامه‌ای دارند که در کتاب شریف کافی آمده است، نامه نسبتاً مفصلی هم هست. بر حسب این نقل، امام صادق (ع) برای اصحاب و شیعیان خود نوشته‌اند و دستور فرموده‌اند پیوسته به این نامه مراجعه و در آن تأمل و به آن عمل کنند. ایشان نامه را این‌طور شروع کرده‌اند: «بسم الله الرحمن الرحيم، أما بعد، فأسألوا ربكم العافية و عليكم بالذعة والوقار والسكينة» حضرت در اینجا امر می‌فرماید و طلب وقار و سکینه را بر عهده اصحاب خود می‌گذارد. می‌توان از این سفارش عمومی این‌گونه برداشت کرد که هم بعد سکینه فردی مد نظر امام (ع) است و هم بعد اجتماعی آن؛ یعنی ایشان می‌خوانند تک تک افراد دارای



این صفت شوند و با توجه به اینکه دستور همگانی داده‌اند، گویی می‌خواهند جامعه شیعه هم یک جامعه باسکینه و باوقار باشد؛ این سکینه و وقار باعث می‌شود مذاهب، نحله‌ها و جوامع دیگر به جامعه شیعی جذب شوند؛ همچنان‌که در روایت دیگری هست که «كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا سِينًا»؛ چون وجهه اجتماعی یک جامعه بسیار مهم است. شما می‌بینید که در یکی از ادعیه حضرت بقیة‌الله (ع) نقل است که ایشان برای اصناف مختلف به درگاه خدای متعال دعا فرموده‌اند و صفات و ویژگی‌هایی را تقاضا کرده‌اند. در آن دعا این‌طور آمده است که: «وَعَلَى مَسَافِينَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ» حضرت (ع) از خدای متعال برای مسافرخ یعنی کهنسال‌ها و بزرگسالان و پیشکسوت‌ها و وقار و سکینه آرزو می‌کنند. جالب

تحمل ۱۴ سال زندان، بدون خشم

به مناسبت ۱۷ ذوالقعدة، روزی که امام موسی بن جعفر (ع) از مدینه به بصره تبعید شدند

رسول ایمانی

محقق

ببرد. امام کاظم (ع) به مدت یک سال در زندان «عیسی بن جعفر» حاکم بصره بود. او مدتی بعد به هارون نامه‌ای نوشت و درخواست کرد امام (ع) را به فردی دیگر بسپارد؛ زیرا در تمام این مدت، سندی ضد او نیافته است؛ در واقع عیسی بن جعفر در این مدت به دنبال سند و شاهی علیه امام می‌گشت؛ اما نه تنها پیدا نکرد، بلکه از رفتار امام (ع) متعجب شد. ابن جعفر انتظار داشت ایشان به دلیل شرایط سخت، عصبانی شوند و او هارون را نفرین کنند، اما چنین اتفاقی نیفتاد. عیسی بن جعفر که نور چشم هارون و محبوب خلیفه بود، به هارون نوشت: «من در این مدت، این زندانی را در اختیار وزیر نظر داشتم و خلافتی از او ندیدم، حتی مخفیانه گوش می‌دادم؛ در دعاهایش حتی نفرینی به تو یا به من هم نداشت. بهانه و دلیلی برای ادامه حبس او نمی‌بینم، یا کسی را بفرست و او را از من تحویل بگیر، یا آزادش خواهم کرد.» (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۳) هارون نیز امام (ع) را به بغداد تبعید کرد و از وزیر خود «فضل بن ربیع» خواست آن حضرت را به شهادت برساند، اما او نپذیرفت. حضرت موسی بن جعفر (ع) سه نوبت به زندان برده شدند و در هر نوبت چند سال محبوس و در شرایط غیرقابل توصیفی به سر بردند؛ اما هیچ‌گاه لب به اعتراض نگشودند، خشمگین نشدند و دشمنان خود را نفرین نکردند تا راه برای اصلاح و توبه‌شان باز باشد. ایشان اولین بار به دستور «مهدی» خلیفه عباسی، دستگیر و به بغداد منتقل شدند. ابن‌خلکان نوشته است: خلیفه در خواب

حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) را دیده است که آیه‌ای از قرآن را می‌خوانند و می‌فرمایند: «چه بسا چون دست یابید، در این سرزمین فتنه و فساد کنید و پیوند خویشاوندان‌تان را بگسلید.» فضل بن ربیع می‌گوید خلیفه نیمه‌شب به دنبال فرستاد، وقتی با وحشت شدید در مقابل او حاضر شدم، دیدم خلیفه تنها نشسته و آیه مذکور را می‌خواند. به من گفت: «موسی بن جعفر را به نزد من بیاور.» امرش را اطاعت کردم. خلیفه او را در آغوش گرفت، سپس ایشان را پهلوی خود نشاند و گفت: «ابوالحسن، الان امیر المؤمنین (ع) را در خواب دیدم که این آیه را برایم قرائت می‌کرد. قول بده که علیه من یا هیچ‌یک از فرزندانم شورش نخواهی کرد.» موسی کاظم جواب داد: «قسم به خدا که توان شورش ندارم.»

خلیفه وی را تصدیق کرد سپس دستور داد سه هزار سکه طلا به او ببخشند و وی را به مدینه نزد خانواده‌اش ببرند. دومین حبس امام (ع) در پی بحثی بود که در بالا اشاره شد. «خرابی» رئیس نگهبانان قصر هارون از خوابی روایت می‌کند که باعث شد هارون الرشید، امام کاظم (ع) را آزاد کند. هارون در خواب یک حبشی نیزه به دست را دیده بود که به نزد آمده و گفته است: «موسی را در دم آزاد کن، وگرنه با همین نیزه ذبحت می‌کنم.» او نیز در نهایت دستور آزادی امام (ع) را صادر کرد. خرابی می‌گوید: «به زندان رفتم و دیدم که موسی کاظم (ع) بیدار شده و منتظرم نشسته است. ایشان به من فرمودند:

در خواب پیغمبر خدا را دیدم که به من گفت: موسی، تو به ناحق به زندان افتاده‌ای. کلماتی را که می‌خوانم با من تکرار کن. همانا امشب را تا پایان در زندان نخواهی ماند.» (مسعودی، مروج الذهب، ص ۳۰۸) فخری دلیل حسن نهایی امام (ع) را حسادت چند نفر از خویشاوندان ایشان گفته است که نزد هارون خبرهای دروغ مینی بر اینکه مردم موسی کاظم (ع) را امام می‌دانند و حق خمس خود را به او پرداخت می‌کنند و نیز اینکه موسی کاظم (ع) قصد قیام دارد، می‌بردند. این گزارش‌ها آن قدر تکرار شد که خلیفه را نگران کرد و امام (ع) را در بغداد زندانی کرد و تحت حراست «سندی بن شاهک» قرار داد. سرانجام سندی بن شاهک به دستور «یحیی بن خالد برمکی» وزیر دربار عباسی و به خواست هارون، امام کاظم (ع) را به شهادت رساند.



تهمت فقر می آورد

اکنون فساد و بوی گندیدگی اش جامعه را پر کرده است دیگر تهمت به حساب نمی‌آید؛ یعنی این نسبت دادن رفتار خود فرد نشت گرفته فضایی جامعه را پر کرده است؛ پس نسبت ناروا نیست؛ اگر این‌طور باشد هم، جامعه از اثرات آن رنج می‌برد؛ یعنی اگر فساد واقعی و بهتان باشد، از فساد فرد یا افراد و اگر غیر واقعی و بهتان باشد، از تهمت و نسبت دادن‌های دروغ‌تاریک می‌شود. در این شرایط حال خوب داشتن کمی سخت به نظر می‌رسد؛ اما باید برای سخت‌تر نشدن تلاش کرد. تهمت و غیبت بعد اجتماعی بیشتری نسبت به دیگر گناهان دارد؛ زیرا آشکار و غیرقابل کنترل است؛ پس جامعه‌ای که در آن تهمت و غیبت عادی شود، هر گناه دیگری هم عادی می‌شود. مطمئناً دلیل آشکار شدن گناهان پنهان و بی‌باکی گناهکاران در افشای گناهان‌شان، دلیلی جز عادی شدن گناهان آشکار، مانند تهمت ندارد؛ به عبارتی برخی اعمال موجب رشد فساد در جامعه می‌شوند که تهمت زدن یکی از آنهاست.

جامعه‌ای که در آن تهمت زدن عادی باشد، رشد پیدا نمی‌کند؛ زیرا این رفتار، مؤمنان واقعی را از جامعه دور می‌کند و آنها از دیده‌ها مخفی می‌مانند و برعکس، افراد گناه‌کار دیده می‌شوند. حضرت موسی بن عمران (ع) می‌فرماید: «شیطان به صورت انسان آمد و گفت: موسی، من اگر بخوام جامعه‌ای را ناامن کنم، در آن جامعه تهمت را زیاد می‌کنم و برای اینکه بخوام تهمت را در جامعه زیاد کنم، بستر غیبت را فراهم می‌کنم؛ چراکه اگر جامعه‌ای به غیبت دچار شد، به تهمت دچار می‌شود.» تهمت اعتمادها را از بین می‌برد و خوبی‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نتیجه، فقر مادی و معنوی سراغ‌مان می‌آید. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «در جامعه‌ای که اعتماد در آن از بین رفت، خیرات و برکات ظاهری و مادی هم از بین می‌رود.» همچنین فرموده‌اند: «تهمت، اعتماد را از بین می‌برد و جامعه‌ای هم که اعتماد ندارد، مسائل مادی‌اش تحت الشعاع قرار می‌گیرند و از بین

سید مرتضی رضایی

کارشناس علوم اسلامی



وجود امکانات اطلاع‌رسانی جدای از اینکه توانسته زندگی انسان را متعالی کند، توانسته است در موقعیت‌هایی آن را به خطر بیندازد و موجب پیش آمدن گناهان زیادی شود و به ابعاد اجتماعی زندگی ضربه زیادی وارد کند. امروزه فضای اطلاع‌رسانی به فضایی پر از تهمت، افترا و قضاوت‌های نابه‌جا تبدیل شده است. اگر به معنای لغوی تهمت توجه کنیم، به ماهیت بد برخی رفتارهای موجود در جامعه بی‌می‌بریم. واژه تهمت از ریشه «تهم» و در لغت به معنای فساد و بوگرفتگی ناشی از گندیدگی است؛ یعنی وقتی به کسی تهمت زده می‌شود، او به فساد و گندیدگی نسبت داده می‌شود. شاید بگویم صحبت درباره کسی که واقعا کاری انجام داده و

دین

شماره ۹۵۷ | دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۹



قرآن و نژادپرستی - ۲

پیوند اخوت

محمد رضا قضایی

کارشناس علوم اسلامی



وقتی می‌خواهیم نگاه قرآن به انسان را دریابیم، کافی است خطابات آن را بررسی کنیم. قرآن این‌طور انسان‌ها را ندا می‌دهد:

پنج بار با خطاب «یا بنی آدم»؛ ای فرزندان آدم و در ۲۰ خطاب عبارت «یا ایها الناس»؛ ای مردم به کار رفته است، در ۸۰ جمله «یا ایها الذین آمنوا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پنج مرتبه عبارت «یا عبادی»؛ ای بندگان من به کار رفته است و در دو مورد «یا ایها الإنسان»؛ ای انسان استفاده شده است؛ یعنی به هیچ نژاد، رنگ، زبان، قوم و پیروان دینی مشخص، اشاره خاص ندارد و اگر هم بعضی را بر بعضی برتر می‌داند، فقط در تقوا و انتخاب آخرت است:

در آیه ۱۹ سوره اسراء خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ...» سپس در آیه ۲۱ همین سوره می‌فرماید: «انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا.»

قرآن تمام پیوندهای ظاهری را نفی می‌کند و انحصار را در پیوند اخوت و برادری دینی می‌داند که نزدیک‌ترین پیوندها بر اساس مسائات و برابری است و بر این اساس در سوره حجرات آیه ۱۰ می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ مؤمنان فقط برادر یکدیگرند.

در برادری هم آنچه به آن توجه شده، دوستی و صلح است؛ به عبارتی اسلام طوری برنامه‌ریزی کرده است که هر چه انسان به سمت دین حقیقی برود، صلح، آرامش و وفاداری‌اش بیشتر می‌شود.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادران‌تان صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا داشته باشید که مورد رحمت قرار گیرید. «جمله مورد بحث دو چیز را می‌فهماند: یکی اینکه دو طائفه‌ای که با هم جنگ می‌کنند، برادر یکدیگرند و باید صلح بین آن دو برقرار شود؛ دوم اینکه سایر مسلمانان هم برادر هر دو طرف جنگ هستند و آنان باید رعایت برادری و اصلاح را در بین هر دو طائفه بنمایند.

«وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» و از خدا بترسید شاید مشمول رحمت خدا گردید؛ این جمله هر سه طائفه، یعنی دو طائفه مقاتل و طائفه اصلاح‌گر را موعظه و نصیحت می‌کند.» (المیزان، طباطبایی، ج ۱۸، ص ۳۱۵)

نژادپرستی و برتری‌جویی اولاً، برخواستن از استکبار افراد است و ثانیاً، این کار همان کاری بود که شیطان انجام داد و از درگاه خداوند رانده شد. هنگامی که خداوند دستور داد به آدم سجده کنید، او اطاعت نکرد:

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛ و چون فرشتگان را فرمودیم به آدم سجده کنید، پس به جز ابلیس که سر باز زد و کبر و وزید و از کافران شد. [همه] به سجده درافتادند. (بقره/۳۴)

سردار دریادل

سردار «تنگسیری» را از زمانی که فرمانده منطقه یکم دریایی سپاه بود، در جریان مأموریت‌هایی که برای تهیه خبر و گزارش، همراه فرمانده وقت سپاه عازم مناطق جنوب می‌شدیم، می‌شناسم. نام او در سال ۱۳۸۶ و در جریان دستگیری ملوانان انگلیسی در آب‌های سرزمینی کشورمان بر سر زبان‌ها افتاد. سردار علیرضا تنگسیری متولد سال ۱۳۴۲، شهرستان تنگستان در استان بوشهر است که به دلیل موقعیت شغلی پدر به منطقه اروندکنار استان خوزستان مهاجرت می‌کنند. این فرمانده شجاع و مقتدر سپاه مانند دیگر فرماندهان، دوران جوانی خود را در دفاع مقدس سپری کرد و به عبارتی می‌توان گفت پله‌پله در نیروی دریایی تجربه اندوخت تا به فرماندهی این نیروی مهم و حساس رسید. سردار تنگسیری پیش از فرماندهی نیروی دریایی، هشت سال هم جانشین فرمانده این نیرو بود.

او از جنس دریاست و دریادلان را خوب می‌شناسد، مردمان ساحل در مناطق جنوب هم او را خوب می‌شناسند؛ از اروند تا چابهار و از خلیج همیشه فارس تا سواحل مکران. سردار دریادل سپاه و سربازان و پاسدارانش همان‌طور که در مقابل دشمنان مجهز فرماندهی با قاطعیت ایستادگی می‌کنند و ضربات جبران‌ناپذیری به آنها وارد می‌کنند، در هنگامه حوادثی مانند سیل، دوشادوش سربوستان پاسدار در کنار مردم هستند و در دفاع از سرمایه‌های انسانی و اقتصاد کشور با قاطعیت سزایمان‌یافته مقابله می‌کنند تا امنیت شغلی صدها هزار کارگر ایرانی در داخل به خطر نیفتد. سردار تنگسیری در کنار فرماندهی عملیات در حساس‌ترین مناطق دریایی کشور، اهل رسانه است، رسانه را خوب می‌شناسد و با اصحاب رسانه تعامل خوبی دارد که همین سبب شده است با وجود مشغله شدید کاری، از مصاحبه حتی بازدید از رسانه‌ها غافل نشود.

وقتی پای حرف‌هایش بنشینیم، نقش و تأثیر ایمان و توکل به خداوند متعال در پیشروی‌ها و فتوحات دریادلان رزمنده سپاه را به وضوح خواهی دید که ماه‌ها غرور ملی و افتخار است. او از جنس شهید مهدوی‌ها، همت‌ها و باکری‌هاست و با سردار دل‌ها همکاری داشت.

حضور سردار تنگسیری در مجموعه صداق و مرکز فرهنگی رسانه‌های فرصتی شد در گفت‌وگویی صمیمانه موقعیت و شرایط نیروی دریایی سپاه و کم و کیف کارها و مأموریت‌ها را بررسی کنیم

سردار علیرضا تنگسیری چند باری قرار بود مهمان صبح صادق باشد و به سبب مشغله فراوان نمی‌شد، اما بالاخره در هفته گذشته این توفیق حاصل شد تا میزبان سردار باشیم و پای صحبت‌هایش بنشینیم؛ صحبت‌هایی که بوی ایمان، توکل، ایستادگی، کار، تلاش و مجاهدت می‌داد و اینجاست که می‌توان به رمز شجاعت و شهامت دریادلان نیروی دریایی که با قایق‌ها و شناورهای عمدتاً سبک به مقابله با ناوهای غول‌پیکر

آمریکایی می‌روند، پی برد.

امروز خلیج همیشه فارس و سواحل جنوبی کشورمان به یمن حضور و آمادگی همه‌جانبه نیروی دریایی سپاه و ارتش، منطقه‌ای امن و دور از هر نوع تنش است و امید که روزی برسد با خروج کامل نیروهای فرماندهی از این منطقه، آرامش، امنیت، پیشرفت و آبادانی برای همه کشورهای منطقه حاصل شود.

سردار

فرمانده نیروی دریایی سپاه در گفت‌وگوی اختصاصی با صبح صادق

کابوس آمریکا

در خلیج فارس هستیم

نیروی دریایی سپاه اگرچه در شهریور ماه ۱۳۶۴ با فرمان مبارک حضرت امام (ره) رسماً تشکیل شد، اما قبل از آن، یعنی با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس سپاه پاسداران و ضرورت حضور این نیرو در دریا، با توجه به اینکه مسیر فراری بخشی از ضد انقلاب از طریق دریا بود، یگان‌های دریایی سپاه تشکیل شد. در خوزستان با شروع جنگ تحمیلی و محاصره شهر آبادان، تنها راه کمک‌رسانی و تداکارتی از طریق خورهای بین بندر امام (ره) و بهمن شیر منطقه چوئیده بود. رزمندگان مجبور بودند از مسیر همین خورها خود را به آبادان برسانند. لنج‌ها معمولاً بین خور کویرین و بهمن شیر (روبه‌روی سکوی الامیه عراق) به گل می‌زدند و در همین محل مورد حمله سطحی و هوایی قرار می‌گرفتند. یگان‌های دریایی سپاه مسئولیت حفاظت از این شناورها را به عهده داشتند، تا اینکه در ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی سپاه تشکیل شد. قبل از این فرمان، در یک سیر زمانی ابتدا یگان‌های دریایی سپاه، سپس نواحی سه‌گانه دریایی و بعد ناوتیپ‌های دریایی و پس از آن مناطق سه‌گانه دریایی در خوزستان منطقه سوم، در بوشهر منطقه دوم و در هرمزگان منطقه یکم تشکیل شد. نیروی دریایی سپاه در یک سال و نیم درگیری پایان جنگ، مستقیماً با آمریکایی‌ها وارد جنگ نابرابر شد. آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که صدام پیروز جنگ نیست و خودشان مستقیماً وارد جنگ در دریا به نفع صدام شدند و سکوها نفتی و کشتی‌های نفت‌کش ما را هدف قرار دادند. نیروی دریایی در مقابل هر کشتی که از ما هدف قرار می‌گرفت، با دستورهای می‌رسید، در مقابل یک کشتی از متحدها دشمن را هدف قرار می‌داد و در مجموع ۱۳۰ فروند کشتی از سوی این نیرو هدف قرار داده شد. در یک سال و نیم جنگ مستقیماً با آمریکایی‌ها، نیروی دریایی سپاه با تقدیم ۹ شهید و از دست دادن چهار قایق، با مدد خداوند توانست سه فروند کشتی نفتکش آمریکایی، یک ناوشکن و دو فروند بالگرد سی‌کبری (کبری دریایی) را هدف قرار دهد و بیش از ۵۰ نفر از آمریکایی‌ها را به درک واصل کند. بعد از دفاع مقدس در دریا و پیش‌تر از ماجرای عین‌الاسد، با کمک خداوند در سال ۱۳۸۵ تعداد چهار آمریکایی و دو کویتی و بعد از آن در سال ۱۳۸۵ تعداد هشت تانکر و دریایی کلاه سبز انگلیسی به همراه سه قایق و در سال ۱۳۸۶، ۱۵ ملوان انگلیسی و در سال ۱۳۹۴، ۱۰ ملوان آمریکایی و اخیراً هم کشتی متخلف انگلیسی طعم ضرب شست پاسداران انقلاب را چشیده‌اند و به دست رزمندگان اسلام به زانو درآوردند. برای شناخت بیشتر ظرفیت‌ها و خدمات نیروی دریایی سپاه و اهمیت این نیرو در گسترش توان بازدارندگی و عمق‌بخشی به قدرت دفاعی کشور، میزبان سردار دریادل «علیرضا تنگسیری» فرمانده این نیرو در هفته‌نامه صبح صادق شدیم که در ادامه خلاصه‌ای از گفت‌وگوی مفصل ما را با فرمانده نیروی دریایی سپاه می‌خوانید.



علیرضا جلالیان

دبیر گروه سپاه

آن نبوغ طراحی، خودش سلاح‌های ۱۰۷ میلی متری را روی قایق‌ها نصب کرد و با همین سلاح‌های ابتدایی و قایق‌های عادی آن زمان که طولش چهار متر و ارتفاعش از یک متر هم کمتر بود، نیروی دریایی سپاه کار را شروع کرد و امروز رسیدیم به شناورهای موشک‌انداز با بردهای بالا و شناورهای تولید داخل با آن مختصاتی که عرض کردم. درست است که تحریم کشور و نیازهای مردم واقعاً ظالمانه بوده است؛ اما در بعد دیگر، همین تحریم‌ها فرصتی شد برای اینکه همه نیازهای خودمان را خودمان بسازیم؛ اگر از بیرون قابلیت تهیه داشتیم، دیگر اصلاً به سمت کسب توانایی و دانش ساخت نمی‌رفتیم. پالندگی واقعاً محقق شده است و موشک‌های مختلف ما بردهای مختلف دارند که توسط متخصصان داخلی ساخته می‌شوند؛ موشک‌های ساحل به دریا، کشتی به کشتی و موشک‌هایی که روی قایق‌ها نصب می‌شوند. یک زمانی قرار شد با همکاری یک کشور موشک را روی قایق ۱۴ متری نصب کنیم، وقتی کارشناسان آن کشور را آوردیم، گفتیم قایق ۱۴ متری داریم که می‌خواهیم به موشک مجهز کنیم، به ما خندیدند؛ اما امروز این امر محقق شده است و بچه‌های وزارت دفاع به فناوری موشک برای شناور ۱۴ متری حتی کوچک‌تر دست پیدا کرده‌اند و روز به روز مجهزتر می‌شویم؛ موشک‌ها، سلاح‌ها، توانایی پوشش هوایی و... روز به روز افزایش پیدا می‌کند و همه در داخل کشور و در تحریم صددرصدی انجام می‌شود. تحریم‌ها در این عرصه بی‌اثر بوده است. ما خدا را داریم و رهبری مقتدر و خدایی؛ بنابراین در مسیر حق حرکت می‌کنیم و نصرت الهی هم به مدد ما می‌آید.

امروز، صدای روشن شدن یک قایق ششما خیلی بیشتر از صدای یک ناو آمریکایی شنیده می‌شود؛ چرا؟

ما اگر خدا را داشته باشیم، همان داستان طالوت و جالوت در قرآن اتفاق می‌افتد؛ طالوت با دست خالی به جنگ جالوت می‌رود. امروز این رعب و وحشت از صدای روشن شدن قایق موتور فردی با ایمان است که موتور را روشن می‌کند و در ظاهر با دیگر

موشک برای‌شان به وجود نیامد؛ چون انقلاب پیروز شد. بعد از انقلاب، دل‌اورمردان ارتش آن را تست کردند. مستشاران نظامی آمریکایی تمام تجهیزات، از شناور تا ناوشکن را خودشان کنترل می‌کردند؛ پادگان‌ها و ساختمان‌ها را خودشان می‌ساختند؛ ناوشکنی که آن زمان به ما دادند، ناوشکن با قابلیت حمل و فرود بالگرد نبود. بعد از انقلاب، در نیروهای مسلح و وزارت دفاع و در خود نیروی دریایی ارتش کار شروع شد و این تولیدات با توجه به تحریم‌های ظالمانه ساخته شد، از جمله جماران امثال آن. آنها تحریم کردند و ما در نیروهای مسلح بالنده‌تر شدیم؛ مثل خمیری که هر چند وزز داده شود، نان بهتری از آن پخته خواهد شد، هر چه در فشار و تحریم بودیم، سلاح‌ها و امکانات بیشتری را ساختیم. به زعم من، اشتباه آمریکایی‌ها و سایر دشمنان ما همین تحریم‌ها بود. در بخش دریایی در زمینه شناور، موشک‌انداز، شناورهای با قابلیت حمل بالگرد و... در نیروی دریایی سپاه، امروز شناورهای را در کارخانجات‌مان تولید می‌کنیم که خودمان طراحی کرده‌ایم و خودمان در کارخانه خودمان آنها می‌سازیم، آن هم با حداکثر اتکا به داخل که شاید حدود ۹۰ درصد آن داخلی باشد و ۱۰ درصد باقی هم داخلی خواهد شد. شناوری که به عنوان شهید بزرگوار «سردار ناظری» در آن کلاس تولید شده است، قابلیت حمل بالگرد دارد و در حال حاضر در حال انجام مأموریت است، الان از آن نوع کلاس عبور کرده‌ایم؛ طول نمونه اول را افزایش داده‌ایم و به ۶۵ متر رسانده‌ایم، ظرفیت بالگردی آن را برای بالگردهای بزرگ‌تر ارتقا دادیم، به طوری که قابلیت اقیانوس‌پیمایی دارد. در نیروی دریایی سپاه، با نگاه به توانمندی داخل کشور، سازهایی را در نیروی دریایی استفاده می‌کنیم که ۹۰ درصد داخلی است؛ در آن بخش هم که وابستگی به خارج دارد، ان‌شاءالله در سال‌های آینده خودکفا خواهیم شد. تولید قایق‌ها را در زمان دفاع مقدس خودمان شروع کردیم و سلاخی زمینی روی آن نصب کردیم. جا دارد از شهید بزرگوار «حاج عبدالله رودکی» یاد کنم که ایشان با

واحد بودیم، موفق شدیم. من و برادر عزیزم «امیر دریادل حسین خانزادی» عقد اخوت بستیم و برادرانه کنار هم هستیم، نه در ظاهر، بلکه به صورت باطنی برادر هستیم و ارتباط بسیار خوبی داریم؛ چون هر دو می‌دانیم این وحدت خواسته فرمانده معظم کل (مؤظله‌العالی) است؛ از این رو در این راستا چنانچه صلاح و فرمان ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده معظم کل قوا باشد، در هر جایی حضور پیدا می‌کنیم و در کنار برادران عزیز ارتش مانند یک مشت پولادین در مقابل عمل می‌کنیم. انصافاً، به خصوص در دورانی که امیر سرلشکر موسوی در مسند فرماندهی ارتش قرار گرفته‌اند، ارتباط سپاه و ارتش که قبلاً هم خیلی خوب و برادرانه بود، خیلی برادرانه‌تر عمیق‌تر شده است. ارتباط صمیمانه سردار سرلشکر سلامی و امیر سرلشکر موسوی را به همین شکل، اکنون من در نیروی دریایی با امیر خانزادی دارم. درباره سؤالی که فرمودید، منشأ این تصمیم از ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) است و ما هم مأمور به انجام آن تصمیمات هستیم و بالاتر از آن، فرمان فرمانده معظم کل قواست که ایشان روی در کنار هم و مکمل هم بودن نیروهای مسلح تأکید دارند؛ بنابراین ما در امتداد برادران ارتش و کمک و همکاری مبتنی بر برنامه‌های ستاد کل نیروهای مسلح عمل می‌کنیم و همان‌طور که برادران ارتش در برخی مأموریت‌ها کمک ما هستند، ما هم در برخی مأموریت‌ها کمک آنها خواهیم بود.

دستاوردهایی که در نیروی دریایی سپاه داشتید، بسیار زیاد است. می‌خواهم به بخشی از مهم‌ترین این دستاوردها اشاره‌ای داشته باشید.

همان‌طور که می‌دانید، در زمان طاعوت بالاترین برد موشک‌های دریایی به ۴۵ کیلومتر بود؛ موشکی به نام «هارین» با فناوری حدود ۵۰ سال پیش و برد زیر ۵۰ کیلومتر و اواخر زمان طاعوت هم موشک «استاندارد» را به ارتش دادند که مستشاران آمریکایی هم حضور داشتند، اما فرصت تست میدانی این

در ابتدا می‌خواهم بر اساس این شبهه که چرا ما دو نیروی دریایی داریم، به این پرسش پاسخ دهید که چه تفکیکی بین مأموریت‌های نیروی دریایی سپاه و ارتش وجود دارد و این تفکیک از چه زمانی کلید خورد؟

ابتدا دهه کرامت را تبریک عرض می‌کنم، به ویژه به شما و همکاران‌تان که خدمتگزاران عرصه فرهنگ کشور و جامعه سپاه هستید. توفیقی است که خدمت شما عزیزان در این هفته‌نامه وزین، بسیار بصیرت‌بخش و روشنگر سپاه باشم، به ویژه در این ایام بسیار خجسته دهه کرامت. آرزوی موفقیت برای همه شما دارم و نقش شما در این ایام و این دورانی که دوران رسانه‌هاست، نقش مهمی است؛ این نقش که شما با سلاح دوربین و قلم ایفا می‌کنید، امروز کمتر از اثر سلاح رزمندگان دیگر نیست. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی مکمل همدیگر هستند و هیچگاه در تقاطع هم عمل نمی‌کنند؛ به این معنا که از نظر مأموریت و تجهیزات هر دو نیرو در طول هم عمل می‌کنند. فرمانده معظم کل قوا درباره نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، با توجه به نوع شناورها و تجهیزاتی که متناسب با مأموریت آب‌های آزاد و اقیانوسی است، صلاح را بر این دیدند که این نیرو در اقیانوس‌ها و آب‌های دوردمست حاضر شود و از یک جغرافیای بسته که بر اساس طرح آمریکایی‌ها، نیروی دریایی ارتش ایران فقط برای خلیج فارس تشکیل شده بود و اصلاً فکر فراتر از خلیج فارس در اندیشه فرماندهان نبود، فراتر عمل کند و با این فرمان که فرمودند نیروی دریایی یک نیروی راهبردی است و رمز نمی‌شناسد، انقلاب اسلامی این عزت را برای این نیرو ایجاد کرد و با فرمان امام خاتمه‌ای (مؤظله‌العالی) نیروی دریایی ارتش در دریای عمان، سواحل مکران، دریاهای بین‌المللی و اقیانوس‌ها حضور پیدا کرد. نیروی دریایی سپاه هم مسئولیت خلیج فارس و مأموریت حفاظت از جزایر، سواحل، فلات قاره، سکوها نفتی و عبور و مرور در تنگه هرمز را عهده‌دار شد. این اتفاق از سال ۱۳۷۴ کلید خورده است و فاصله ما با ارتش، تنگه هرمز است. در حال حاضر نیروی دریایی سپاه دو پایگاه مستقل دریایی در دریای عمان، جاسک و چابهار دارد.

به تازگی تجهیزاتی را رونمایی کردید که ظاهراً برد عملیاتی نیروی دریایی سپاه فراتر می‌رود و به اقیانوس‌ها هم می‌رسد؛ از طرفی فرمودید سپاه در آینده نزدیک پایگاه ثابت دریایی در اقیانوس هند خواهد داشت، آیا تغییری در رویکردها اتفاق افتاده است؟

فرمانده معظم کل قوا فرمودند نیروی دریایی، نیروی راهبردی است و از کمند و بستر محدود باید خارج شود. ما همیشه در کنار برادران عزیزمان در نیروی دریایی ارتش بوده‌ایم و هستیم و هر جا که ما ید



مهم‌کم در این رسانه عرض می‌کنم این است که ما با کوله‌برها، قایق‌ها، لنج‌های کوچک که بار تهنجی دارند و اینها اصلا بر نخورد نمی‌کنیم. اگر مبارزه با قاچاق است، مبارزه با کشتی‌های سوخت قاچاق عمده خارجی که بعضا از آب‌های کشورهای اطراف استفاده می‌کنند، است. بعضی از این کشورها هم از اینها حمایت می‌کنند. امروز بیش از ۱۹ فروند کشتی بزرگ مخزن سوخت قاچاق را گرفتیم. قایق‌ها و لنج‌ها سوخت را می‌برند، در اینها می‌ریختند و بعد که جمع می‌شد، میلیون‌ها لیتر سوخت انتقال داده می‌شدند. افتخار ما این است که در این همه مبارزه با قاچاق به سمت یک نفر ایرانی هم شلیک نکردیم؛



موتورها فرق ندارد، ولی در باطن واقعا هر کسی را که با اسلام مقابله می‌کنند، می‌ترسانند. یک قایق ما در تنگه هرمز در مقابل یک ناو هواپیمابری با ۳۱۰ متر طول، پنج هزار و ۳۰۰ نفر نیرو و بیش از ۷۵ فروند هواپیمای جنگی، ۱۰ فروند بالگرد و هواپیما و چندین تجهیزات دیگر قرار می‌گیرد و به او با زبان فارسی اخطار می‌دهد که باید مسیر را عوض کنی و او هم مسیر را عوض می‌کند؛ چه چیزی موجب می‌شود یک قایق که یک هزارم آن ناو هواپیمابر است، اینچنین عملی را انجام دهد؟ آنجاست که ما سجده شکر می‌کنیم. این قدرت از خداست؛ اگر نور خدایی گرفتید، ماندگار هستید. رنگ خدایی ماندگار است، «صبغه الله و من احسن من الله صبغه» است.

تراسپ وقتی که رأی آورد، یکی از شعارهایش این بود که با قایق‌های ایرانی برخورد می‌کند؛ برخورد کرد؟

ترامپ در عین الاسد پاسخ داد؟ بعد از انهدام گلوبال هاوک پاسخ داد؟ ما اگر اعتقادمان به خدا باشد، ترامپ و غیر ترامپ هیچ معنا و مفهومی ندارد. اگر روز به روز خودمان را آماده کنیم و به آیه آرم سپاه که روی سینه همه ما پاسداران نوشته شده است، عمل کنیم و خودمان را آماده کنیم، قطعاً بداندین دشمنان ما با وحشت از میدان فرار می‌کنند، حرف می‌زنند، اما جرت عمل ندارند.

در دروان جانشینی نیرو گفته بودید آمریکا را تا خلیج مکزیک تعقیب می‌کنیم، الان که خودتان فرمانده نیرو شدید، این کار را انجام می‌دهید؟

ما این را به آمریکایی‌ها می‌گوییم که هر جایی که باشید، ما هستیم. شهید حاج‌قاسم سلیمانی کلامی شبیه به این را به آمریکایی‌ها گفت. من سال‌ها پیش این مطلب را عرض کردم که اگر آمریکایی‌ها دست از پا خطا کنند، ما آنها را تا خلیج مکزیک هم تعقیب می‌کنیم؛ این برگرفته از کلام رهبر معظم انقلاب است و حرف من یا سیدالشهدای مدافعان حرم نیست. ما به این بسنده نمی‌کنیم که در همین نقطه جغرافیایی بمبایم تا دشمن در همین‌جا به ما ضربه

بزند، بلکه فراتر از آن چیزی که فکر می‌کند به او ضربه

می‌زنیم. اگر به نقطه‌ای برسیم که منفعت و اقتدار ما خدشه‌دار شود، با تمام توان و وجودمان مقابل آمریکایی‌ها می‌ایستیم. در آینده نزدیک‌تر از چیزی که فکر می‌کنند، ما را خواهند دید و راهی ندارند غیر از اینکه منطقه را ترک کنند. باید بروند؛ تا اینها در منطقه هستند، منطقه آرامش نخواهد داشت و خون پاک حاج قاسم‌ها که به ناحق به دست آمریکایی‌ها ریخته شده است، نمی‌گذارد آمریکا این مسیر را ادامه بدهد و بتواند نفس بکشد. وعده خدا عملی می‌شود و ما ان‌شاءالله با اتکا به خداوند متعال در جاهایی که آمریکایی‌ها فکر نمی‌کنند، گلوبی‌شان را می‌فشاریم. وعده خدا این است که وارثان زمین، مستضعفان هستند و این اتفاق می‌افتد.

آمریکایی‌ها بدانند و متوجه این باشند که نمی‌توانند خودشان برای خودشان محدوده امن تعیین می‌کنند و این را بگویند شناورهایی ایرانی نباید بیشتر از مقداری به ما نزدیک شوند؛ این حرف‌ها به درد خودشان می‌خورد، اینجا خانه ماست، دوره‌ای که از آنها برای هر کاری اجازه می‌گرفتند، گذشت. حالا می‌گویند لطفاً از صد متر به ما نزدیک‌تر نشوید. به هر حال اینجا سرزمین ماست و ما باید مقتدرانه در خلیج‌فارس که متعلق به ماست، حضور داشته باشیم و دیگران برای چنین حضوری حقی نمی‌دارند. اینجا متعلق به کشورهای ساحلی خلیج‌فارس است و ما بارها به این کشورهای همسایه هم پیام دادیم که بیاییم با تعامل مشکلات را حل کنیم و امنیت خلیج‌فارس را خودمان تأمین کنیم؛ یعنی فقط خودمان هم مدعی نیستیم و می‌خواهیم در کنار همسایگان این کار را انجام‌دهیم. آمریکایی‌ها هیچ جا امنیت ایجاد نکردند. همین‌طور فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و... اصلاً امنیت ایجاد نکردند و حضورشان همواره عامل ناامنی بوده است. در سفری به قطر یک خبرنگار آلمانی از من درخواست مصاحبه کرد. از خبرنگار پرسیدم چرا کشورهای فرامنطقه‌ای در خلیج‌فارس حضور نظامی دارند؟ گفت چون اینجا دزد دریایی دارد. گفتم اینجا اتفاقاً دزد دریایی ندارد، اگر توانستید در خلیج‌فارس

نیروی دریایی داشتند. چه زمانی از این دستاوردها رونمایی می‌شود؟

این سخن فرمانده عزیز «سردار فدوی» یک پشتوانه دارد. این اتفاق در نیروی دریایی سپاه همانطور که در هوافضا وجود دارد، افتاده است. ما شهرهای زیرزمینی شناوری و موشکی ساحل به دریا داریم. شهرهای شناوری موشک‌انداز داریم و هر زمانی که بزرگواران ما صلاح ببینند، آن را به نمایش خواهیم گذاشت. دشمن ما می‌داند که در کل ساحل خلیج‌فارس و مکران شهرهای زیرزمینی در مجموعه ارتش و سپاه وجود دارد، اما اطلاعاتش دقیق نیست؛ اما حالا چیز دیگری که به یقین می‌گویم، این است که ما در خلیج‌فارس و دریای عمان همه جا هستیم، هر جایی که حتی فکر آن را هم نمی‌کنید. ما کابوس شما هستیم. برای نمونه، فقط اشاره کنم که ما بسج دریایی را تشکیل دادیم. در طول خط ساحلی دو هزار و ۲۰۰ کیلومتر-که این غیر از ساحل جزایر است-بسج دریایی مستقر است و تا امروز ۴۲۸ ناوگروه با بیش از ۲۳ هزار نفر نیرو سازمان‌دهی شده‌اند. هر ناوگروه در تعریفی که برای بسج دریایی شده ممکن است شامل ۴۵ فروند، ۱۰ فروند لنج یا ترکیبی از این دو باشد. تمام ساحل ما مسلح است و تمام شهرهای زیرزمینی ارتش و سپاه با کاربردهای مختلف دفاعی در تمام ساحل جنوب گسترده شده‌اند، ساحل هم کاملاً مسلح است و این را شعار نمی‌دهیم. از طرفی، اشراف اطلاعاتی کاملی را در خلیج‌فارس داریم. هر ناوی از ابتدای ورودش از تنگه هرمز که وارد می‌شود تا انتهای خروجش، دقیقاً ما می‌دانیم کجاست، چه می‌کند و زیر دید و تیرهای دقیق و مستقیم ما هستند. این شعار نیست. موشک‌های ما برد بالایی دارند و در آینده منظر خبرهای جدید از موشک‌های برد بلند و شناورهایی که تصور آن را هم نمی‌کنند، باشند.

به موضوع بسج دریایی اشاره کردید، بفرمایید در بحث مردم‌سازی چه فعالیت‌هایی از سوی نیروی دریایی سپاه انجام شده است؟

بخشی از کار مربوط می‌شود به همان بسج دریایی که تشکیل داده‌ایم؛ به کارگیری این عزیزان در بحث مردم‌باری بود. در سیل خوزستان ما ۳۰۴ فروند شناور از نیروی دریای سپاه آنجا بردیم و خودم شخصاً ۱۵ روز آنجا بودم. تا آخرین زمانی که آب‌ها فروکش کرد، بچه‌های نیروی دریایی کنار مردم بودند. صد فروند از این شناورها جزء بسج دریایی بودند. واقعا صحنه‌های زیبایی آفریده شد. برادران اهل سنت ما دلسوز اسلام و قرآن و کشورشان هستند، وقتی خدمت‌شان رفته، با آغوش باز از ما استقبال کردند و همگرایی بسیار زیبایی بین برادران اهل تسنن و تشیع وجود دارد. از صد شناور بسج دریایی، ۸۰ فروند برای برادران اهل سنت بود که برای کمک به مردم خوزستان آورده بودند. در سیل شرق جاسک که اهل سنت درگیر بودند هم شخصاً خودم شش روز با برادران ارتش و سپاه آنجا بودم. اینجا برادران شیعه بسج دریایی به کمک اهل سنت آمدند. گل‌خانه‌ها را همین پاسداران، ارتشیان و بسیجیان بیل می‌زدند و خارج می‌کردند. الان همگرایی داریم. در سیل و زلزله بودیم؛ بیمارستان صحرایی زدیم، هم در خوزستان و هم در گلستان.

الآن هم در وضعیت کرونا و کمک مؤمنانه، در نیروی دریایی سپاه با کمک کارکنان و نیز خیران، ده هزار بسته را جمع‌آوری کردیم و به روستاهای دور دست که فقط با بالگرد می‌شد کمک رسانند، بردیم. در هفت مرحله در شرق و غرب بندرعباس، از بوشهر و خوزستان و در گلستان بیمارستان صحرایی برپا کرده‌ایم. الان بیمارستان صحرایی در بندرعباس بیش از ۹۵ روز است که کنار بیمارستان شهید محمدی که مخصوص کروناست، مستقر شده و بیش از این بیمارستان بیمار پذیرش کرده است. در آمار چند روز پیش، بیش از هزار و ۷۰۰ نفر پذیرش ۷۷ نفر بستری شده بودند که بعد به بیمارستان شهید محمدی منتقل می‌شوند. این بیمارستان‌ها ترومایی است و ما برای کرونا استفاده کردیم. یک بیمارستان هم الان در بوشهر زده‌ایم. در چالوس، بیمارستان صحرایی و نقاهتگاهی هم با ۱۵۰ تخت برپا کرده‌ایم در استان مازندران. در فارس بیمارستان مسلمین شیراز و در بندرعباس بیمارستان تخصصی ثابت داریم. یک بیمارستان تخصصی در لنگه و یک بیمارستان تخصصی در بوشهر داریم و یک بیمارستان تخصصی هم امسال در عسلویه افتتاح می‌کنیم که همگی عموماً در نقاط محروم هستند و علاوه بر رفع نیاز نیروهای مسلح، در خدمت مردم محروم مناطق هم خواهند بود. ۱۴ کلینیک هم در نقاط محروم مناطق داریم.

پس از واگذاری مأموریت مبارزه با قاچاق، در این حوزه چه فعالیتی داشتید؟

درباره قاچاقچیان ما در صید تـرال ممنوعه که کشتی‌های خارجی انجام می‌دادند و به ماهیگیران کشور ضربه می‌زدند، مردانه وارد شدیم، دیدیم خیلی از قایق‌ها بیکار شدند و کشتی‌های خارجی ماهیگیری می‌کردند و بر خورد شدید انقلابی کردیم و همین هم بستری شد برای بسج دریایی؛ اما نکته

مهم‌کم در این رسانه عرض می‌کنم این است که ما با کوله‌برها، قایق‌ها، لنج‌های کوچک که بار تهنجی دارند و اینها اصلا بر نخورد نمی‌کنیم. اگر مبارزه با قاچاق است، مبارزه با کشتی‌های سوخت قاچاق عمده خارجی که بعضا از آب‌های کشورهای اطراف استفاده می‌کنند، است. بعضی از این کشورها هم از اینها حمایت می‌کنند. امروز بیش از ۱۹ فروند کشتی بزرگ مخزن سوخت قاچاق را گرفتیم. قایق‌ها و لنج‌ها سوخت را می‌برند، در اینها می‌ریختند و بعد که جمع می‌شد، میلیون‌ها لیتر سوخت انتقال داده می‌شدند. افتخار ما این است که در این همه مبارزه با قاچاق به سمت یک نفر ایرانی هم شلیک نکردیم؛ این یک افتخار است. ما گفتیم قاچاق را آتش می‌زنیم و خواهیم زد. اما آن قاچاقی که مضر برای کشور است، مثل مواد مخدر، سیگار، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت ماهواره، کالاهایی که موجب تعطیلی تولید داخلی می‌شود و... اخیراً هم یک بار قاچاق را آتش زدیم که تجهیزات دریافت کانال‌های ماهواره‌ای بود؛ اما آمدند هوچی‌گری کردند که اینها سوخت قاچاق را آتش می‌زنند. این ثروت کشور است، چرا باید آتش بزئیم؟ یا عکسی از لنج ایرانی نشان دادند که ایرانی‌ها در آن دست‌شان روی سرشان است و به طرف‌شان اسلحه گرفته‌اند. ما اینجا هستیم، تا ایرانی امنیت داشته باشد، ما خادم مردم هستیم، ما کارمان این است که تکاوران متجاوز آمریکایی، انگلیسی، کانادایی و استرالیایی را بازداشت کنیم؛ آنها باید دست‌شان را بگذارند روی سرشان و تسلیم شوند و شلوارشان هم از ترس ما خیس شود. معاذالله که ما بخوایم برای ایرانی‌ها ناامنی ایجاد کنیم. ما در مقابل کسی که خودش قاچاقچی است و ما را مواخذه می‌کند، عقب‌نشینی نمی‌کنیم. آتش می‌زنیم. من سربازم، سرباز این ملت‌م و حاضر نیستم در مقابل چیزی که به کشور ضربه می‌زند، اغماض کنم. من با برادران ایرانی خودم کار ندارم، من سرباز این مملکت هستم، من دست کماندوی دریایی آمریکایی را می‌برم بالا، نه دست مردم کشورم را، من برای امنیت کشورم اینجا هستم.

به عنوان آخرین پرسش از فرصت استفاده کنیم در پیامک‌های مربوط به کارکنان نیروی دریایی که از طریق سامانه پیامکی برای ما ارسال شده، بخش قابل توجهی مربوط به مشکل خدمات است و مسکن؛ در این خصوص برای نیروی دریایی برنامه‌ای دارید و چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

من خادم بچه‌های نیروی دریایی هستم؛ البته باید جایگاه فرمانده نیرو را در جایگاه حقوقی حفظ کنم و در شان آن سخن بگویم؛ اما در جایگاه حقیقی خود را خادم نیروهای نیروی دریایی سپاه می‌دانم. در ۹ فرمانی که حضرت آقا در حکم مسئولیت من بیان داشتند، یک بند معیشت بچه‌های نیروی دریایی سپاه بود؛ البته نه فقط نیروی دریایی سپاه، بلکه معیشت کل نیروهای سپاه و نیروهای مسلح دغدغه حضرت آقااست و پیگیر هستند؛ به فرماندهان ارتش و سپاه هم درباره این تأکید جدی داشته‌اند. سردار سلامی هم در این زمینه دغدغه‌مند هستند. اولین کاری که کردم به فرماندهان گفتم چنانچه کسانی مشکلات‌شان با انتقال در جغرافیای دیگر در حد شش ماه تا یک سال حل می‌شود، دستور انتقال دهند. یک سال رزمنده برود جایی که می‌تواند مشکلش را حل کند. من هم با پاسداران و هم با خانواده این عزیزان ارتباط دارم و در جلسات عمومی البته، الان در وضعیت کرونایی این کم شده است، اما هم‌اندیشی را داریم. در جلساتی جوابگوی فرمایش‌های این عزیزان هستم. از طرفی مکتوب مسائل را می‌گیرم؛ نامه می‌نویسند و شماره تماس می‌گذارند و تماس می‌گیرم و پیگیری می‌کنم این را عملی کرده‌ایم و تا جایی که در توان مان بوده مشکلات را حل کرده‌ایم. همه مشکلات را من نمی‌توانم حل کنم، اما مشکل معیشتی یک پاسدار که با وام حل بشود، تا حدی که جادارد انجام داده‌ایم. مثلاً گفته‌ام اگر دختر پاسداری با پسر پاسداری ازدواج کند، جهیزشان را می‌دهیم و این کار را کردیم. مشکل خانه و با خانه‌سازی و دادن پول اجازه فعلا حل کرده‌ایم و پاسدارانی را هم که خانه شخصی می‌خواهند، در سپاه پیگیری می‌کنیم که پروژه‌های مسکن تعریف کنیم و همه را خانه‌دار کنیم؛ البته این برنامه در همه جای سپاه در حال پیگیری است. من پذیرای همه عزیزان نیرو هستم. بنده همیشه در برنامه‌ها و نشست‌ها حرف‌های برادران و خواهران را گوش کرده‌ام و تا جایی که شده است برای حل مشکل کم‌نگذاشته‌ام؛ البته شاید همه مشکلات حل نشود، ولی واقعا من حرف‌های‌شان را گوش کردم و پیگیری کرده‌ام؛ البته معتقدم من خودم باید بروم سراغ بچه‌ها. اجر این کار بیشتر از این است که بنشینم تا کسی رویش بشود نباید مشکلش را با من مطرح کند یا نه. به هر حال در این زمینه هر کاری که بتوانم برای حل مشکلات همکاران عزیزم انجام می‌دهم.

سردار از وقتی که گذشتید صمیمانه سپاسگزارم.

من هم همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و امیدوارم در سنگر مهم و حساس رسانه موفق و پیروز باشید.



تقویم انقلاب

کودتای نقاب

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



تقویم تاریخی انقلاب اسلامی و ازگان بسیاری را به ثبت رسانده است که برخی از آنها دارای چهره خنثی هستند؛ مانند تجزیه طلبی، تروریست، ترور، تجاوز، جنگ، کودتا و انفجار که هر کدام به عنوان اهرم فشار برای شکست انقلاب اسلامی یا براندازی نظام جمهوری اسلامی به کار برده شده‌اند؛ از جمله روز ۱۹ تیر ماه سال ۱۳۵۹ که خبر کشف و خنثی شدن کودتایی به نام «نقاب» داده شد که مخفف «نجات قیام ایران بزرگ» بود و به نام «کودتای نوژه» شناخته می‌شود. کودتاجیان قصد داشتند از پایگاه سوم نیروی هوایی در همدان که به نام شهید «محمد نوژه» نام‌گذاری شده بود، طرح کودتای شان را عملیاتی کنند؛ در حالی که شهید سرفراز «محمد نوژه» از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که در پی فرمان اسام(ره) برای کمک به شهید چمران در ماجرای خونین پناه، هوپماییش در تاریخ ۲۵ مردادماه ۱۳۵۸ از سوی نیروهای ضدانقلاب هدف قرار می‌گیرد و سقوط می‌کند و خلبان «محمد نوژه» به شهادت می‌رسد؛ از این پس، پایگاه سوم شکاری همدان به نام شهید نوژه نام‌گذاری می‌شود؛ اما چون کشف مجریان این کودتا در این پایگاه بوده است، در ادبیات تاریخی به اشتباه به نام کودتای نوژه از آن یاد می‌شود که باید از ساحت مقدس شهید نوژه پوزش طلبید. اما آنچه در این مختصر به آن توجه می‌شود، بمباران اهداف تعیین‌شده از سوی کودتاجیان است. آنها در چندین مرحله، چندین هدف را در دستور کار خود داشتند تا پس از بمباران، به اشغال درآوردند؛ اما نکته مهم، اهداف مرحله اول، یعنی بیت امام(ره) در جماران، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب اسلامی، پادگان ولیعصر(عج)، پادگان امام حسین(ع)، پادگان شهید بهشتی، کمیته‌های انقلاب اسلامی، کاخ سعدآباد، پادگان لویزان است که جملگی پایگاه‌های اصلی انقلاب بودند؛ اما آنچه در رأس اهداف آنها قرار داشت، بیت امام(ره) در جماران بود که از اصلی‌ترین اهداف بود و در صورت ناموفق بسودن هدف‌گیری آن، کودتا با شکست روبه‌رو می‌شد؛ به همین علت تمام امکانات و قدرت عملیاتی شان را روی هدف بیت امام(ره) در جماران قرار داده بودند. اعتراضات کودتاجیان هم این موضوع را تأیید می‌کند و در بخشی از آن آمده است: «بیت امام نخستین و مهم‌ترین هدفی بود که باید بلافاصله بمباران می‌شد.» طبق تحلیل کودتاکران، صرف وجود امام(ره) به معنای شکست کودتا بود؛ زیرا وجود امام(ره) به حضور مردم در صحنه منجر می‌شد و حضور مردم در صحنه مساوی با حذف آنان از صحنه بود. نویسنده کتاب «کودتای نوژه» در تحلیل خود می‌نویسد: «قطع رأس حکومت در یک نظام متکی بر مردم نمی‌تواند مساوی با تصاحب قدرت باشد؛ زیرا در نظام‌های انقلابی، علی‌رغم سقوط حکومت انقلابی، اصل قدرت در اختیار مردم باقی می‌ماند؛ لذا برای کسب قدرت فقط دو راه می‌ماند؛ همراهی با مردم یا خارج کردن مردم از صحنه؛ طبیعاً کودتاکران چون علیه مردم بودند، همراه با مردم نمی‌توانستند باشند و چون اسلافشان نشان داده بودند که به هنگام خطر مرد میدان نیستند، آنان نیز به محض شکست، راه‌گریز را پیش می‌گرفتند.»

هشدار به موسوی خوئینی‌ها

ماجرای پیام استاد شهید مطهری درباره تفسیرهای التقاطی از قرآن کریم

بودند و همین طور از نهضت آزادی خارج از کشور و دکتر یزدی و قطب‌زاده، و جزواتی که از طرف آنها می‌آمد. در جزوه‌ای که آنها برای سالگرد دکتر شریعتی منتشر کرده بودند و احتمالاً متعلق به دکتر یزدی و گروهش بود، به شهید مطهری حمله و ایشان را در کشتن دکتر شریعتی، همکار رژیم شاه معرفی کرده بودند. آنها «عدل الهی» و «خدمات متقابل ایران و اسلام» را مسخره کرده و گفته بودند که افرادی که به دنبال تحکیم پایه‌های رژیم شاهنشاهی هستند، این مطلب را می‌نویسند. «مطهری می‌افزاید: «زمانی که رهبر انقلاب رئیس‌جمهور بودند، با ایشان ملاقاتی داشتم. فرد دیگری در آن جلسه حضور نداشت. ایشان در این باره نقل می‌کردند که یک بار آقای مطهری از من مطلبی را خواستند. ایشان گفتند: برو به این محمد خوئینی‌ها بگو این تفسیری که داری از قرآن می‌کنی، همه خلاف و تفسیری‌های مارکسیستی است. به او پیغام بده که حتماً پیش من بیاید. من به او پیغام دادم. بعد از چند ماه آقای مطهری از من پرسید پس چرا ایشان نیامد؟» «هاشم صباغیان» وزیر کشور دولت موقت و از اعضای ارشد نهضت آزادی درباره چگونگی رشد و فعالیت فرقه‌ای‌ها می‌گوید: «در آن

زمان بعضی از برداشت‌های نادرست و مخربی که از ساده‌زیستی می‌شد، به تفسیرهایی برمی‌گشت که آقای موسوی‌خوئینی‌ها در مسجد جوستان ارائه می‌کرد و همین‌طور برداشت‌های آقای دکتر پیمان که برداشت‌هایی مارکسیستی و چپ‌گرایانه بود و موجب چنین افراط‌هایی می‌شد. خود من بعدها ماهیت آنها [فرقه‌ای‌ها] را فهمیدم و متوجه شدم که از محصولات جلسات تفسیر آقای موسوی‌خوئینی‌ها هستند.» «محمدباقر ذوالقدر» که پیش از انقلاب دانشجو رشته اقتصاد دانشگاه تهران بود، از جمله کسانی است که چند جلسه در مسجد جوستان حاضر شده است. او در خاطرات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در این باره می‌گوید: «بچه‌های دانشکده ما، بچه‌مسلمان‌ها می‌رفتند، واقعاً با همه عشق می‌رفتند، استفاده می‌کردند، دل می‌دادند، من هم گاهی با آنها می‌رفتم، ولی می‌دیدم نته تنها مرا اقناع نمی‌کنند، بلکه پر از اشکال است؛ از جمله درس‌های آقای موسوی‌خوئینی‌ها در یک مسجد در نیاوران. آنجایی که از پرطرفدارترین مجالس تفسیر بود. معمولاً بعد از ظهرهای جمعه بود، این گونه در ذهنم است... دلیل آن هم این است که بعد از اینکه از کوه می‌آمدند، بچه‌ها

می‌رفتند آنجا. من دو جلسه رفتم آن هم با اصرار آن برادران که آنجا می‌رفتند. ایشان تفسیر سوره بقره را داشتند انجام می‌داد؛ جلسه اول که رفتم دیدم که چه سنگ بحثی آنجا مطرح می‌شود. جلسه دوم بیشتر از روی کنج‌کاری که چگونه مطلب را ایشان جمع می‌کنند. حقیقت مطلب این بود که یک تفسیر صددرصد مارکسیستی انجام می‌داد، یعنی نه ۹۹/۵ درصد، بلکه ۱۰۰ درصد... یعنی همه چیزهایی که ما به عنوان امور مساورای مادی و متافیزیکی به تعبیر آن روز، غیبی به عنوان معجزه، به عنوان امور غیرعادی و امور خارق‌العاده قلمداد می‌کنیم، وی تلاش می‌کرد تفسیر صددرصد مادی کند؛ مثلاً حرکت حضرت موسی(ع) در عبور از رودخانه را این گونه می‌گفت که نروید دنبال معجزه به آن سبکی که گفته می‌شود، دنبال امور خارق‌العاده بگردید، خیر، شواهد زیادی داریم که علم و تکنولوژی در آن عصر خیلی پیشرفته بود، به خصوص مصری‌کی از مراکز تمدن جهانی بود و علوم در آنجا پیشرفته بود. شما هیچ بعید ندانید که اینها پلی ساختند مثل بل‌های شناوری که امروز می‌سازند. نیروهای شان که عبور کرد این پل را منهدم کردند. دقیقاً با همین تعبیر!»

موسوی خوئینی‌ها و ابراهیم اصغرزاده پس از تسخیر لانه جاسوسی



دهلیز

مروری بر ماجرای متهم کردن حضرت امام(ره) به پوپولیسم

خشمگین از ملت!

نظام‌های سیاسی آنگاه خواهند توانست با تمام توان در مسیر پیشرفت و توسعه کشور و غلبه بر مشکلات قدم بگذارند که مردم با همه توان از مسئولان و کارگزاران حمایت کنند و به ایشان اعتماد داشته باشند. حضرت امام(ره) به خوبی به این قاعده و سنت الهی آگاه بودند و به همین علت بود که با همه توان، با تمسک به راه‌کارهای ارائه‌شده در آموزه‌های دینی، در مسیر جلب اعتماد ملت قدم گذاشتند و توانستند اعتماد مردم را جلب کنند و همین اعتماد مردم به ایشان بود که اتفاق مهمی برای نهضت اسلامی ملت ایران را رقم زد. به واقع حاصل چنین باوری به ملت که هم در نظر و هم در عمل خود را عیان کرده بود، آن بود که ملت نیز به امام اعتماد کامل کردند و از او مردمی‌ترین رهبر تاریخ ایران زمین را ساختند. به فرموده حکیم انقلاب اسلامی: «امام(ره)، ملت را به صحنه آورد، به مردم اعتماد کرد... وقتی او به مردم اعتماد کرد، مردم هم به او اعتماد کردند.»

همین اعتماد ماندگار و روزافزون که ریشه در اعماق وجود ملت ایران داشت، موجب شد دشمنان و مخالفان حضرت امام(ره) پیوند اسام(ره) و ملت را عوام‌فریبی و پوپولیسم بنامند. این خط از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت و آنان که نمی‌توانستند پایگاه



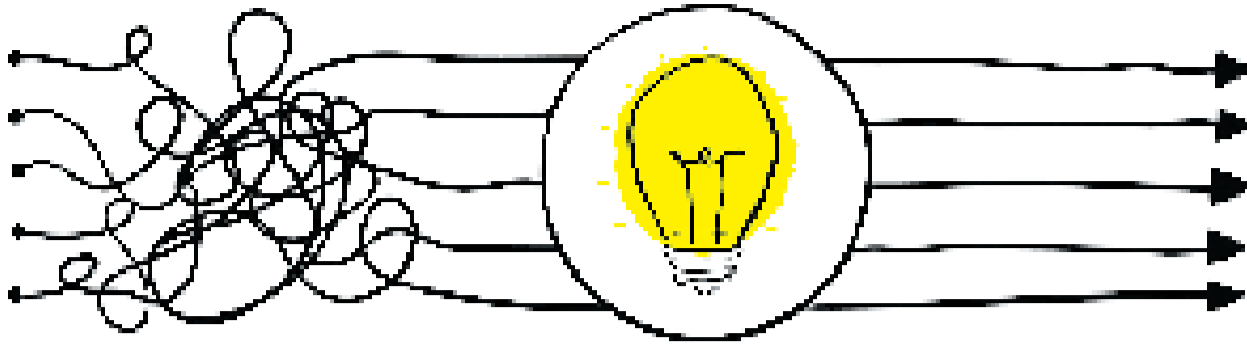
حافظه

بزرگ‌ترین برده‌دار قرن ۱۸

راهبرد استعمارگری

برده‌داری در تاریخ غرب مدرن ریشه دارد. آنجا که پس از اسپانیایی‌ها، پرتغالی‌ها و هلندی‌ها، این انگلیسی‌ها بودند که وارد ماجرای استعمارگری شدند و برده‌داری را به عنوان راهبردی استعماری در دستور کار قرار دادند. سال ۱۵۶۲، «بیر جان هاوکینز» با مشارکت الیزابت اول و تجار و صرافان انگلیسی تجارت انگلیسی برده را آغاز کرد و در سال ۱۵۸۵، با اشغال سرزمین «ویرجینیا» در آمریکای شمالی از سوی «بیر وALTER رالیگ»، اولین کشت‌زارهای بزرگ انگلیسی تأسیس شد. این فرایند ادامه یافت و سرانجام در زمان چارلز دوم (۱۶۶۳) به تأسیس «کمپانی سلطنتی آفریقای بریتانیا»، طبق الگوی پرتغالی‌ها، انجامید. به این کمپانی نیز، مانند کمپانی هند شرقی و سایر کمپانی‌های مشابه، امتیاز انحصاری «تجارت» در حوزه‌های عملیاتی آن اعطا شد. منبع اصلی شکار انگلیسی برده، غرب آفریقا و بازار فروش آن، مستملکات انگلیس در قاره آمریکا بود. این بردگان به طور عمده در کشت‌زارهای نیشکر و تنباکو به کار گرفته می‌شدند. در این زمان، کمپانی‌های انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، دانمارکی و آلمانی دارای قرارگاه‌های اختصاصی شکار برده در غرب آفریقا بودند. در نخستین سال‌های تأسیس کمپانی سلطنتی آفریقای بریتانیا، صدها اروپایی در این منطقه به کار اشتغال داشتند که ۳۰۰ تن از آنها کارگزاران «کمپانی» بودند. به نوشته «جیمز بالدوین» کمپانی سلطنتی

آفریقای بریتانیا در نخستین سال‌های فعالیتش، بسیار موفق بود. تا سال ۱۷۲۰، این کمپانی بیش از ۵۰۰ کشتی محموله را انتقال داد که شامل یکصد هزار برده آفریقای بود. در سال ۱۷۵۹، تعداد بردگان در مستعمرات جنوبی انگلیس در آمریکای شمالی، تقریباً برابر با سفیدپوستان بود. علاوه بر آمریکای شمالی، یکی از کانون‌های مهم استقرار پلانت‌های انگلیسی، جزایر هند غربی بود. با سلطه بریتانیا بر این جزایر در نیمه اول سده هفدهم، جمعیت آن از ۵۰ هزار نفر به یک میلیون نفر افزایش یافت. همچنین تا سال ۱۷۷۵، حدود ۱/۵ میلیون نفر آفریقای در جزایر آمریکایی مستعمره بریتانیا تخلیه شدند. در سال ۱۷۷۵، در مستعمرات انگلیسی شمال قاره آمریکا، ۳۳۱ هزار برده و در مستعمرات جنوبی (ماریلند، ویرجینیا، کارولینا و جورجیا) ۳۱۰ هزار برده، در جامائیکا ۱۹۰ هزار برده و وجود داشت. این ارقام به جز ۶۰ هزار برده وجود داشت. این ارقام به جز بردگانی است که «تجار» انگلیسی به سایر اروپایی‌های فروختند. در فاصله سال‌های ۱۶۸۰ تا ۱۷۸۶، انگلستان به تنهایی بیش از دو میلیون برده را به اسارت گرفت، حمل کرد و فروخت. در سال ۱۷۹۱، ۴۰ ایستگاه انگلیسی شکار برده فقط در سواحل غربی آفریقا مستقر بود که نام زیبایی «فاکتوری» (دفتر تجاری) را بر خود داشتند. به این ترتیب، در سده هجدهم میلادی انگلستان به بزرگ‌ترین قدرت برده‌دار زمانه بدل شد.



بررسی مفهوم، ضرورت‌ها و اهداف مقوله شفافیت

نظام نظارت همگانی

امیر قلی‌زاده

طلبه پایه دهم علوم حوزوی

از مهم‌ترین تعهدات حکمرانی شایسته، تضمین حقوق انسان‌ها و به تعبیر امروزی آن، حقوق بشر و حقوق شهروندی است و به این منظور، «شفافیت» یکی از ویژگی‌های روشن حکمرانی شایسته است که می‌تواند به عنوان سازوکار مؤثر حامی حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان، قدرت را به نقطه تراز مورد انتظار برساند و راهکاری ارزنده برای مبارزه با پدیده‌های شومی، مانند فسادهای سیاسی و اقتصادی که از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و سیاسی هر جامعه‌ای است، در اختیار مسئولان، مردم، رسانه‌ها و مخاطبان قرار دهد. این روزها مقوله شفافیت در مجلس، افهام رسانه‌های کشور و به ویژه به عنوان تدارک بسته‌ای تبلیغاتی از سوی برخی جریان‌های سیاسی با نگاه انتخاباتی و به قصد رأی‌آوری در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ زیاد مطرح می‌شود؛ اما واقعیت امر این است که ما به مقوله شفافیت از منظری کلان‌تر نیاز مبرم داریم و آن این است که شفافیت از اولویت‌های حکمرانی شایسته است و زمینه‌های ترمیم و تقویت اعتماد بین مردم و حاکمیت می‌شود. ریشه‌شناسی مقوله شفافیت، تبار این موضوع را به آرزوی دیرینه انسانی و زمانی می‌رساند که بشر با شکل‌تکون یافته قدرت سیاسی مواجه شده است؛ با این حال در اندیشه غربی‌ها، از جمله «جرمی بنتام» و بیشتر و خیلی پیش از آن، در ادبیات دینی و رویکردها و توصیه‌های راهبردی حکومت نبوی و علوی نیز می‌توان به این امر دست یافت. آنچه در بادی امر لازم می‌نماید، مفهوم‌شناسی شفافیت است تا در صورت توفیق، در هفته‌های آتی

به تاوان چالش‌ها، فرصت‌ها، موانع و راهکارهای اجرای شفافیت را نیز بررسی کنیم.

مفهوم‌شناسی شفافیت

با وجود اینکه لفظ شفافیت در دنیای امروز فراگیر شده است، اما تعریف دقیقی از آن در قوانین کشورهای مختلف حتی کشورهای مدعی در این زمینه، نظیر فرانسه یا آمریکا به چشم نمی‌خورد؛ البته طبق بررسی‌ای که در لایحه شفافیت تقدیمی دولت به مجلس در تیر ۱۳۹۸ از سوی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری انجام شده، مولدوی در زمره معدود کشورهایی است که در قانون «شفافیت» در فرایند تصمیم‌گیری مصوب ۲۰۰۸، شفافیت را: «عرضه همه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های مراجع عمومی مشمول این قانون به شهروندان، مؤسسات و دیگر اشخاص دخیل در فرایند تصمیم‌گیری از سوی مراجع عمومی طی فرایند مورد اشاره» تعریف کرده است. در سطح بین‌المللی نیز، سازمان بین‌المللی غیردولتی شفافیت، تعریفی از شفافیت ارائه کرده است که مبنا و مستند سایر نهادهای بین‌المللی، ملی و تحلیل‌گران حوزه شفافیت قرار گرفته است. از نظر این نهاد، شفافیت عبارت است از: «در دسترس بودن اطلاعاتی از یک سازمان یا کنش‌گر که به کنش‌گران بیرونی اجازه می‌دهد عملکرد آن سازمان یا کنش‌گر را پیش‌کنند». ترسیم وضعیت کنونی کشور و مواجهه جدی آن با معضل فساد، کلیدواژه شفافیت را به عنوان ظرفیتی مستقل برای برون‌رفت از شرایط مخاطره‌آمیز کنونی بیش از پیش ضروری می‌نمایاند. کلید طلایی شفافیت نه تنها سابقه مشخصی در تجربیات بین‌الملل دارد، بلکه جایگاه ویژه‌ای نیز در ادبیات حکومت دینی دارد، تا آنجا که امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ۵۰ نهج البلاغه

می‌فرماید: «بدانید حق شما بر من آن است که چیزی را جز اسرار جنگی از شما پنهان ندارم». البته پرسش‌های مهمی در ارتباط با چگونگی شفافیت مطرح است که با پاسخ به آنها ابعاد و زوایای مختلف این تعریف روشن می‌شود. اولین پرسش این است که اطلاعات را باید از چه کسی مطالبه کرد؟ همچنین چه اطلاعاتی برای چه اهدافی بیشترین فایده را دارد؟ و نهایتاً به چه میزان اطلاعات نیاز است؟ شاید یکی از دلایل تنوع تعاریف در مقوله شفافیت را بتوان در حوزه‌های گوناگونی که این تعریف به کار گرفته می‌شود، جست‌وجو کرد؛ برای نمونه در علم سیاست، شفافیت به معنای این است که با اطلاعاتی که دولت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، به آنها امکان دهیم تا از آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند، آگاه شوند؛ اما در امور نظامی و تسلیحاتی و به همین صورت در مسائل اجتماعی و در حوزه اقتصاد وضعیت متفاوت می‌شود و در هر کجا به تناسب و اقتضای موضوع، شفافیت معنایی خاص به خود می‌گیرد؛ یعنی به همان اندازه که نباید منابع و اطلاعات کشورها در حوزه نظامی و امنیتی شفاف شود، لازم است در ساحت فرهنگی، اقتصادی و عملکرد دولت‌ها، شرکت‌های عمومی و خصوصی و روند اداری با نهایت شفافیت حرکت شود.

اهداف چهارگانه شفافیت

اگر بخواهیم همان تعریف لایحه تقدیمی به مجلس را به عنوان تعریف منتخب و مختار در اینجا بیاوریم، این تعریف شفافیت را تلاشی برای ایجاد نهادهای سیاسی شفاف می‌داند که با توزیع و دسترسی به اطلاعات حکومتی و دولتی، زمینه نظارت جمعی را ایجاد کند و تسهیل‌گر پیشگیری از فساد باشد. مرور همه تعاریف و تبیین حوزه‌های فوق در نسبت با امر

شفافیت حاکی از آن است که شفافیت دربردارنده چهار هدف اساسی است:

یک- شفافیت همواره رابطه تنگاتنگی با پاسخگویی دارد؛ در واقع هدف از درخواست شفافیت اجازه دادن به شهروندان، بازارها یا دولت‌هاست تا سایرین را در قبال سیاست‌ها و عملکردهای‌شان پاسخگو نگه دارند؛ بنابراین شفافیت را می‌توان به‌منزله اطلاعاتی دانست که از سوی نهادها منتشر می‌شوند و مربوط به ارزیابی این نهادها و پاسخگو کردن آنهاست.

دو- شکل‌گیری نظارت همگانی از غایبات هدفمند شفافیت است؛ به عبارتی اگر می‌خواهیم روند پاسخگویی نهادینه شود، ضمانت اجرای آن، تکوین نظام نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری همه مردم جامعه در برابر فساد است که می‌تواند سیستم حکمرانی را از تعادل درآورد و آن را در خدمت اهداف فاسدان و نظام‌گشونده و بی‌اعتبارکننده فساد قرار دهد.

سه- شفافیت عملکردی دیگر هدف نهادینه کردن شفافیت است؛ بیان کار و درآمد شرکت‌ها، نهادها، احزاب و... همه باید در منظر دید و قضاوت مردم قرار گیرد.

چهار- افشاجاری به مثابه هدف آخر مقوله شفافیت می‌تواند هزینه اقدامات فسادزا را برای افراد، جریان‌ها، تشکله‌ها و سازمان‌های فاسد بالا ببرد و سیستم را مصون و در ریل انجام قانونی و کارکرد تعریف‌شده قرار دهد. این نگاه در صدد کاهش «استتار» اطلاعات سازمانی است تا مانع از رانت اطلاعاتی و سوءاستفاده مسئولان از اطلاعات، قبل از انتشار عمومی آن شود. شفافیت به معنای سهیم شدن اطلاعات حاکمیت و عملکرد نظام حکمرانی با مردم و ایجاد یک نظام نظارت همگانی است.

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۱۰

روند تکاملی انقلاب

محسن محمدی الموتی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)

پس از مفهوم‌شناسی و تعریف نظریه نظام انقلابی، لازم است به این سؤال اساسی توجه شود که چرا هر معظم انقلاب در آغاز گام دوم انقلاب اسلامی، به این نظریه توجه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در میان مفاهیم مندرج در بیانیه راهبردی گام دوم، مفهوم نظریه نظام انقلابی جایگاه ممتازی دارد و به تعبیری، دال مرکزی آن دانسته می‌شود. ضرورت طرح این نظریه با توجه به برخی عوامل و متغیرها، از جمله رد تئوری ترمیدوری انقلاب‌هاست.

تعبیر مورخان و تحلیل‌گران از معنای ترمیدور در انقلاب متفاوت است؛ اما بیشتر نظریه‌پردازان انقلاب معتقدند انقلاب‌های جهان پس از آرام نشستن موج انقلابی و سرنگونی رژیم استبدادی، در فرایند نظام‌سازی دچار استتعالی می‌شوند و با فرارسیدن «دوران ترمیدور» روحیه انقلابی خود را از دست می‌دهند و از جریانی انقلابی به نهادی محافظه‌کار تبدیل می‌شوند.

رهبر معظم انقلاب در مواجهه با این دیدگاه‌ها و در پاسخ به شبهه بازگشت انقلاب می‌فرماید: «در قوانین علوم اجتماعی درباره انقلاب‌ها، می‌گویند انقلاب‌ها همچنانی که یک فرازی دارند، اوجی دارند، یک فرودی هم دارند. آن قوانین می‌گویند تا وقتی شور و انگیزه

انقلابی و مردم هست، انقلاب‌ها به سمت جلو حرکت می‌کنند، اوج می‌گیرند، بعد هم به تدریج این شور و هیجان و این عامل حرکت به پیش، کم می‌شود و در مواردی تبدیل به ضد خود می‌شود، انقلاب‌ها سقوط می‌کنند و برمی‌گردند پایین. اما انقلاب اسلامی از این تحلیل جامعه‌شناختی به کلی مستثناست. در انقلاب اسلامی، پادزهر فرود انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده است. تجسم انقلاب در «جمهوری اسلامی» و در «قانون اساسی جمهوری اسلامی» است. نویسندگان قانون اساسی در خود این قانون، عامل تداوم‌بخش انقلاب را گذاشته‌اند. پابندی به مقررات اسلامی و مشروعیت بخشیدن به قانون، مشروط بر اینکه بر طبق اسلام باشد و مسئله رهبری.» اشاره رهبر معظم انقلاب در این فراز از بیانات‌شان، تئوری ترمیدوری یا حرکت دوری انقلاب‌هاست از «کرین برنتون» در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» آن را بررسی کرده است. کرین برنتون معتقد است، همه انقلاب‌ها با عبور از مراحل ماه عسل، حاکمیت میانه‌روها و تندروها به مرحله ترمیدور وارد می‌شوند؛ این در حالی است که مبتنی بر نظریه نظام انقلابی رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی در نقطه مقابل تئوری ترمیدوری انقلاب‌ها قرار دارد و در صدد اثبات این گزاره است که انقلاب اسلامی ایران، انقلابی در حال شدن است که آرمان‌های آن با مرور زمان نه تنها کهنه و بی‌اعتبار نمی‌شود، بلکه رووند تکاملی را طی می‌کند.

ریزش‌ها

فراز و فرود مصطفی تاج‌زاده - ۱

چپ منتقد بنی‌صدر!

انقلاب اسلامی دعوت کرد. وی در این زمینه می‌گوید: «من در روابط عمومی بودم و باید به دنبال دعوت از سخنرانان می‌رفتم. ضمناً من قبل از انقلاب، خارج از کشور بودم و با نیروهای خارج، همچون بنی‌صدر رابطه داشتم.» البته تاج‌زاده بعدها بنی‌صدر را به علت جدا کردن رهش از نظام به صورت جدی نقد می‌کند تا اثبات کند جز نظام اسلامی خط قرمز دیگری نمی‌شناسد؛ اما این نگاه خیلی تداوم نیافت و پس از سپری شدن چند سال از بین رفت. تاج‌زاده بارها بر نظام اسلامی تاخت و در بزنگاه‌هایی نه تنها توانست بر حقیقت خط انقلاب و آرمان‌های امام (ره) پایدار بماند، بلکه در قضایای فتنه ۸۸ به محور تحركات ضدانقلابی تبدیل شد و تا اقدام به طراحی و طرح‌ریزی برای براندازی نظام اسلامی برآمده از انقلاب پیش رفت. شاید ریشه این اعوجاج و تغییر خط در همان علتی نهفته باشد که روزگاری خود به آن اذعان کرده است. وی در مقطعی حرکات قبل از انقلاب و اوایل انقلاب خودوهم‌پالگی‌هایش را تک‌بعدی و تحت تأثیر گفتمان مارکسیستی ارزیابی کرده و معتقد است: «ما نسلی تک‌بعدی بودیم... اصلاً ما تحت تأثیر گفتمان بین‌الملل بودیم و تا حدودی هم گفتمان چپ مارکسیستی.»



«پدیده ریزش» انقلابیون از ویژگی‌های رایج و مشترک جنبش‌های اجتماعی و سیاسی و تمام انقلاب‌های طول تاریخ بوده است؛ از این منظر، نه تنها انقلاب اسلامی ملت ایران در سال ۱۳۵۷ مستثنی نیست، بلکه به دلیل خاستگاه دینی و هویت‌یابی تربیتی و گفتمانی نیروهای انقلابی بر مدار رویکرد اسلامی، بیشتر محل تأمل است. بررسی و مطالعه فراز و فرود زندگی سیاسی پر مسئله «سیدمصطفی تاج‌زاده» و ابعاد نکات تحلیلی درس‌آموز و عبرت‌انگیزی است. وی در آذر ماه ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. پدر و مادرش اصالتاً اهل هرنند اصفهان و خانواده او، چه از سمت پدری و چه از سمت مادری، همه از علمای معروف بودند. «آیت‌الله هرنندی» یکی از رؤسای حوزه علمیه قم، دایی‌اش بود. تاج‌زاده ۸ مهر ۱۳۵۷، پس از دیداری با امام خمینی (ره) در پاریس، تحصیل را رها کرد و به ایران بازگشت. وی نماینده ویژه «گروه فلق» در کمیته ویژه استقبال از امام خمینی (ره) انتخاب شد. گروه فلق یکی از گروه‌های هفت‌گانه تشکیل‌دهنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب بود که تصور و دگردیسی پیچیده آن از پیدایش تا انحلال، داستانی شنیذنی دارد. پس از انقلاب، سیدمصطفی تاج‌زاده نخستین کسی بود که از بنی‌صدر برای سخنرانی در اولین گردهمایی سازمان مجاهدین

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی علامه نائینی - ۹

رهایی از استبداد

فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

علامه نائینی ولایت فقیه را الگوی مطلوب نظم و حکومت از منظر اسلام برای رهایی از استبداد می‌داند؛ اما برای اثبات آن، روایاتی را بیان می‌کند که بیشتر ولایت فقیه را در امور حسبه از باب قدر متیقن تأیید می‌کنند. وی اداره امور کشور را از اهم مسائل حسبه به شمار می‌آورد. در این باره گردآورنده تقریرات درسی وی می‌نویسد: «حتی اگر از دلایل‌های ولایت فقیه دست برداریم، امور حسبه در این صورت نیز به طور قطع بر عهده فقهاست؛ زیرا فقیه یا گمارده‌شده از جانب امام معصوم است یا فردی از مؤمنان به شمار می‌آید که مجاز است در امور حسبه مداخله کند. اما جواز سرپرستی غیر فقیه با وجود فقیه مورد شک است و اصل، جایز نبودن آن است.»^۱

مرحوم آیت‌الله خویی که از شاگردان بلندآوازه میرزای نائینی و خود از صاحب‌نظران بزرگ ولایت فقیه به شمار می‌آید، بر این باور بود که استناد دلالت مقبوله را بر ولایت عامه فقیه پذیرفته است. امام خمینی (ره) نیز معتقد بودند: «مرحوم نراقی و از متأخرین، مرحوم نائینی تمام مناسب و شئون اعتباری امام را برای فقیه ثابت می‌دانند.»^۲ بنابراین نائینی همانند دیگر فقهای مشهور در حوزه نظریات ولایت فقیه، نظیر نراقی، میرفتاح، صاحب‌الجواهر و... تبلور حکومت اسلامی را در دوره غیبت در ولایت فقیه می‌داند.

نائینی از باب اضطراب و به تعبیر فقهی «اکل میته» به حکومت مشروطه تن می‌دهد تا ضمن پیاده کردن شریعت اسلام، غول استبداد را به زانو درآورد. از منظر وی در کتاب تبیة‌الامه، حکومت مشروطه بر دو اصل اساسی استوار است؛ الف- تشکیل مجلس شورای ملی؛ ب- بد قانون اساسی و قانون‌گذاری. نائینی این دو اصل را می‌پذیرد و بر اساس فقه شیعه آن را تبیین می‌کند و به شبهه‌ها و گمان‌های مخالفان پاسخ می‌گوید. وی تشکیل مجلس شورای ملی را نخستین گام در حکومت مشروطه به شمار می‌آورد که نمایندگان برگزیده مردم در آن گرد هم آیند و بر مسیر کارهای حکومت نظارت کنند. تلقی مترقی نائینی برای اولین بار این بود که عنصر جدیدی را به نام «انتخابات» در نظام سیاسی شیعه گنجانند و برای رأی مردم در انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی و گزینش فقیهان رده اول در مجلس، اعتبار و ارزش قائل شد و بر مشروع بودن آن استدلال کرد.

نائینی برای مشروع بودن دخالت مردم در اداره کشور و سرنوشت سیاسی خود از راه همه‌پرسی، دلایلی را از فقه سیاسی اقامه می‌کند که جالب است. اصل شورا از مبانی مسلم اصول اسلامی است. قرآن در چندین آیه به روشنی از آن یاد کرده و روایات بسیاری نیز در این باره از معصومان (ع) نقل شده است. نائینی به این اصل برای تشکیل مجلس شورای ملی استناد می‌جوید و نتیجه می‌گیرد که حاکم بدون مشورت با عموم ملت که شریک در مصالح نوعیه‌اند، نباید کاری انجام دهد؛ البته چون اجتماع همه افراد ملت در هر امری امکان‌پذیر نیست و عموم مردم نیز اهل تشخیص نیستند، از این روی خردمندان و صالحان باید از راه همه‌پرسی گزیده شوند و در امور مهم کشور تبادل نظر کنند.^۳

پنوشته در دفتر نشریه موجود است.

داستان

تابلوی عشق

نقیسه محمدی
دبیر گروه جامعه



عمل قلب باز، عمل سختی بود. پدر بزرگم با همه قوای بدنی و زندگی در هوای کوهستان و کلی رشادت و شجاعتش، ترسیده بود. من و پدرم که کارهای درمانی او را پیگیری می کردیم، شرایطش را می دانستیم و سعی می کردیم هر طور شده از اضطراب و دلهره اش کم کنیم.

از جلوی خانه قدیمی شان سوارشان کردیم و راه افتادیم. مادر بزرگم تسبیح به دست کنارش نشست. مشغول دعا خواندن بود و آرام آرام میوه ای پوست می گرفت و اول از همه به دهان پدر بزرگ می گذاشت. گاهی هم مطلب خنده داری می گفت و سعی می کرد فضا را عوض کند تا پدر بزرگ کمتر فکر کند. این رفتار پسرزن کم کم اثر خودش را گذاشت. پدر بزرگم خودش را جمع و جور کرد و با کلی خوش ویش به بیمارستان رسیدیم. مادر بزرگم به طرز ماهرانه ای، ذهن پدر بزرگ را در اختیار گرفته بود و مدام امید و شادی به او تزریق می کرد.

کارها سریع تر از آنچه فکر می کردیم، پیش رفت. دکترش اصرار داشت کسی غیر از مادر بزرگم کنارش بماند، اما پیرزن زیر بار نمی رفت. خوب پادم است، سه روز بعد از عمل، زمانی که باید پدر بزرگ را به بخش منتقل می کردیم، مادر بزرگم مثل یک دختر جوان، لباس گلی که به تن کرده بود و چارقدی سفید به سر داشت و قبل از همه ما منتظر بود تا به بیمارستان برویم. نگاهش کردم و خندیدم؛ واقعاً هم خنده دار بود. چشم های چروک سر مه کشیده و آن سر و لباس من را یاد عروسی های روستا می انداخت. پدر تا این وضعیت را دید، گفت: «ننه، می خوای بری عروسی؟» مادر بزرگم بی توجه سوار ماشین شد و بسا ذوق کودکانه ای گفت: «ننه، دارم می رم تولد، حاجی رو خدا دوباره به من داده.»

ته دلسم از این همه عشقی ذوق کردم و آرزویی در دلم ریشه گرفت که یعنی می شود من هم چنین عشقی را تجربه کنم؟ سوآلی هم مدام در ذهنم مرور می شد: پدر بزرگ هم قبل پدر بزرگم را دوست داشت؟

یک هفته ای گذشت و بعد از گذشتن شرایط سخت عمل و وخیم شدن حال پیرمرد، بالاخره نفس راحتی کشیدیم و پدر بزرگ توانست چند دقیقه ای راه برود و این پیشرفت بزرگی بود. مادر بزرگم در تمام این روزهای سخت کنارش ماند و حتی یک لحظه تنهایش نگذاشت.

صبح زود رفتم بیمارستان؛ کارهای ترخیص به عهده من بود. سری به اتاق شان زدم. مادر بزرگ سرش را روی تخت گذاشته بود و به حالت نشسته خوابش برده بود، اما از پدر بزرگم خبری نبود. یک آن ترس همه وجودم را فراگرفت. پیرمرد بعد از عمل توان راه رفتن نداشت، نکند اتفاق بدی افتاده بود؟

از اتاق بیرون دویدم. چیزی که می دیدم باور کردنی نبود. دو شاخه گل در دست پدر بزرگ بود. آرام آرام و نفس زنان به سمت اتاق می آمد. چشمانش از کمبود اکسیژن به اشک نشسته بود. کمکش کردم و او را به اتاق رساندم. پدر بزرگ اما کنار تخت تمام قد ایستاد و با صدای ضعیفی، مادر بزرگم را با اسم کوچک صدا کرد و گل ها را به او داد. من و یکی دو پرستار داشتیم بزرگترین تابلوی عشق و روزی را به ذهن می سپردیم.

زندگی با کرونا

ضرورت مقابله جدی و دقیق با کووید ۱۹

وجود دارد که سبب شده است این تغییر رویه نسبت به ویروس در میان مردم روی دهد.

اول اینکه در آن زمان دولت به دنبال کنترل کامل کشور بود و مردم هم به این باور رسیده بودند که این موضوع می تواند خطرناک باشد. از زمانی که دولت بازگشایی مراکز مختلف را شروع کرد، این ذهنیت برای مردم به وجود آمد که دیگر ویروس ریشه کن شده است که دولت اجازه چنین حضوری را به مردم می دهد.

دوم آنکه میزان تبلیغات رسانه های مختلف، به ویژه رسانه ملی، روندی کاهشی داشته است. شاید بهتر است گفته شود رویه صداوسیما نسبت به این ویروس کاملاً تغییر کرده است. در هفته های اول انتشار ویروس، هر بخش خبری و غیر خبری پیام هشدار به مردم می داد. هشنگ «در خانه بمانیم» هم به جزء لاینفک فضای مجازی تبدیل شده بود؛ اما حالا دیگر خبری از آن همه گزارش و برنامه نیست و مردم حس می کنند شرایط عادی شده است؛ البته این نکته به خوبی نشان می دهد تبلیغات بیش



حمیدرضا حیدری
روزنامه نگار

آن طور که آمارهای رسمی وزارت بهداشت می گویند، ویروس کرونا به این زودی خیال رفتن ندارد و روز به روز جایش را بیشتر در میان مردم باز می کند. متأسفانه، این بیماری ناشناخته هر روز بیش از صد نفر را در کشور به کام مرگ می کشاند؛ اما چندی است حضور این مهمان ناخوانده برای مردم عادی شده است و دیگر مانند آن روزهای ابتدایی، کسی خود را ملزم به رعایت پروتکل های بهداشتی نمی داند. همین اتفاق موجب شده است آمارها هر روز بالاتر بروند و رکوردی جدید را ثبت کنند. در ابتدای شیوع این ویروس منحوس، اکثر افراد نسبت به این ویروس حساس بودند و به خوبی موارد بهداشتی و قرنطینه را رعایت می کردند، اما حالا نسبت به آن بی تفاوت شده اند. چند دلیل عمده



از هر چیزی توانسته بود بر مردم تأثیر بگذارد و با کم شدن آن، درجه حساسیت مردم نیز کاهش پیدا کرده است.

سومین علت هم این است که مردم ایران در شرایط مختلف زود حوصله شان سر می رود و می خواهند شرایط تغییر کند؛ حال آنکه این ویروس بسیار ریز و البته خطرناک، زبان آدمیزاد را متوجه نمی شود که به او گفته شود مردم دیگر حوصله حضورت را ندارند. ریشه کن شدن ویروس در صورتی امکان پذیر است که تمام مردم ایران آن را جدی بگیرند. شاید دیگر نتوان سیاست در خانه بمانیم را برای مردم تجویز کرد؛ چرا که در خانه ماندن صرفاً معیشت و اقتصاد مردم را از وضعیت کنونی بدتر می کند؛ اما در این بساره باید دو نکته مهم و اساسی را اجرا کرد؛ اول اینکه از خروج بی جا از منزل پرهیز شود؛ یعنی باید مهمانی ها و دورهمی ها، تفریح، سفر و گشت و گذارهای معمول پیش از کرونا را تا مدتی ترک کرد؛ گرچه ترک این موارد می تواند بسیار سخت باشد، اما

قطعاً سخت تر از تحمل رنج بیماری برای خود و اطرافیان نیست. دومین نکته ای که باید به آن اهتمام ورزید، رعایت پروتکل های بهداشتی، به ویژه استفاده از ماسک است. گزارش های بهداشتی نشان می دهد استفاده عمومی از ماسک می تواند میزان شیوع ویروس را تا ۹۸ درصد کاهش دهد؛ خصوصاً در شرایطی که مردم ناگزیرند از وسایل نقلیه عمومی، مانند مترو و اتوبوس استفاده کنند، برای پیشگیری از ابتلا به بیماری کووید ۱۹، استفاده از ماسک امری اجتناب ناپذیر است.

هر چند وزارت بهداشت و به تبع آن رسانه ها به استفاده مداوم از ماسک توصیه می کنند، اما تجربه نشان داده است تا زمانی که این توصیه ها ضمانت اجرایی نداشته باشند، نمی توان روی شان حساب باز کرد؛ پس بهتر است دولت و ستاد ملی مبارزه با کرونا سازوکاری را در نظر بگیرند که مردم را ملزم به رعایت توصیه های بهداشتی کند. شاید بتوان امیدوار بود روزی برسد که دیگر کرونا وجود نداشته باشد.

نوجوانان و فضای ناامن

محبوبه ابراهیمی

فعال اجتماعی

نوع محدودیت، باید رابطه با نوجوان را تقویت و اعتماد او را جلب کرد و با دقت فراوان برای مدیریت رفتارهای او در این فضای ناامن.

تعمیرت باید با زبان دوستانه و با استفاده از تکنیک گفت و گو برای نوجوان مشخص شود. محدودیت زمانی، انواع سایت ها و فضاهایی که نوجوان اجازه حضور در آنها را دارد، محدودیت اطلاعات و عکس های شخصی و خانوادگی که می تواند در این فضا به اشتراک بگذارد و راه های مواجهه با مشکلات احتمالی در هنگام استفاده از اینترنت، از جمله مواردی هستند که باید در این قوانین به آنها توجه شود تا بستر مناسب و امنی را برای حضور نوجوانان در این فضا فراهم کند.

ارائه اطلاعات مناسب در زمینه اثرات روانی و مخرب برخی مطالب و محتویات نامناسب اینترنتی، راهکار مناسبی است که می تواند قدرت خودکنترلگری و پلیس درونی نوجوان را فعال کند و سپر ایمنی او در عبور از گذرگاه های پرخطر و آسیبزا باشد. این روش در کنار وضع قوانین ضروری، به مرور زمان، نیاز به نظارت مستقیم بر فعالیت های نوجوان را کاهش می دهد و به استقلال او در این فضا کمک خواهد کرد. اما تا رسیدن کامل به مرحله استقلال و خودکنترلگری، لازم است والدین با بصورتی، ظرافت و احتیاط در کنار فرزندان باشند و آنها را در میان انبوه ویروس های فضای مجازی تنها نگذارند.

راه رفته

در کنار هم اما مستقل

دلسوزانه باشد، ایجاد اختلاف را در پی دارد و زندگی مشترک را با خطر مواجه می کند؛ ۲- زوجین روابط خود را صمیمانه تر و مستحکم تر کنند و مسائل خود را بدون بازگو کردن حل کنند تا راه های دخالت بی جای دیگران در زندگی سد شود؛ ۳- در جمع های خانوادگی مشکلات تان را بررسی نکنید که نتیجه ای غیر از دخالت و سخت تر شدن تصمیم گیری های تان نخواهد داشت؛ ۴- کمتر در خانه بمانید و با همسر تان وقت بیشتری بگذرانید، همچنین در جاهایی که تنش و دخالت بالاست، حضور نداشته باشید؛ ۵- وقتی دیگران در امور شخصی شما و مسائل زندگی تان اظهار نظر و دخالت می کنند، مجوز کارشان را از واکنش هایی که شما به رفتارهای آنها داده اید، گرفته اند. رقابت نشان ندهید؛ ۶- اسرار و مشکلات زندگی تان را بیان نکنید؛ ۷- از بیسان برنامه ریزی های آینده خود صرف نظر کنید؛ این کار ممکن است این طور تفسیر شود که شما به دنبال مشورت گرفتن هستید؛ ۸- می توان گاهی از ابعاد دینی به اطرافیان نکاتی را متذکر شد که همان طور که در قرآن آمده است، جست و جویی در کار دیگران آثار بسیار منفی در زندگی فردی و اجتماعی دارد. ۹- پیشنهاد های اطرافیان را بشنوید و در مقابل سکوت کنید، اما اجرای آنها را به توافق و همفکری با همسر تان موکول کنید تا به مرور زمان آنها هم استقلال و توانمندی شما را برای مدیریت زندگی به رسمیت بشناسند.

مدیقه سادات شجاعی

مشاور خانواده



پرسش: با سلام، در مقابل دخالت های بی جا و کنکاش دیگران چطور باید رفتار کنیم؟ با رفتار خواهر یا برادرم که زندگی مستقل من و همسرم را مدام زیر نظر دارند یا در حال انتقاد یا نصیحت هستند، چه کنم؟

پاسخ: پرسشگر عزیز، یکی از بزرگ ترین مشکلات در زندگی دخالت اطرافیان و خانواده دو طرف است. شما شیوه مناسبی را برای آگاهی و کسب دانش لازم، برای ارتقای سطح ارتباطات خود انتخاب کرده اید و این ستودنی است. زندگی مشترک، یک رابطه دوطرفه است و تصمیم گیری بر عهده هر دو زوج است. اجازه دخالت به دیگران بسا ورود به حریم خصوصی امری اشتباه است. نبودن مرز بندی صحیح و به موقع از طرف زوجین موجب بروز دخالت ها می شود. یکی از مهارت های مهم در زندگی، مهارت حل مسئله و تصمیم گیری است. همین موضوع موجب می شود از دخالت دیگران کاسته شود. چند راهکار برای این بیس بردن کنکاش دیگران در زندگی و رفتار مناسب در قبال این حرکت در اینجا بیان می شود:

۱- با احترام و به طور غیر مستقیم، در مقابل کمک یا محبت اطرافیان طوری رفتار شود که آنان پی ببرند، ادامه دخالت های نابه جا حتی اگر

چراغ

کارگاه دین داری

نگاهی به دوره های تربیت دینی کودکان در گفت و گو با فاطمه شجاعی



حاج قاسم برگزار کنیم که این کار در یکی از مهد کودک های قم و با بودجه کاملاً شخصی و رایگان برای خانواده ها انجام شد. استقبال خوبی از این کارگاه شد و کودکان کارهای مختلفی، مثل بازی، کاردستی و هم خوانی شعر با مادران شان را انجام دادند که همگی با موضوع حاج قاسم بود. این فعال فرهنگی این طور روایت می کند که این کارگاه با توجه به سطح درک و فهم خردسالان بود: «بعد از باز خورد خوب این کارگاه، تصمیم گرفتیم ایده های خود را حفظ کنیم و با توجه به شیوع کرونا و اینکه بچه ها بیشتر در منزل هستند، به فکر تهیه بسته هایی افتادیم که محتواهای آنها انتقال تربیت دینی به طور غیر مستقیم است. قبل از ایام دهه کرامت، برنامه ریزی را انجام دادیم و با توجه به

«تردینک» مخفف تربیت دینی کودک است که با کمک و همراهی چند بانوی فعال فرهنگی، شروع به فعالیت کرده است. «فاطمه شجاعی» طلبه سطح دو جامعه الزهرا، مادری است که دغدغه کار فرهنگی و تربیت دینی بچه ها را دارد. او در بساره ایده این فعالیت می گوید: «من و چهار نفر از دوستانم که بچه هایی در رده سنی سه الی شش ساله داریم، به این نتیجه رسیدیم که محتواهایی را که می خواهیم به فرزندان خود یاد دهیم، به بچه های دیگر نیز آموزش دهیم. با همین تفکر و هم زمان با شهادت حاج قاسم، گروه مادرانه گوهر شاد را راه اندازی کردیم و تصمیم گرفتیم برای اینکه به کودکان روحیه قهرمانی را بشناسانیم، یک کارگاه مادر و کودک با عنوان بزرگداشت

خطر ناشران سطحی

در دنیای کتاب کودک و نوجوان



نسیم اسدیپور
دبیر گروه فرهنگ

در تقویم کشورمان، روز ۱۸ تیرماه با عنوان «روز ادبیات کودک و نوجوان» نام‌گذاری شده است تا بهانه‌ای باشد برای توجه بیشتر به ظرفیت‌ها و حساسیت‌های این عرصه و تمرکز بر نیازهای فکری فرزندان در عرصه داستان، رمان و شعر. تأکدهای همیشگی رهبر معظم انقلاب بر لزوم خلق آثار فاخر و متناسب با پیشینه فرهنگی ایران‌زمین در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، اهمیت و ظرفیت این موضوع را دوچندان می‌کند. این مناسبت فرهنگی و نیازهای امروز نسل کودک و نوجوان که از قضا با پدیده «فضای مجازی» و بازی‌های رایانه‌ای بیشتر از کتاب مأنوس هستند، بهانه‌ای شد تا با «نادر قدیانی» مدیر انتشارات قدیانی که یکی از قدیمی‌ترین ناشران حوزه کودک و نوجوان است، به گفت‌وگو بنشینیم.

آقای قدیانی، به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، دهه ۶۰ دوران شکوفایی ادبیات کودک و نوجوان بوده است؛ چه عاملی باعث شکوفایی این حوزه در آن دهه بوده است؟

در دهه ۶۰ و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، اهالی قلم، شعرا، نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و تصویرگرانی که خلاقیت داشتند و در دوران رژیم ستم‌شاهی نمی‌توانستند به آن معنا خود را نشان دهند، یکباره جهش فوق‌العاده‌ای کردند و در حوزه هنری و خیلی زمینه‌های دیگر شکوفا شدند و داستان‌ها و اشعار متنوع زیادی به قلم نویسندگان نسل جوان نوشته شد که جمع اینها به حدود ۳۰ نفر نمی‌رسید. این دوران و این شکوفایی موجب شد مجلات بسیاری از قبیل «کیهان بچه‌ها» که از قبل بود، رونق پیدا کنند و «سروش» و مجلات دیگری نیز شکل بگیرند. این موفقیت در شرایطی بود که ناشران متخصص در حوزه کودک و نوجوان در آن سال‌ها اندک بودند؛ برای نمونه در تیراژ کتاب‌ها، هیچ‌گاه هزار و دو هزار نسخه نداشتیم.

وقتی به سمت دهه ۷۰ رفتیم، حوزه ادبیات کودک و نوجوان نسبت به دهه ۶۰، حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد افت کرد، ولی از اواخر دهه ۷۰، به دلیل ورود دوباره نسل جوان به حوزه نشر، که اگر چه آن را به فال نیک می‌گیریم اما جنبه منفی آن را هم باید ببینیم، تعدادی از ناشران شکوفا شدند که امروز هم فعال هستند. به هر حال، غالب اینها چون با نیت اقتصادی و صرفاً مالی به این حوزه ورود کردند، موجب شدند بعضاً کتاب‌های سطحی و معمولی هم به مخاطب عرضه شود؛ برای نمونه برخی از خارج کتاب‌هایی می‌آوردند و ترجمه می‌کردند و این موجب شد کیوسک‌های مطبوعاتی و کتابفروشی‌های محلی که غالباً نوشت‌افزار فروش هم بودند، به دلیل درصد تخفیف بالا به این نوع کتاب‌ها رو بیاورند. این روند ادامه پیدا کرد و در دهه ۹۰ هم وجود دارد.

الآن به چند دلیل ناشران کودک و نوجوان تخصصی ما واقعاً توانسته‌اند شرایط دهه ۶۰ را تا حدی حفظ کنند؛ البته تعداد آنها شاید به تعداد انگشتان دودست نرسد که غالب اینها دولتی هستند و این حرکت سبب شده است نویسندگانی که در این حوزه‌ها در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ فعال بوده‌اند، با تألیف اندک و تیراژهای بسیار پایین که در این

سال‌ها وجود دارد، ناچار هستند به شغل‌های دوم و سوم هم روی بیاورند. الآن شرایط به گونه‌ای است که طبیعتاً تیراژ کتاب‌ها محدود است و چاپ زمان می‌برد و کمتر ناشری پیدا می‌شود که کتاب چاپ کند، حق‌التألیف‌ها هم بسیار اندک است و چرخ معاش زندگی برای آنها نمی‌چرخد. از طرفی، بخش خصوصی هم ضربه‌ای از بخش دولتی خورده است؛ چرا که بخش‌های دولتی معمولاً تخصصی نیستند و صرفاً به آمار توجه می‌کنند تا به مسئولان خود گزارش بدهند.

یکی از نقدهای من همیشه به دوستان در حوزه هنری این بود که وظیفه شما پژوهش و نوشتن از جانبازان و شیمیایی‌هایی است که آرام‌آرام هر ماه می‌شنویم پرپر می‌شوند؛ تاریخ و خاطرات اینها باید نوشته شود و اینها در نشر خصوصی ما آزاد شود؛ چون جامعه خصوصی نشر، خودش را مالک اثر می‌داند و این کتاب را حفظ می‌کند؛ ولی ناشران دولتی اثر را یک بار چاپ می‌کنند و آمار را به مسئولان گزارش می‌دهند و بعد کتاب خاک می‌خورد و به دست مردم نمی‌رسد؛ همان‌طور که در آستانه دهه ۶۰ حدود ۱۵ رمان درباره دفاع مقدس منتشر کردیم که الآن همه در چاپ‌های هفتم، هشتم و نهم است؛ ولی این نهادها عمومی و دولتی‌ها موجب شدند عملاً فعالان و مروجان این تپ کارها سراغ بخش خصوصی که در حوزه دفاع مقدس فعال هستند، روند و کم‌رنگ‌تر شوند.

الآن وضعیت حوزه ادبیات کودک و نوجوان چطور است؟

امروز وضعیت ادبیات کودک و نوجوان را از دو جهت می‌توان بررسی کرد؛ یک جنبه، هدف کتاب‌های جدی و اصیل در حوزه شعر، داستان، تصویرگری و ویرایش است؛ در این بخش نیروی انسانی به اندازه کافی داریم و قلم‌های هنرمند بسیاری وجود دارد. نسل جوانی که در دهه ۷۰ به دنیا آمدند و اصلاً در دهه ۶۰ نبودند، علاقه‌مند هستند، تحقیق و پژوهش داشته‌اند، گذشته را بررسی کرده‌اند و بسیار به‌روز هستند؛ ولی متأسفانه ناشران استخوان‌داری که بتوانند اینها را پرورش بدهند، بسیار اندک هستند و چاپ کتاب‌ها بسیار سخت است. یک سوی دیگر ماجرا، ناشران سطحی هستند که غالباً کتاب‌های خردسال و کودکی

اتفاقاً صاحب‌نظران از وضعیت ترجمه در حوزه کودک و نوجوان هم خیلی گلایه دارند که غالباً کتاب در وضعیتی که با سبک ایرانی و اسلامی ما سازگاری ندارد، به دست بچه‌ها می‌رسد؛ نظر شما چیست؟

اگر بچه‌ها را در حد خردسالان و کودکانی ببینیم که به سن بلوغ نرسیده‌اند، موضوع حساس‌تر می‌شود. ناشرانی که در این حوزه کار می‌کنند، باید دقیق بررسی کنند که بچه‌های ما در گروه خردسالی و کودکی به سمت و سوی نامناسبی هدایت نشوند؛ ولی وقتی به دوران نوجوانی به بالا می‌رسیم که غالباً بچه‌ها باهوش هستند، وضعیت کمی فرق می‌کند و ناشرانی که کتاب‌های این گروه را ترجمه می‌کنند، موضوع را دقیق بررسی می‌کنند. در این رابطه «شورای بررسی» فعال است؛ این شورا استانداردهایی دارد که در آن با یک تیم ۱۵ نفره هر هفته جلسه تشکیل می‌شود و تمام کتاب‌های ترجمه که خودمان برای رمان گروه نوجوان بالاتر انجام می‌دهیم، در آن کارشناسی می‌شود تا با فرهنگ ایرانی اسلامی متناسب داشته باشد و اگر مشکلی باشد، بازآفرینی می‌کنیم و جملات و واژه‌هایی را استفاده می‌کنیم که برای فرزندانمان بیگانه نباشد. غالباً هم انحرافی را در آن شاهد نیستیم؛ البته باید دقت شود محتوای ترجمه‌ای در حد گروه سنی خردسال و کودک باشد.



کتاب

دل‌م‌یه مهمون می‌خواد مجموعه شعر محبوبه صمصام‌شریعت



مجموعه شعر «دل‌م‌یه مهمون می‌خواد» سروده «محبوبه صمصام‌شریعت» از سوی انتشارات سروش منتشر شد. کتاب «دل‌م‌یه مهمون می‌خواد» ده شعر خردسال با موضوعات متفاوت برای کودکان گروه سنی «ب» است. این کتاب با تصویرگری «هاجر مرادی» به موضوعاتی مانند کمک به حیوانات، نقاشی کردن، کاشتن درخت و موضوعاتی دیگر اشاره دارد. یادآور می‌شود، صمصام‌شریعت حدود هفت سال است در زمینه شعر کودک فعالیت دارد و کتاب‌های شهر الفبا، لالایی گل‌ها، کوچولو در خانه... و... از جمله آثار او است.

موسیقی

شاه پناه هم بده جدیدترین اثر گروه انوار الهدی



«شاه پناه هم بده» جدیدترین اثر گروه مدیحه‌سرایی هم‌خوانی قرآن انوار الهدی؛ که طی سال‌های اخیر برای همه مناسبت‌های ملی، مذهبی و بین‌المللی تولید اثر داشته است و با برخی گروه‌های خارجی هم همکاری دارد. هم‌زمان با دهه کرامت و در آستانه میلاد باسعادت امام‌رضا(ع) رونمایی شد. اثر «شاه پناه هم بده» با شعری از «محمود حبیبی کسبی» آهنگ‌سازی «طوبجان آتابای نیازی» تنظیم «سیدمهدی احمدی» میکس و مسترینگ «حسن صفری» و با تهیه‌کنندگی «طاها چوگان‌باز» و همکاری «مؤسسه ماوا» تولید شده است.

تئاتر

ادای دین به سردار جایزه ویژه شهید سلیمانی



دبیر هفدهمین جشنواره سراسری تئاتر مقاومت، از اهدای جایزه ویژه شهید سلیمانی «حاج‌قاسم سلیمانی» در مراسم اختتامیه این جشنواره خبر داد. «حمید نیلی» مدیر عامل انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس گفت: «تصمیم داریم این جایزه را برای دوره‌های بعدی جشنواره تئاتر مقاومت نیز نهادینه و تثبیت کنیم و پس از این، در پایان هر دوره از جشنواره، این جایزه ویژه به یک اثر برگزیده تعلق گیرد تا به نوعی ادای دین، تعلق خاطر و هم‌بستگی جامعه متعهد و فرهیخته تئاتر کشور با این سردار آسمانی ابدی شود.»

یادداشت

جالی خالی سریال‌های ماندگار!



شاهرخ صالحی
روزنامه‌نگار

خبرها نشان می‌دهد که فقط دو سریال «سلمان فارسی» و «حضرت موسی(ع)» در زمره آثار رده الف یا همان فاخر صداوسیما در حال ساخت است و در شرایطی که شبکه‌های ماهواره‌ای با پخش مداوم سریال‌های چندصد قسمتی، تمام توجه بخشی از مردم را به خود جلب کرده‌اند، جای خالی سریال‌های فاخر و حداقل با کیفیت در تلویزیون ملی، بسیار به چشم می‌آید. سریال‌سازی به ویژه در حوزه آثار ماندگار، از اواخر دهه ۶۰ در سازمان صداوسیما آغاز شد؛ ساخت سریال در این سال‌ها، به رقیبی جدی برای سینما بدل شده بود و در شرایطی که آثار کیفی اندکی در سینما تولید می‌شدند، سریال‌های پرطرفدار در سینما کم نبودند؛ آثاری از جمله هزار داستان، روزی روزگاری، سربداران و امام علی(ع) که با کارگردانان چیره‌دست و چهره‌های خوب نمایشی به تصویر کشیده شدند و با استقبال خوب مردم هم مواجه شدند و طی دو دهه گذشته، هر کدام از این سریال‌ها به دفعات و کرات، روی آنتن شبکه‌های مختلف رسانه ملی رفته‌اند. اگرچه هزینه ساخت سریال‌های فاخر برای صداوسیما بسیار گران رقم می‌خورد، اما استقبال از این سریال‌ها و پخش تبلیغات طولانی قبل و حین پخش سریال‌ها، آورده‌های خوبی را هم برای صداوسیما دارد؛ برای نمونه نوروز امسال، پس از پخش پایتخت ۶ اخباری منتشر شد که در آن به محاسبه سود بسیار صداوسیما از تبلیغات بازرگانی ابتدا و میانه این سریال اشاره شده بود. با این وجود، به نظر می‌رسد ساخت این سریال‌ها هم به عنوان مأموریت سازمان در جذب مخاطب، هم به عنوان یک اثر فاخر و ماندگار، و هم به عنوان زمینه‌ای برای جلب آگهی‌های تلویزیونی برای صداوسیما توجیه‌فنی، فرهنگی و اقتصادی به همراه داشت و مدیرانش هم از آن استقبال می‌کردند. حالا چند سالی است که نبود بودجه، تمایل نداشتن صداوسیما به همکاری با برخی چهره‌ها و نیز بی‌رغبتی تهیه‌کنندگان نسبت به تولید آثار گران‌قیمت، موجب شده است روند تولید سریال‌های فاخر برای صداوسیما هم متوقف شود. نکته مهمی که در این میان قابل اشاره است، موضوع سریال‌های تاریخی معاصر است که در برخی موارد، هزینه تولید آنچنانی هم نداشته‌اند، اما با استقبال خوب مردم مواجه شده‌اند؛ سریال‌هایی که با محوریت شخصیت‌هایی مثل دکتر قریب، ابن‌سینا، ملاصدرا، شیخ بهایی و امثالهم در سال‌های قبل تولید شد، اگر چه به لحاظ کیفیت پایین‌تر از سریال‌هایی مثل مختارنامه یا کیف انگلیسی بودند، اما بدون شک، به نسبت هزینه تولید، هم از موضوع مناسبی برخوردار بودند و هم آثار قابل قبولی شمرده می‌شدند؛ چیزی که مدتهاست جایی در سینما ندارد؛ در واقع دیگر نه از آن سریال‌های پرزرق‌وبرق خبری هست و نه از این آثار قابل قبول. نگاه تجاری به سریال و انتظار برای جذب سرمایه‌گذار، فرصت اندکی را برای ساخت سریال‌های خوب پدید می‌آورد و همین مسئله در بلندمدت، هم موجب رشد روزافزون سریال‌های سطحی و بی‌محتوای شبکه نمایش خانگی می‌شود و هم جای سریال‌های ماهواره‌ای را بیش از پیش در خانه‌های مردم باز می‌کند.



سردار سلامی: راهی جز قوی شدن نداریم. ما در شرایط تحریم و مشکلاتی که دشمنان برای ما ایجاد کردند، استیکار جهانی به سرکردگی آمریکا را شکست دادیم؛ امروز که آنان دچار مشکلات اساسی هستند، می‌توانیم آنها را با شکست‌های سریالی بیشتری مواجه کنیم.



محمدجواد ظریف: دستور کار شورای امنیت: اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت. راه‌حل ایران: حاکمیت قانون، چندجانبه‌گرایی، پاسخ‌گویی. فشارهای آمریکا چه از طریق طرح اتهامات یا جنگ و چه تحریم با ترور، از جمله ترور بزدلانه قهرمان ضدتروریسم منطقه ما، سردار «قاسم سلیمانی» نتوانسته است ایرانیان را به زانو درآورد.



عباسعلی کدخدایی: برخی، انتخابات ریاست جمهوری را خیلی زود شروع کرده‌اند و هر از گاهی با اخبار خودساخته، ملاقات‌های فرضی افراد را با شورای نگهبان مطرح می‌کنند. شورای نگهبان تاکنون هیچ ملاقات رسمی و غیر رسمی با داوطلبان احتمالی نداشته و به این زودی‌ها نیز نخواهد داشت.



سیدامیرحسین قاضی‌زاده: رفتار موسوی خوینینی‌ها و هم‌فکرانش در عرصه سیاست و در مناصب کلیدی از ابتدای انقلاب، از اقدامات‌شان در تسخیر لانه جاسوسی گرفته تا حمایت از مذاکره با آمریکا، بسترسازی آشوب ۱۸ تیر، حمایت‌شان از فتنه ۸۸ و... نشانگر تناقضات عمیق فکری و عملی آنهاست؛ حال چطور مدعی پیروی از خط امام(ره) هستند؟

نرم افزار

آموزش نقاشی



هاشور اپلیکیشن آموزش نقاشی است که کودکان با آن می‌توانند به راحتی نقاشی کردن را فرا بگیرند. دروس موجود در این اپلیکیشن روش نقاشی هر سوره را به همراه صدای گوینده توضیح می‌دهد و با این روش، یادگیری و سپردن در ذهن را برای کودک آسان می‌کند. درس‌های نقاشی این اپلیکیشن در سطوح ساده، متوسط، پیشرفته و حرفه‌ای است که می‌تواند یادگیری را برای علاقه‌مندان تسهیل و جذاب کند.

نگاهی به پشت پرده کشف حجاب مدل‌های تبلیغ‌کننده حجاب در فضای مجازی

سکولاریزاسیون آنلادین!

به عمل آمده از فرایند فعالیت مدل‌های کشف حجاب کرده، مشخص شد این افراد در ابتدای ظهور و بروز خود در شبکه‌های اجتماعی در راستای جلب اعتماد مخاطبان مکرراً از ادبیات و رفتارهای اسلامی مانند ذکر گفتن و دعا کردن استفاده می‌کرده‌اند و این گونه اعتماد مخاطبان را به خود جلب کرده و در نهایت پس از مدتی فعالیت به عنوان مدل حجاب، کشف حجاب کرده و سبک زندگی بدون حجاب را تبلیغ می‌کرده‌اند.

درواقع، این گزارش و گزارش‌های تحقیقی مشابه آن حکایت از ایسن واقعیت دارند که بخش قابل توجهی از مدل‌ها و اینفلوئنسرهای حجاب خواسته یا ناخواسته در چارچوب پروژه سکولاریزاسیون سبک زندگی و حجاب دختران و زنان کشورهای اسلامی فعالیت می‌کنند، از این رو در این رابطه ضروری است علاوه بر هشداری و آگاهی‌بخشی به کاربران فضای مجازی کشورمان به ویژه زنان، دختران و اقشار دلبسته و پاینده به ارزش‌ها، نهادهای قضایی و فرهنگی نیز نظارت‌های محسوس و نامحسوس خود را بر فعالان این حوزه افزایش دهند و مانع از تکرار پروژه کشف حجاب این دست فعالان، در کشورمان شوند.

یک میلیون نفر دنبال‌کننده دارند. هفته گذشته در گزارشی که بنیاد اسلامی «کلمه» مستقر در استرالیا با عنوان «حقیقت تاریک درباره اینفلوئنسرهای سابق حجاب» منتشر کرد، این پدیده را بررسی کرد و پس از آن سوابق مدل‌های کشف حجاب‌کننده مشخص شد که این افراد و جریان‌های پشت پرده، در واقع با بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و قابلیت الگوسازی این شبکه‌ها برای توده‌های مردم و برجسته‌سازی آنها و همچنین با خلق اینفلوئنسرهای مبلغ حجاب، تلاش کرده‌اند بر ناخودآگاه کاربران مسلمان و محجبه اثر بگذارند و در یک فرایند آرام، اعتقادات آنها نسبت به حجاب را دگرگون و تخریب کنند.

بر اساس این گزارش، مدل‌های فشن حجاب در گام نخست، سطح و اهمیت رعایت حجاب اسلامی به عنوان یک اصل و ارزش دینی را در حد یک سبک عادی از پوشش زنانه پایین آورده‌اند و نسبت به آن حساسیت‌زدایی می‌کنند تا زمینه عبور از حجاب به سبک‌های پوششی دیگر را فراهم می‌آورند.

نکته جالب توجه اینکه در بررسی‌های

شال و روسری اقدام می‌کنند، برخی دیگر نیز با ارائه آموزش‌هایی مانند آموزش بستن روسری در مدل‌های مختلف توانسته‌اند حجم بالایی از مخاطبان را به خود جلب کنند.

در نگاه اول، این دست افراد و صفحات مجازی آنها موجب افزایش گرایش دختران جوان به حجاب اسلامی می‌شوند و به آنها نشان می‌دهند با پوشش اسلامی هم می‌توان شیک و به روز بود و در اینستاگرام جلب توجه کرد. که البته تبلیغ این نگاه نیز در جایگاه خود نیاز به بررسی و تأمل ویژه دارد. اما در نگاه دوم، نمی‌توان خوش‌بینانه به این دست فعالیت‌ها نگریست، به ویژه به این دلیل که پدیده Hijab Fashion Models محدود به فضای مجازی ایران نیست و با قدرت در دیگر کشورهای اسلامی هم دنبال می‌شود و جالب آنکه اکثر سرشاخه‌ها و مدل‌های مطرح این حوزه دارای ارتباطات قابل توجهی در اروپا و به ویژه فرانسه و انگلیس هستند و با برندهای پوشاک این کشورها تعامل دارند.

اما آنچه بیش از همه بر اهمیت این موضوع افزوده است، شروع فرایند کشف حجاب تعدادی از مدل‌های معروف حجاب غیرایرانی در فضای مجازی است که بیشتر آنها بیش از

نوید کمالی

دبیر گروه رسانه



هرساله با شروع فصل تابستان، سبک پوشش جامعه تغییر می‌کند و افراد برای فرار از گرما از البسه تابستانی استفاده می‌کنند و به تبع این تغییر رفتار، کانال‌ها و صفحات مجازی به ویژه در اینستاگرام نیز بیش از پیش فعال می‌شوند و پوشاک و مد‌های تابستانی را تبلیغ می‌کنند. البته اگر جمله فوق ایسن تصور را به ذهن شما متبادر کرده است که اغلب این صفحات، پوشاک نامأنوس با فرهنگ اسلامی و ایرانی را تبلیغ می‌کنند، این برداشت درست و دقیق نیست، زیرا اگر با حساب کاربری یک شهروند معمولی و علاقه‌مند به ارزش‌های اسلامی وارد اینستاگرام شوید، با تعداد زیادی از حساب‌هایی روبه‌رو خواهید شد که پوشاک اسلامی روبه‌رو خواهید شد.

زنان و دخترانی که رسماً خود را مدل حجاب معرفی می‌کنند، با انتشار تصاویر خود در ژست‌های مختلف نسبت به تبلیغ حتی فروش محصولات مختلفی از جمله چادر،

پژواک

پیکسل بیشتر؟

محمد صالح نادری

کارشناس فناوری اطلاعات



کند شود و در نهایت تصاویر ثبت شده بی کیفیت شوند و از حداکثر توان دوربین استفاده نشود. شاید تجربه کرده باشید که وقتی دوربین ۲۰ مگاپیکسلی خود را با دوربین ۱۲ مگاپیکسلی دیگران مقایسه کرده‌اید، در نهایت متوجه شده‌اید که آن دوربین ۱۲ مگاپیکسلی از کیفیت بیشتری برخوردار است؛ تجربه‌ای که در مقایسه با دوربین‌های شرکت آیفون بسیار اتفاق می‌افتد؛ این شرکت در محصولات خود، تمرکز را بر کیفیت سنسور و موارد جانبی گذاشته است به جای اینکه سبک‌سازی عکس را بزرگ‌تر کند؛ همچنین سخت‌افزار مناسب، پردازش تصویر بهتری را ایجاد می‌کند. نکته‌ای دیگر که باید به آن توجه کنیم، این است که عکس‌هایی که با دوربین ۱۰۰ مگاپیکسلی گرفته می‌شوند، میانگین ۳۰ مگابایت حجم دارند و فضای زیادی را اشغال می‌کنند، در حالی که دوربین‌های ۱۲ مگاپیکسلی عکس‌ها را با میانگین ۶ مگابایت ذخیره می‌کنند. با توجه به موارد گفته شده، باید در هنگام خرید توجه کنیم که نیاز ما چیست و از این به بعد به نوع سنسورهای دوربین توجه کنیم.

محمدصادق برهانی

کارشناس رایانه



استفاده از مودم بی‌سیم موجب می‌شود شما به راحتی در هر جای منزل یا محل کار خود امکان اتصال به اینترنت را داشته باشید؛ البته مشکل اینجاست که افراد سودجو یا همان هکرها در صورت بی‌دقتی شما، امکان اتصال به مودم بی‌سیم و استفاده از بسته اینترنتی شما را خواهند داشت؛ زیرا ابزار زیادی برای کشف رمز مودم‌های بی‌سیم وجود دارد و در صورت بی‌توجهی به نکات امنیتی، قطعاً افراد سودجو قادر به اتصال به شبکه شما خواهند بود که تبعات این نوع دسترسی‌ها بعضاً جبران‌ناپذیر است؛ از این رو همواره به کاربران توصیه می‌شود برای جلوگیری از دسترسی‌های غیر مجاز به شبکه اینترنت بی‌سیم خود، به هیچ وجه از رمزهای ساده و قابل حدس زدن استفاده نکنند و به صورت متناوب رمز اتصال به شبکه خود را تغییر دهند. برای این کار کافی است از طریق رایانه یا

ترفندستان

تغییر رمز وای‌فای

تلفن همراه هوشمند متصل به شبکه وای‌فای خود، وارد آدرس اینترنتی ۱۹۲/۱۶۸/۱/۱ شوید و پس از وارد کردن نام کاربری و رمز عبور که معمولاً عبارت admin است. به صفحه مدیریت تنظیمات مودم بی‌سیم خود وارد شوید. حال بخش و صفحه پیکربندی بی‌سیم (Wireless) را پیدا کنید. توجه داشته باشید که نام این بخش ممکن است در مدل‌های مختلف، متفاوت باشد؛ اما به طور کلی باید به دنبال بخشی با عنوان Wireless یا Wireless Settings/Setup باشید. در صورتی که بخش Wireless دارای چندین زیربخش است، صفحه امنیت بی‌سیم را باز کنید. هم‌اکنون برای تغییر رمز وای‌فای، باید دنبال یک کادر با عنوان Password ، Passphrase یا Shared Key باشید. در ادامه می‌توانید رمز عبور خود را در این کادر وارد کنید. سعی کنید یک رمز عبور بلند و قوی ایجاد کنید که حس زدن آن، غیر ممکن یا دشوار باشد؛ البته بهترین راهکار برای انتخاب رمز مناسب استفاده از اعداد، نمادها و حروف بزرگ و کوچک است.

مجازستان

درمان سخت!

همچنین از صحبت با دیگران درباره یک تجربه خاص امتناع می‌کنند، حتی امکان فرار از افراد و گوشه‌گیری نیز وجود دارد.

ایسن تحقیق به چاپ رسیده در مجله «Archives of Disease in Childhood» و در آن پژوهشگران پرسش‌نامه‌ای را در اختیار ۲۲۱۸ دانش‌آموز ۱۱ تا ۱۹ ساله قرار داده‌اند. در این پرسش‌نامه سؤالاتی مانند نوع آزار سایبری، تعداد دفعاتی که با این موضوع مواجه شده‌اند و همچنین مدت زمان آن وجود داشته است.

این تحقیق نشان می‌دهد قلدری و آزار دادن دیگران در دنیای واقعی نیز رواج بالایی دارد؛ به گونه‌ای که ۱۶ درصد مشارکت‌کنندگان اعلام کرده‌اند در گذشته دیگران را آزار داده‌اند، ۱۲ درصد به ادامه چنین رفتاری اعتراف کرده‌اند و ۶/۵ درصد نیز خبر از این داده‌اند که در گذشته قربانی بوده‌اند یا برای دیگران دردسر ایجاد کرده‌اند.

فضای مجازی هر چند موابه و فرصت‌های فراوانی را برای جامعه بشری به همراه آورده است، اما حجم بالای معضلات ناشی از این فضای ارتباطی مبهم و پیچیده را نمی‌توان انکار کرد و نادیده گرفت؛ به ویژه مسائل روان‌شناختی که در مان و جبران آسیب‌های ناشی از آن اغلب به راحتی ممکن نیست و قربانیان گرفتار این دست آسیب‌ها بعضاً برای سال‌ها محکوم به تحمل آثار سوء این آسیب‌ها هستند.

برای نمونه «آزار سایبری» یکی از خطرات و تهدیدات مهم فضای مجازی است؛ زیرا بر اساس تحقیقات جدید دانشمندان، این تهدید می‌تواند موجب ایجاد اختلال اضطراب پس از سانحه (PTSD) در افراد قربانی شود که سطح آن برای یک‌سوم از قربانیان، مشابه حملات تروریستی است. بر اساس گزارش اخیر نشریه «دیلی میل»، قربانیان آزار سایبری با افکار مزاحم و تکراری مواجه می‌شوند،

استارت‌آپ

آنلادین برای کودکان

امروزه تمام خانواده‌ها از بنیه اقتصادی یکسان و مناسبی برای تأمین نیازمندی‌های تربیتی و آموزشی فرزندان خود برخوردار نیستند، آن هم در شرایط فعلی اقتصاد کشور که اکثریت جامعه با چالش‌های اقتصادی کوچک و بزرگ روبه‌رو هستند و دسترسی خانواده‌ها به خدمات گران‌قیمت و پرهزینه آموزشی و تربیتی خواهی نخواهی محدود شده است. در این شرایط بیش از هر زمانی خانواده‌ها نیازمند دسترسی به محصولات هستند که امکان استفاده آنها از خدمات باکیفیت و قیمت مناسب را فراهم کند. خوشبختانه، این نیاز را استارت‌آپ «نینوپلا» که با همت چند دختر جوان ایرانی علاقه‌مند به حوزه کارآفرینی ایجاد شده، تا حدود زیادی رفع کرده است. استارت‌آپ «نینوپلا» یکی از موفق‌ترین استارت‌آپ‌های حوزه کودکان کشورمان است.

و سابقه شروع فعالیت آن به سال ۱۳۹۴ باز می‌گردد؛ در آن زمان فعالیت این استارت‌آپ بر حوزه ثبت و اطلاع‌رسانی رویدادهای ویژه کودکان متمرکز بود که با توجه به بکر بودن این حوزه، این استارت‌آپ در سال ۱۳۹۶ یکی از ۱۰ تیم برتر حوزه کارآفرینی در نظر گرفته شد. هم‌اکنون نیز تیم این استارت‌آپ ایرانی ضمن همکاری با مجموعه‌های مختلف کودک و نوجوان در نقاط مختلف تهران و کرج، تلاش خود را به هر چه بهتر کردن خدمات قابل ارائه در حوزه تعلیم، تربیت، رشد و بالا بردن سطح کیفی زندگی کودکان ایرانی معطوف کرده است؛ از این رو می‌توان این گونه نتیجه گرفت که نینوپلا با مهیا کردن بستر فروش آنلادین خدمات تربیتی و آموزشی ویژه کودکان، راه را برای انتخاب و تصمیم‌گیری والدین در جامعه پر مشغله امروز فراهم آورده است.



پاسداران معلمان قرآن می‌شوند

حسن ابراهیمی

خبرنگار

لطفا درباره اهمیت و ضرورت این طرح توضیح بفرمایید.

تردیدی نیست که جان مایه اصلی صحیح‌خوانی قرآن، ممارست و تمرین مستمر است و مهارت در این مرحله دروازه راه ورود به درک معانی و مفاهیم ژرف و معارف عمیق قرآنی است؛ از سوی دیگر، بسیاری از پاسداران برای کسب مهارت‌های معلمی رغبت و تمایل دارند و فرصت انس و تعلیم این کتاب آسمانی را زمینه ارتقا و تعمیق معنویت در سپاه می‌دانند؛ تا آنجا که در این مسیر می‌توانند به یکدیگر کمک کنند و در زمانی محدود، با کار جهادی، افتخاری بزرگ در حوزه مهارت‌افزایی روان‌خوانی قرآن کریم برای تمام پاسداران رقم بزنند.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی در صدد است از ظرفیت تمام مربیان قرآن و کارکنان توانمند بهره بگیرد و روش‌های مناسب، راه‌کارها و شیوه‌های جدید را به منظور هرچه توانمندتر کردن کارکنان در قرائت قرآن کریم به کار بندد؛ از این رو در قالب طرح «نهضت مهارت‌افزایی روان‌خوانی قرآن کریم» به دنبال تحقق این منظور هستیم.

به صورت خلاصه بفرمایید چه اهدافی در این زمینه دنبال می‌شوند؟

زمینه‌سازی برای ایجاد فضای قرآنی و انس و تمسک بیشتر کارکنان با اصول، مبانی و قواعد قرآنی در زندگی؛ مهارت‌افزایی و توانمند کردن هرچه بیشتر کارکنان در قرائت قرآن کریم؛ بسترسازی برای ایجاد توانایی در ترجمه، درک مفاهیم و تدبر در قرآن؛ تلاش مستمر کارکنان برای ارتقای مهارت‌های معلمی قرآن کریم.

لطفا درباره این طرح بیشتر توضیح دهید.

ما انتظاراتی از طرح داریم؛ برای نمونه توانایی قرآنی پاسداران در حوزه روان‌خوانی و تجویذ



مقدماتی قرآن کریم ارزیابی و راه‌کارهای لازم برای رفع کاستی‌ها استخراج شود. همچنین فراگیران مستعد، توانایی معلمی روان‌خوانی قرآن کریم در سطح سپاه، بسیج، اعضای خانواده و دیگر سطوح را پیدا کنند. با تداوم طرح در قالب نظام جامع آموزش قرآن کریم، پاسداران برنامه‌های انس با قرآن را عملی کنند و همواره برای ارتقای توانمندی قرآنی خود تلاشی مستمر داشته باشند و در نهایت همان‌طور که در ابتدا گفتم، زمینه‌های تدبر در آیات الهی، انس و عمل به قرآن کریم فراهم شود.

شرایط خاص بهداشتی ناشی از شیوع ویروس کرونا در نحوه اجرای این طرح مؤثر است؟

چون بحث قرآن است، فقط بخش عقیدتی متولی این بحث نخواهد بود و همه باید در اجرای آن

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگان ولی فقیه در سپاه، در راستای تحقق منویات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و تدابیر سردار فرمانده کل سپاه و ولی فقیه در سپاه، برای سه‌ماهه دوم امسال طرحی را با عنوان «نهضت مهارت‌افزایی روان‌خوانی قرآن کریم» در دست اجرا دارد که یکی از محورهای مهم فعالیت‌های آموزشی قرآنی در این مقطع از سال است. به همین بهانه گفت‌وگویی داشتیم با «مجید غلامرضا» معاون تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل این گفت‌وگوست.

جدداً از شیوه‌نامه‌ها و ابلاغیات، توصیه‌ای هم برای اجرای این طرح دارید؟

بله، نکته اساسی درباره روان‌خوانی قرآن کریم تکرار و تمرین است؛ یعنی قرائت مداوم و روزانه قرآن از سوی فراگیران که بر این اساس به نظر باید مربیان و مسئولان، جدا از این دوروز، برای تکرار و تمرین عزیزان هم وقت اختصاص بدهند. ما آموزش را در این دوره به صورت دوسویه پیش‌بینی کرده‌ایم تا میزان یادگیری و مشارکت فراگیران در بحث بیشتر شود.

به نظر من اگر مربیان عزیز علاوه بر موضوع اصلی درس، پیش از آغاز تدریس با یک حدیث اخلاقی کارشان را در هر جلسه شروع کنند، بسیار مفید خواهد بود؛ البته می‌توان بحث احکام‌خوانی را هم در جلسات، در حد پنج دقیقه گنجاند تا احکام شرعی هم مرور شود.

محتوای تدریسی برای مربیان و استادان و همچنین محتوای لازم برای اجرای این پیشنهادهایی که ارائه فرمودید، تهیه شده است؟ و اگر تهیه شده است به چه شکل در اختیار این عزیزان قرار می‌گیرد؟

محتوا و فیلم‌های آموزشی جلسات با مشارکت مرکز تدوین متون درسی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور، تهیه شده است و مربیان و کارکنانی که دارای رایانه منفرد سازمانی مرتبط با شبکه داخلی سپاه هستند یا در منزل به اینترنت و گوشی تلفن همراه هوشمند دسترسی دارند، می‌توانند از همان بسترهای آموزش مجازی که ذکر کردم، محتوا را دریافت کنند. مابقی کارکنان غیرستادی که رایانه منفرد سازمانی ندارند، محتوا را از طریق سایر بسترها، مانند کتاب، جزوه و... در اختیار خواهند داشت. محتوا در قالب فیلم، جزوه و کتاب آموزشی خواهد بود.

سهمیم باشیم. در بحث ابلاغیه‌ها و آیین‌نامه‌ها دو روش برای اجرای طرح پیش‌بینی شده است؛ در رده‌هایی که از نظر شیوع ویروس کرونا با وضعیت سفید یا زرد مواجه هستند، طرح با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به شیوه حضوری و در قالب گروه‌های کوچک، مانند کلاس‌های قرآنی ذکر مبارک، صادقین و... اجرا می‌شود و در رده‌های با وضعیت قرمز، به شیوه مجازی و بدون هرگونه تجمع از طریق برخی بسترهای مجازی برگزار خواهد شد؛ تارنمای سراج اندیشه، تارنمای پاسدار و کانال سراج اندیشه در پیام‌رسان‌های سروش و اپتاستر مجازی اجرای این طرح خواهند بود.

جلسات این طرح در سه‌ماهه دوم سال ۱۳۹۹، برابر روزشمار ابلاغی در روزهای شنبه و دوشنبه از ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ برگزار خواهند شد.

مرکز اسنادی بی‌نظیر جهانی

سردار سرلشکر «سیدحیی صفوی» رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس سپهبد شهید «حاج قاسم سلیمانی» به همراه جمعی از اعضای این پژوهشگاه از مخزن اسناد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بازدید کردند. سردار صفوی با اشاره به این مرکز بدیلهی در جهان ندارد، اظهار داشت: «این مرکز با اسناد و مدارک بی‌نظیری که از دوران دفاع مقدس در دست دارد، نه فقط در ایران، بلکه در جهان نظیر ندارد. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بزرگ‌ترین پشتوانه علمی و تحقیقاتی برای پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است.»



آبرسانی به شیراز

به همت قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)؛ فاز نخست خط دوم آبرسانی به شهر شیراز افتتاح شد. دکتر «سعید محمد» فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) درباره این پروژه گفت: «طرح آبرسانی به شیراز شامل یک تلمبه‌خانه با ظرفیت سه مترمکعب بر ثانیه و فشار ۲۵ بار است که آب مورد نیاز شهر شیراز را از سد دودزن منتقل و تأمین می‌کند.» وی افزود: «سه مخزن بتنی ۲۰ هزار مترمکعبی، یک رشته تونل به طول چهار هزار و ۴۲۱ متر و ۷۷ کیلومتر خط انتقال بخش‌های این پروژه است که به همت قرارگاه و با همکاری وزارت نیرو اجرا شده است.»



تجلی توحید ربوبی

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی، گفت: «امروز دشمن به این جمع‌بندی رسیده است که استقامت ملت ایران را بشکند و از مهم‌ترین راه‌های این کار، القای شبهه و متزلزل کردن مبانی اعتقادی است.» نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از خدام بارگاه رضوی که حامل پرچم متبرک آستان قدس رضوی بودند، اظهار کرد: «در سپاه این باور و عقیده وجود دارد که ولایت، تجلی یافته توحید ربوبیت است؛ چون حقیقت توحید جز در قالب ولایت، شکل نمی‌گیرد و در این بین حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در سلسله ولایت جایگاه خاصی دارد.»



پس از پیگیری صبح صادق لباس ورزشی کارمندان توزیع شد

پاسخ به شبهات مطرح‌شده در فضای مجازی اختصاص بدیده، با تشکر ۰۹۱۸۰۰۴۴۸۶/ من بسیجی کد ۸۹ عملیاتی هستیم و در منطقه عملیاتی دور از خانواده‌ام خدمت می‌کنم؛ با این تورم و گرانی مستأجر هستم، خونه و ماشین ندارم، حقوقم خیلی ضعیف هستش، لطفاً فکری یا چاره‌ای برای بسیجیان عملیاتی کد ۸۹ بکنید، به سردار سلیمانی قسم حرکتی بکنید. ۰۹۱۸۰۰۱۶۸۵/ بانک انصار که برای خود سپاه است، برای صدور گواهی کسر از حقوق که در همه سازمان‌ها رایگان است، ۲۰ هزار تومان وجه مطالبه می‌کند! ۰۹۱۹۰۰۶۱۴۰/ نوجوان بختیاری که درباره سردار سلیمانی اجرای بسیار خوبی داشت و گفت قهرمانش سردار سلیمانی است، قبل از اجرای برنامه گفت مادرش مریض است و آرزویش تأمین هزینه درمان مادرش است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود سپاه عزیز آرزوی این نوجوان را محقق کند. ۰۹۹۰۰۰۴۰۹۹/ چرا کدهای ۸۹ نمی‌توانند در این وضعیت مشکلات اقتصادی، از گواهی کسر از حقوق بانک انصار، استفاده کنند.

برای دریافت وام ازدواج فرزندان مانده‌ایم. ۰۹۱۵۰۰۳۲۱۱/ لطفاً مسئولان، حقوق کارکنان را با هم‌ردیف همان کارکنان در اداراتی مانند آموزش و پرورش مقایسه کنند تا متوجه مظلومیت پاسداران بشوند. ۰۹۱۷۰۰۱۴۹۵/ با تشکر از انعکاس پیام‌ها و مشکلات پاپوران از سوی عوامل محترم مجله وزین صبح صادق، بالاخره با پیگیری‌های شما، سهمیه لباس ورزشی کارمندان توزیع شد. ۰۹۱۸۰۰۵۴۱۳/ آگه بشه قسمتی هم با عنوان

با توجه به نارضایتی امام خامنه‌ای از به کار بردن واژگان فرنگی، گویا سپاه باید در این زمینه هم پیشرو باشد. نمونه‌ها فراوان هستند که معادل فارسی هم دارند مانند نماهنگ، خودروشویی، پرده‌نگار. «رحیمیان» ۰۹۱۲۰۰۲۶۳۲/ چرا کسی پیگیر سهام بانک انصار نیست، به کجا مراجعه کنیم؟ ۰۹۱۳۰۰۵۹۲۶/ بانک انصار بابت کرونا سه قسط از کد ضمانت را بدون هماهنگی از فیش حقوقی حذف کرده و حالا همه را تأخیر زده و با جرمه از ما پس گرفته و موجب شده است بدھکار بشیم. «یوسف‌پور از اصفهان» ۰۹۱۴۰۰۰۸۱۱/ لطفاً مشکل تعلق نگرفتن گواهی کسر از حقوق کدهای ۸۹ را پیگیری کنید؛

ارتباط با سردار صفری مشاور امور ایثارگران فرمانده کل سپاه ۳۵۲۳۲۴۲۲-۳۵۳۳۴۵۰۶

یادداشت

اطفای حریق و الگوی بی‌نظیر



علیرضا جلالیان
دبیر گروه سپاه

موضوع آتش‌سوزی اراضی ملی، جنگل‌ها و فضای سبز کشور جدا از اینکه منشأ آن طبیعی و به دلیل رویش گیاهان در سایه بارش‌های خوب امسال است یا عوامل دیگر در آن دخیل هستند، می‌تواند میدانی جدید پیش روی بسیج باز کند و این نهاد در موضوع اطفای حریق هم وارد شود تا بسیج به عنوان مردمی‌ترین تشکل کشور، مأموریت اطفای حریق جنگل‌ها را در کنار سایر نیروهای دولتی و موظف انجام دهد.

برای این منظور، البته به تجهیزات اولیه اطفای نیاز است؛ به این معنا که گردان‌های مختلف بسیج در مناطقی که مستعد پوشش گیاهی قابل اشتعال هستند، ضمن تجهیز به امکانات اطفای حریق اولیه، آموزش‌های لازم برای اطفای و نیز شناسایی مناطق، راه‌های دسترسی، بهترین شیوه اطفای در هر منطقه و امکانات طبیعی و دست‌ساز بومی در مناطق برای اطفای را در اختیار داشته باشند و تحت مدیریت قرارگاه واحدی متشکل از نیروهای جنگل‌بانی و منابع طبیعی، هلال احمر، آتش‌نشانی و سایر نیروهای مسلح منطقه اقدام به مأموریت اطفای کنند.

به نظر می‌رسد در بعد تخصیص بودجه و نیز تجهیز برای این منظور، در دولت و قوه مقننه مقداری کم‌کاری صورت گرفته باشد که در این میان، راهکار مذکور با توجه به اینکه با استفاده از خود مردم برای این مأموریت خواهد بود و بسیاری از تجهیزات مربوطه در گردان‌های بسیج می‌تواند استفاده چندگانه داشته باشد، نوعی میان‌بر، چاره‌اندیشی و گام بلند و بی‌نظیری در راستای سازمان‌دهی نیروهای مردمی برای اطفای حریق‌های بزرگ در مناطق جنگلی و دارای پوشش گیاهی باشد، آن هم در شرایطی که کشورهای مدعی در حوزه صنعت، با اختصاص بودجه‌های کلان برای این موضوع، هنوز نتوانسته‌اند هنگام آتش‌سوزی‌ها عملکرد موفق‌تری را به نمایش بگذارند.

با مردمی کردن این امر در جمهوری اسلامی، بار دیگر الگوی موفقیت به‌کارگیری مردم در زمینه‌های گوناگون و مردمی کردن امور همچون ماجرای مقابله با ویروس کرونا، امداد سیل و زلزله‌زدگان و... یک الگوی برتر و موفق جهانی خواهد شد؛ چراکه جمهوری اسلامی به ابتکار معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) بزرگ‌ترین تشکل و شبکه اجتماعی مردمی حقیقی در جهان را در قالب بسیج سامان داد که در دوران نیازمندی به امنیت و دفاع در این عرصه خوش درخشید، در دوران جنگ نرم و در عرصه‌های اقتصادی کارآیی خود را نشان داد و در عرصه‌های اجتماعی نیز اثبات کرده است که تنها راه حل مسائل رجوع به مردم، آن هم از طریق همین تشکیلات است.

البته ناگفته نماند که اکنون نیز بخش عظیمی از نیروهای بسیج مردمی با حداقل امکانات در امر اطفای حریق حضور دارند که این هم خود نشان از مسئولیت‌پذیری سپاه فراتر از به‌کارگیری امکاناتی چون بالگردها و وسایل نقلیه دارد.

صبحانه

ایستگاه خوشبختی

همیشه که نباید همه چیز، خوب باشد. در دل مشکلات است که آدم ساخته می شود؛ گاهی، همین سختی ها و مشکلات پله ای می شوند به سمت بزرگ ترین موفقیت ها. در مواقع سختی، ناامید نباش، برای آرزوهایت بجنگ و محکم تر از قبل ادامه بده. چه بسیاری از جاده های همواری که به مرداب ختم می شوند و چه بسیار تر جاده های ناهموار و صعب العبوری که به زیباترین باغ ها می رسند. تسلیم نشو، شاید پله بعد ایستگاه خوشبختی ات باشد.

صادقانه

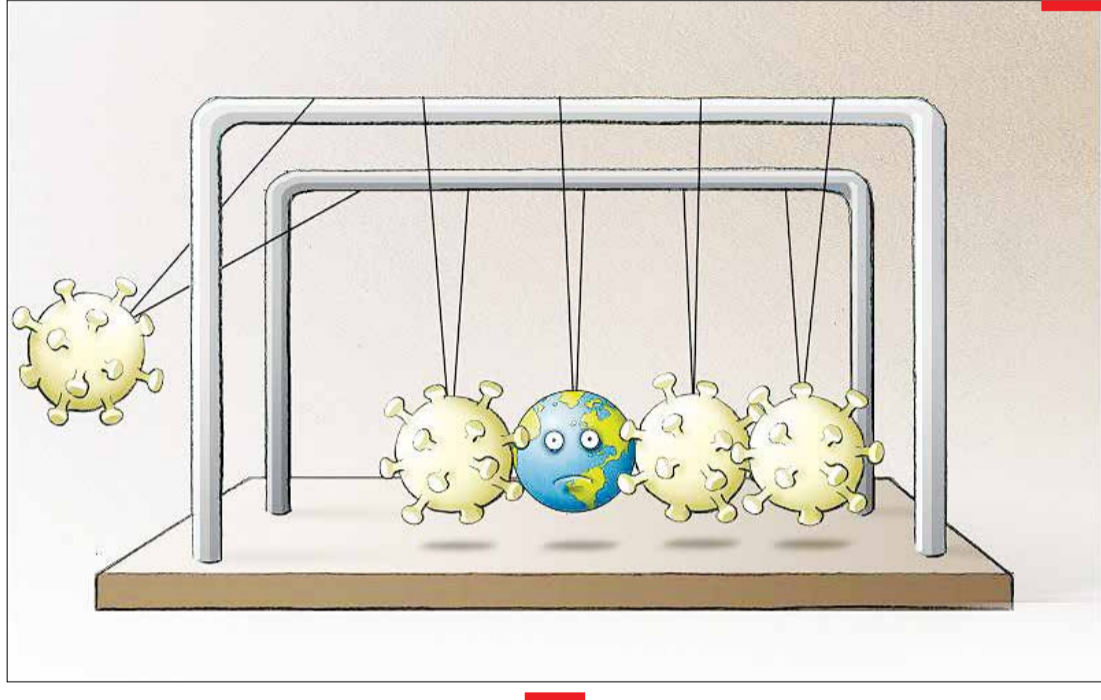
عهدشکنی زیرکی نیست

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «ای مردم، وفاداری با صداقت همزاد است و من، حفاظتی نگهدارنده تر از آن نمی شناسم و کسی که بداند بازگشت گاه چگونه است، پیمان شکنی نمی کند و اکنون ما، در روزگاری به سر می بریم که بیشتر مردم آن، عهدشکنی را زیرکی می شمارند و نادانان، این کار آنان را به زیرکی نسبت می دهند.»

(نهج البلاغه، خطبه ۴۱)

تلخند

کارتونیست: گلن للیور از استرالیا



زنجیره بیماری را قطع کنیم!

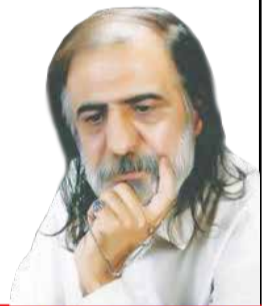
با رعایت نکات بهداشتی از شیوع ویروس کرونا جلوگیری کنیم.

کتیبه سبز

بوی گلاب

تن داده است چشم حریفان چو خواب را غافل شدند جمله، عفاف و حجاب را بی بند و بار زن، چو برون آمد از نقاب از دشمنان گرفت طریق عتاب را چون ماهواره ها به خدا حمله می کنند هشدار زن فرو شدن و منجلاب را ای بی حجاب، از چه کنی جلوه دروغ و داده ای ز دست، حساب و کتاب را همچون گوهر، میان صدف باش، ای عزیز عریان مشو و تن مده این اضطراب را از دامن تو مرد به معراج می رود گل باش و پرده داری بوی گلاب را

امیرعاملی



کشکیات

ریتم زندگی

ویروس، مثل بمب صدا کرده مدتی ست خود را میان معرکه جا کرده مدتی ست این چیز ریز و ذره میکروسکوپی بین با قلدری اش فیل هوا کرده مدتی ست یک دست آب زاول و یک دست جام ژل ما را اسیر گندزد کرده مدتی ست پیس پیس الکل است کنون ریتم زندگی حالا هوا، هوای فضا کرده مدتی ست بوسیده بوسه را و کنارش گذاشتیم لب هم در این میانه، حیا کرده مدتی ست دیگر سطوح هم به ستوه آمدند، آه ما را از عمق سطح، جدا کرده مدتی ست زمسوز و وقف ما شده سلطان غم، مویایل خود را عللیل عزلت ما کرده مدتی ست بالا یو، زنده اند مجازی زندگان نت را شدید، شاخ سرا کرده مدتی ست دزدان کارکشته پرطمطراق را خوار و ذلیل و ماسک را کرده مدتی ست وحشی گری غرب، جهان را دوباره پُر از صحنه های راز بقا کرده مدتی ست کوویدنوزده، تو چه کردی که زندگی با مرگ، بحث و چون چرا کرده مدتی ست اینکه کی از زمین و زمان کوچ می کنی دل را دچار خوف و رجا کرده مدتی ست یارب، جهان غم زده را پاک کن، بشر با دست استریل دعا کرده مدتی ست

مینا گوردزی

سلامت

دانه شگفت انگیز!

زهرا وحیدی نیا کارشناس علوم تغذیه
دانه کتان، یکی از اولین مواد مغذی فوق العاده ای است که خاک به ما هدیه می دهد. فرایند شگفت انگیز آن به دلیل دارا بودن ۳۱٪ لیگنان و فیبر است. با خوردن روزانه یک قاشق غذاخوری از این دانه ها می توانید ویتامین ها، مواد معدنی، پروتئین، فیبر و اسیدهای چرب امگا ۳ بسیاری را وارد بدن خود کنید که این مواد به بدن و سبک زندگی شما بسیار سود می رسانند. تأثیر مثبت دانه های کتان عبارت است از:

۱- برای سلامتی قلب بسیار مفید است و خطر سکته مغزی را کاهش می دهد. ۲- یک ماده غذایی با ارزش در مبارزه با سرطان های مختلف است. ۳- حرکات منظم روده را تقویت می کند و سلامت دستگاه گوارش شما را بهبود می بخشد. ۴- می تواند به کاهش کلسترول خون کمک کند و نقش مهمی در بهبود سلامت قلب داشته باشد. ۵- موجب کاهش فشار خون می شود و به ویژه برای کسانی که فشار خون بالایی دارند، مفید است. ۶- حاوی پروتئین با کیفیت بالا و همچنین منبع خوبی از پروتئین های گیاهی است که می تواند برای افرادی که گوشت نمی خورند جایگزین مناسبی باشد. ۷- به کنترل قند خون کمک می کند و می تواند افزودنی مفیدی برای رژیم غذایی افراد مبتلا به دیابت باشد. ۸- با سرکوب گرسنگی و افزایش احساس پر بودن، به کنترل وزن کمک می کند، دانه های کتان مدت طولانی شما را سیر نگه می دارند و با کنترل اشتها شما به کاهش وزن تان کمک می کنند. دانه های کتان را می توانید به کلوچه ها، نان، انواع سالادها، سوپ ها، ماست یا حتی دوغ خود اضافه کنید. توصیه می شود در مصرف دانه کتان زیاده روی نکنید و کمتر از پنج قاشق غذاخوری دانه کتان در روز مصرف کنید. این دانه ها را احتما استفاده کنید تا تأثیر شگفت انگیز آنها را ببینید.

سردار دل ها

فرمانده جوانمرد



«شروع آشنایی من با سردار به اواسط سال ۱۳۵۶ برمی گردد؛ مقطعی که در باشگاه «رفاه کارگران» در انتهای خیابان «ناصریه» (چهار راه کار کرمان) پرورش اندام کار می کردم. همان جا برای اولین بار «حاج قاسم» را دیدم، آنجا در رشته پرورش اندام تمرین می کردم. حاج قاسم از یکی دو سال قبل، زورخانه هم می رفت و ورزش پهلوانی می کرد.

خودش یک بار تعریف می کرد در سال ۱۳۵۴ که ۱۹ ساله بود و در «هتل کسری» سر چهارراه ارگ کرمان کار می کرد، روز عاشورا در خیابان می بیند یک پاسبان شهر بانی برای دختر خانمی ایجاد مزاحمت می کند و دختر هم که دستش به جای نمی رسد، با گریه از آن محل دور می شود. این موضوع خیلی برای حاج قاسم ناراحت کننده بود، به ویژه چون روز بزرگی مثل عاشورا اتفاق افتاده بود؛ این طور می شود که با پسرعمویش، «احمد سلیمانی» قرار می گذارند این کار مأمور شهر بانی را بی جواب بگذارند و او را ادب کنند؛ بنابراین همان شب در موقعیتی مناسب و وقتی خیابان خلوت بود، سراغ آن پاسبان می روند و سردار هم با استفاده از آمادگی بدنی که داشت، پاسبان را نقش زمین می کند؛ خلاصه مأموران شهر بانی خبردار می شوند و خودشان را به آنجا می رسانند و می ریزند داخل هتل تا این دو جوان را دستگیر کنند، اما حاج قاسم و پسرعمویش با زیرکی زیر تخت یکی از اتاق های هتل پنهان می شوند و دست مأموران به آنها نمی رسد.»

حمید مهربانی پور از دوستان شهید

پیشنهاد هفته

شناسنامه شهدا

کتاب های زیبا و شکیلی که شهدای دفاع مقدس و مدافعان حرم را معرفی می کند در قطع و قالب شناسنامه های قدیمی و با طراحی جذاب و هنرمندانه از سوری «انتشارات کتابک» قم و به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان وارد بازار شده است که بسیار کوتاه و جذاب زندگی نامه شهدا را معرفی می کند. در تألیف این کتاب ها سعی شده است آداب فرهنگی و اجتماعی و ویژگی های فردی، سبک و سیره زندگی شهدا به صورت مختصر در طراحی جدید و قطع کوچک تدوین شود تا نوجوانان با رغبت بیشتری از این کتاب ها استفاده کنند. از این مجموعه تاکنون ۴۰ عنوان منتشر شده است که به سبب زیبایی در قطع، طرح جلد، طراحی و قیمت مناسب آن می تواند هدیه مناسبی برای نوجوانان باشد؛ البته ناگفته نماند این مجموعه برای آشنایی جوانان حتی افراد سنین بالاتر هم خالی از لطف نیست و علاقه مندان می توانند در مدت کوتاهی هر یک از این کتاب ها را مطالعه کنند.



قبیله عشق

الگوی حجب و حیا



یادم است اولین باری که هوس کرد با برادر شهیدش «مهدی» حرف بزنم، با هم سر مزار او رفتیم. مهدی هم از همکاران خود ما بود که در مهر ۱۳۵۹، اندکی بعد از شروع جنگ شهید شد. موقع برگشت از سر مزار، هرچه معطل ماندیم، وسیله ای نیامد، تا آخر یکی از ماشین های انتقال زیاله رسید. ما پشت ماشین نشستیم و هنوز کف آن تعدادی زیاله مانده بود. مریم نگاهی کرد و گفت: «آدم موقعی که می میرد، مثل این زیاله می شود. زیاله را می شود بازیافت کرد، آدم مرده بازیافت هم نمی شود.» خدا و آخرت در زندگی شهید فرهانیان دو اصل بودند. او نمونه یک مسلمان واقعی بود.

به نقل از فاطمه جوشی دوست شهید «مریم فرهانیان»

مریم فرهانیان در ۲۴ دی ماه ۱۳۴۲ در آبادان و در خانواده ای متوسط و مذهبی به دنیا آمد. در ۱۴ سالگی با راهنمایی های برادر خود «شهید مهدی فرهانیان» خود را به سلاح معرفت الهی مجهز کرد. وی کسی بود که زینب وار از برادران رزمنده معروح پرستاری می کرد. شهید فرهانیان یکی از ۱۸ خواهر امدادگر داوطلب بود که در زمان جنگ در بیمارستان طالقانی آبادان در قسمت های مختلف، خالصانه خدمت کرد. غروب ۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۳، او همراه با دو نفر از خواهران همکار خود راهی گلستان شهدای آبادان شده بودند تا بر مزار شهیدیه که مادر گرانقدرش به او وصیت کرده بود هر سال به جای مادر بر سر مزار پسر حاضر شوند بروند، با اصابت ترکش خمپاره دشمن بعضی به فیض شهادت نائل شد. شهید مریم فرهانیان در حجب و حیا برای دختران و زنان الگو بوده و هست.

فاطمه سادات طلائی

حسن ختام

تو هستی آرامش اضطرابم

دوست دارم همچون پرند مهاجر که به وسعت سالیان دور از شما جامانده است، بال بگشایم و با همه وجود به سوی شما پر بزنم؛ بدون جرعه ای آب و لقمه ای نان. می خواهم برسم به وادی قدسی شما، به جمرکان ما. جایی که غرق در دلباختگی و شیدایی می شویم و مسیر از محبت و مهربانی شما.

آقا جان

مشوش و دل آشوبم. همچون پرند های که از صید صیاد گریخته باشند، شبیه او که حتی از نوازش نرم نسیم روی گندمزار بیمناک و پریشان است، او که دلش گرفته است و اضطرابی به وسعت تمام دنیا بر سرش آوار شده است، اما در امتداد این آشفتگی، کورسویی از شمع امید در دلش روشن است؛ امید به نجات بخشی که می آید و او را به آسمان آرامش و خلوت می رساند.